

پیش نویس

قانون اساسی پیرلو



دوازدهم ماه جولای ۲۰۱۷

هموطنان گرانقدر،
با سلام و درود،

احتراما، پیش نویس قانون اساسی ایران نوین، به پیوست تقدیم می گردد.

هدف از نگارش این پیش نویس، ایجاد فضایی برای بحث و گفتمان بین شهروندان ایران (علی الخصوص افراد صاحب نظر) برای تدوین قانون اساسی ایران نوین است.

از این رو، از شما دعوت می شود تا پس از بررسی این پیش نویس، در بحث های مربوطه شرکت فرمایید. شما می توانید نظرات خود را به آدرس ایمیل (موجود در انتهای این نامه) ارسال کرده و یا در فروم موجود در سایت قانون، شرکت نمایید.

شایان ذکر است که اساتید دانشمند و صاحب نظری در رشته های حقوق و جامعه شناسی (چه در داخل و چه در خارج از کشور) این متن را بازبینی کرده و به آن غنا بخشیده اند، لیکن بنا به مسائل امنیتی، نام آنها در این مرحله، ذکر نمی گردد.

با مهر
یاشار پارسا



فهرست:

چکیده: _____ ۴ الی ۱۱

متن پیش نویس: _____ ۱۲ الی ۱۰۹

نکات ضمیمه: _____ ۱۱۰ الی ۱۲۵

بررسی مشکلات ق.ا. کنونی _____ ۱۲۶ الی ۱۴۸



پیش‌نویس قانون اساسی ایران

EXECUTIVE SUMMARY

پیشگفتار:

گذار از جمهوری اسلامی، گریزناپذیر است. این نظام قابلیت اصلاح ندارد، و دیر یا زود، می‌بایست با یک نظام دموکراتیک جایگزین گردد. در این میانه، نیاز به تدوین پیش‌نویس قانون اساسی، اهمیت به سزایی دارد، و می‌تواند به کنشگران و جامعه مدنی ایران، نوید فردا ی بهتر بدهد و نشان دهد که ایران آزاد، چندان دور از ذهن هم نمی‌باشد.

از آن مهم‌تر، در صورت جایگزینی این حکومت غیرمردمی، و در آستانه شکل‌گیری حکومت جدید، ما با یک خلا جدی روبرو خواهیم بود و آن مساله نگارش قانون اساسی نوین است.

از این رو است که پیش‌نویس ضمیمه، تدوین گردیده است. پر واضح است که با نظر شما سروران گرانقدر، می‌توان آنرا بهبود بخشید و کارآمدترش نمود.

نگاهی به مشکلات قانون اساسی ج.ا.:

برای نگارش یک قانون اساسی نوین، شایسته است نگاهی به قانون اساسی کنونی انداخته شود، و مشکلات این قانون اساسی مد نظر قرار گیرد. در صفحه ۱۲۰ الی ۱۴۲، به ایرادات قانون اساسی ج.ا. پرداخته شده است.

هدف غایی این قانون اساسی:

این قانون اساسی را می‌توان در عباراتی کوتاه، چنین توصیف نمود:

- ✓ حکومتی که بر اساس این پیش‌نویس، قدرت را به دست خواهد گرفت، دارای «حقانیت برآمده از آرای مردم» خواهد بود،
- ✓ حاصل اجرای این پیش‌نویس قانون اساسی، ایجاد حکومتی پایدار است، حکومتی که در آن گردش قدرت به آسانی انجام می‌شود،
- ✓ حکومت، پاکیزه خواهد بود و به دلیل نظارت همیشگی و دائم شهروندان و رسانه‌ها، فساد به حداقل خواهد رسید،
- ✓ زمینه ایجاد حکمرانی مطلوب Good Governance در ایران فراهم می‌گردد، و به دلیل وجود پایداری سیاسی، قوا و این صحیح و کارشناسی شده، بستر مناسب برای رشد اقتصادی فراهم می‌گردد، و مردم ایران به رفاه دست خواهند یافت،
- ✓ نسل آینده ایران، شهروندانی «توانا» و «معقول» خواهند بود، آنها به حق خود برای بهره‌مندی از آموزش دست‌یافته‌اند، از حقوق خود آگاه بوده، و به شکل آگاهانه‌ای، در تعیین سرنوشت خود نقش ایفا می‌کنند،
- ✓ با اجرای این قانون اساسی، به مرور زمان به حاکمیت قانون اعتلای بیشتری بخشیده خواهد شد.



پتانسیل این پیشنهاد:

برای نگارش این قانون اساسی، تلاش شده تا به نظرات گروه‌های سیاسی مختلف توجه شود.

اکثر ایرانیان دارای «هدف مشترکی» هستند، آنها خواستار ایرانی آزاد، سربلند بوده و مایل هستند تا از رفاه بهره‌مند شوند؛ و همچنین، پر بیراه نیست اگر گفته شود که این قانون اساسی، پتانسیل آنرا دارد که مورد پذیرش اکثریت قابل توجهی از گروه‌های سیاسی نیز واقع شود.

هر چند که ممکن است شهروندان ایران یا گروه‌های سیاسی، هر یک دیدگاه سیاسی متفاوتی داشته باشند، لیکن وجود یک «هدف مشترک»، این فرصت را فراهم می‌آورد تا برای رسیدن به آینده‌ای بهتر، ایرانیان به یک «اجماع همپوشان Overlapping Consensus» بر روی این پیشنهاد دست یابند.

خودگردانی شهرستانی، حاکمیت غیر متمرکز یا قدرت سپاری DEVOLUTION؟

در این پیشنهاد، وظایف به شکل زیر تقسیم شده است:

- تصویب قوانین، حق انحصاری مجلس ملی است،
 - کابینه سیاست‌های کلان کشور را تدوین کرده و در سطح ملی آنها را اجرا می‌کند،
 - حکومت محلی که زیر نظر فرماندار فعالیت می‌کند، و همچنین فرماندار (منتخب شهروندان آن شهرستان)، اجرای آن سیاست‌ها را در حوزه شهرستان، بر عهده دارند.
 - مجالس محلی (منتخب شهروندان آن شهرستان)، وظیفه نظارت بر کار حکومت محلی را بر عهده داشته و در صورت لزوم، مقامات حکومت محلی را تغییر خواهند داد.
- بدین ترتیب، نماینده منتخب مردم شهرستان (یعنی فرماندار) وظیفه اداره شهرستان را بر عهده دارد، و همزمان، مجلس محلی نیز نظارت ویژه‌ای بر کار فرماندار و حکومت محلی دارد.
- این ترکیب نوین، یعنی خودگردانی شهرستانی، بر اساس ویژگی‌های جامعه ایران طراحی شده، و تفاوت‌های اساسی با سامانه کنفدراسیون، قدرت سپاری و همچنین فدرالیسم دارد.
- طبق این پیشنهاد، کابینه و یا مجلس ملی، نمی‌توانند حکومت محلی و یا مجالس محلی را حذف کنند، هر چند طبق شرایط خاصی، می‌توانند خواستار برگزاری انتخابات پیش از موعد شوند.

حقوق باشندگان ایران:

فصل دوم این قانون اساسی، به حقوق شهروندان اختصاص یافته است.

حقوقی همچون داشتن سر پناه و گرسنه نماندن، آزادی‌های بیان و اندیشه و باور، حق رهایی و جابه جایی، حق دسترسی به سلامتی و... از این دست حقوق است.



ارکان های حکومت در ایران به قرار زیر می باشند:

مجلس ملی:

- ۱) این قانون اساسی، سامانه کشورداری مجلس محور را در ایران حکمفرما خواهد نمود.
- ۲) مجلس سنا که متشکل از سناتورها است، به شکل مجلس علیا عمل کرده، و نقش نظارتی دارد.
- ۳) مردم هر شهرستان، نماینده خود را برای مجلس ملی انتخاب خواهند نمود.
- ۴) انتخاب نمایندگان مجلس ملی به شیوه ای نوین، مشابه شیوه mixed member proportional برگزار می گردد.
- ۵) نمایندگان مجلس ملی، یکی از نمایندگان منتخب در مجلس ملی را بعنوان نخست وزیر بر خواهند گزید. آن نماینده پس از انتصاب به مقام نخست وزیری، از قوه مقننه جدا شده، و ریاست قوه مجریه محسوب می گردد.
- ۶) مجلس ملی که هر کدام، توسط مردم شهرستان های مختلف برگزیده می شوند. و انتخابات مجلس ملی، به صورت همزمان برگزار نمی شود. هر دو سال یکبار، در بخشی از کشور ایران، انتخابات مجلس برگزار خواهد گشت. بدین ترتیب، شهروندان ایران می توانند در خصوص عملکرد احزاب گوناگون، هر دو سال یکبار، اظهار نظر نمایند.

قوه قضاییه:

- ۷) قوه قضاییه که یک قوه مستقل است، توسط شورای عالی قضایی اداره می شود. هر چند مجلس ملی و دیگر نهادها، تعداد اقلیتی از شورای عالی قضایی را بر می گیرند، اما اکثریت اعضای این شورا، توسط قضات ایران انتخاب می شوند (این شیوه ای است که پژوهشگران توصیه می کنند).
- ۸) انجمن ملی قضات، یک نهاد غیر حکومتی و مستقل است، و قضات کشور، در این نهاد عضویت دارند. این نهاد، در انتخاب اعضای شورای عالی قضایی، و همچنین اعضای دیوان قانون اساسی، نقش ایفا می کند.^۱
- ۹) شورای نگهبان عدالت، نهادی است که بر کار قوه قضاییه، نظارت ویژه دارد.
- ۱۰) اکثریت اعضای این نهاد از میان نمایندگان مجلس ملی برگزیده می شوند، لیکن دیگر ارکان حکومت نیز، نمایندگان خود را در این نهاد دارند.

حکومت محلی:

- ۱۱) حکومت محلی متشکل است از فرماندار، ادارات محلی، و مجلس محلی.
- ۱۲) مردم هر شهرستان، در طی انتخابات، فرماندار شهرستان خود و نمایندگان مجلس را بر خواهند گزید.
- ۱۳) وظیفه نمایندگان مجلس محلی، نظارت بر کار فرماندار و ادارات حکومتی در حوزه جغرافی شهرستان است. در هر شهرستان، یک مجلس محلی تشکیل می شود، که وظیفه اش نظارت بر کار حکومت محلی است، لیکن حق قانونگذاری ندارد.
- ۱۴) هر وزارت خانه در هر شهرستان یک اداره محلی ایجاد می کند که به صورت مشترک، زیر نظر فرماندار و وزیر مربوطه در کابینه، اداره می شود.

کابینه:

- ۱۵) کابینه، که همانا قوه مجریه می باشد و نخست وزیر رئیس آن است. نمایندگان مجلس ملی، رئیس قوه مجریه (نخست وزیر) را بر می گیرند.
- ۱۶) وزرا توسط نخست وزیر برگزیده می شوند، لیکن محتاج رای اعتماد مجلس ملی هستند.

^۱ اینکه تعریف قضات چه باید باشد، و چگونه بایستی قضات شریف را برای آینده ایران شناسایی کرد و آموزش داد، خارج از موضوع این بحث بوده و موضوع یک پروژه موازی و در حال اجرا است.



۱۷) هر وزارت خانه در هر شهرستان یک اداره محلی ایجاد می کند که به صورت مشترک، زیر نظر فرماندار و وزیر کابینه، اداره می شود.

انجمن عالی فرمانداران کشور:

۱۸) انجمن عالی فرمانداران، متشکل از تمامی فرمانداران کشور است.

ریاست کشور:

۱۹) ریاست کشور، که یک سمت نمادین بوده، و می تواند رئیس جمهور و یا پادشاه باشد.
۲۰) در صورت اینکه نوع نظام جمهوری باشد، آنگاه انجمن ملی فرمانداران کشور، به صورت دوره ای ریاست جمهور را بر خواهند گزید.

دیوان قانون اساسی:

۲۱) دیوان قانون اساسی که در حقیقت پاسدار قانون اساسی است و از اختیارات گسترده ای (مشابه دیوان قانون اساسی آلمان) بهره مند است. اعضای این دیوان، توسط نهادهای گوناگون برگزیده می شوند.

کمیته برگزاری انتخابات و گردش قدرت:

۲۲) کمیته برگزاری انتخابات و جابه جایی قدرت، که از نمایندگان ارکان مختلف کشور تشکیل می گردد، و وظیفه اش برگزاری انتخابات آزاد در ایران و واگذاری قدرت به منتخبین جدید است. ترکیب این ارگان به نحوی است که هیچ یک از مراکز قدرت در ایران، نمی توانند آنرا «قبضه» نمایند.

ارتش و پلیس:

۲۳) ارتش ملی که زیر نظر کابینه فعالیت می کند، لیکن ستاد نظارتی ارتش ایران نیز با حضور نمایندگان ارکان مختلف تشکیل می شود، تا از کودتا نکردن ارتش و همچنین سلامت عملکرد آن اطمینان حاصل نماید.

۲۴) پلیس زیر نظر وزارت کشور است، لیکن ستاد پلیس، متشکل از نمایندگان ارکان مختلف حکومت، بر کار آن نظارت دارند.

اموال نهادهای مذهبی:

۲۵) اموال تمامی نهادهای مذهبی در اختیار بنیاد ملی نیکوکاری قرار داده می شود. درآمد این بنیاد ملی، صرف خدمات بهداشتی کشور می گردد.

مجلس محوری این قانون اساسی:

این قانون اساسی، مجلس محور است. در حقیقت، نه تنها حق قانون گذاری به این قوه اعطا شده، لیکن قوه مجریه نیز از تن این قوه، زاده می شود.



به عبارت دیگر، نمایندگان مجلس از بین خودشان، یک نفر را به عنوان نخست وزیر بر می‌گزینند، و آن فرد پس از انتصاب به این سمت، از عضویت در قوه مقننه خارج شده، کرسی نمایندگی را رها کرده و هدایت قوه مجریه را بر عهده خواهد گرفت.

نمی‌توان منکر این شد که بعد از قریب چهار دهه سرکوب جامعه مدنی و نبود آزادی بیان، فرهنگ سیاسی جامعه آسیب دیده است، و ممکن است «نسخه‌های به روز شده احمدی‌نژاد» با بهره جویی از انتخابات، قوه مجریه را قبضه نمایند. واگذاری انتخاب قوه مجریه به مجلس ملی، این خطر را به شدت کاهش می‌دهد. از طرفی، انتخاب ریاست جدید برای قوه مجریه را نیز آسان‌تر می‌نماید.

از طرف دیگر، انتخابات مجلس ملی نیز به مانند سنای آمریکا، به صورت متناوب انجام می‌شود، و در نتیجه مردم ایران فرصت این را دارند که نمایندگان خود در قوه مجریه و مقننه را شکل متناوبی، تغییر دهند؛ در نتیجه مردم به راحتی می‌توانند بر قوه مجریه نیز اعمال قدرت نمایند.

شایان یادآوری است که علی‌رغم مجلس محوری، لیکن وجود دیوان قانون اساسی قدرتمند، باعث می‌شود که جلوی خدشه به حاکمیت قانون، گرفته شود.

قوه قضاییه:

شاید پر بیراه نباشد اگر گفته شود که مهمترین چالش برای حکومت بعدی (بعد از سرنگونی حکومت ج.ا.) ایجاد یک سامانه قضایی سالم است.

در این قانون اساسی، چارچوبی تدوین شده که بر اساس آن، سلامت سامانه قضا، دست‌یافتنی خواهد بود.

حفظ سلامت دستگاه قضا و جلوگیری از سوء استفاده ارتش:

شکل‌گیری کودتا، ایجاد حکومت خودکامه، فساد و سوء استفاده از قدرت، مهمترین خطراتی هستند که حکومت نوپای بعدی را تهدید می‌کنند.

از این رو، در این قانون اساسی، با تشکیل نهادهای نظارتی متعدد، تلاش شده تا این خطرات کاهش یابد

نظارت قوای سه‌گانه بر عملکرد دیگر قوا:

نظارت قوه مجریه بر کار قوه قضاییه و قوه مقننه:

- نخست وزیر می‌تواند درخواست ارسال یک قانون مصوب مجلس به دیوان قانون اساسی را داشته باشد.
- نخست وزیر می‌تواند از مجلس سنا بخواهند تا عملکرد یک یا چند عضو شورای عالی قضایی را مورد بررسی قرار دهند. مجلس سنا، در صورتی که تخلفی مشاهده کند، می‌تواند پرونده آن عضو متخلف را به دیوان قانون اساسی بفرستد.



نکته: حق نظارت قوه مجریه بر دو قوه دیگر، به صورت غیرمستقیم است، یعنی نخست‌وزیر می‌تواند در صورت مشاهده تخلف، آغازگر بررسی پرونده‌های تخلف این دو نهاد باشد، لیکن نمی‌تواند از این حق نظارت، سو استفاده کند و مثلاً به این دو قوه، اعمال فشار نماید.

نظارت قوه مقننه بر کار قوه مجریه و قوه قضاییه:

- قوه مقننه می‌تواند نخست‌وزیر یا هر یک از وزرا را عزل نماید.
- مجلس ملی می‌تواند از قوه قضاییه تحقیق نماید. مجلس ملی می‌تواند از مجلس سنا بخواهد تا عملکرد یک یا چند عضو شورای عالی قضایی را مورد بررسی قرار دهند. مجلس سنا، در صورتی که تخلفی مشاهده کند، می‌تواند پرونده آن عضو متخلف را به دیوان قانون اساسی بفرستد.
- حق نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه، بلاشرط و مستقیم است. اما برای نظارت بر قوه قضاییه، نیاز است تا توافق مجلس سنا جلب شود، و در نهایت نیز دیوان قانون اساسی است که اجازه بررسی نهایی تخلف در قوه قضا را دارد، از این رو، با وجود اینکه نظارت سخت‌گیرانه‌ای بر قوه قضاییه است، لیکن استقلال این قوه نیز حفظ خواهد شد.

نظارت قوه قضاییه بر کار قوه مجریه و قوه مقننه:

- شورای عالی قضایی (در حقیقت قلب تپنده قوه قضاییه) می‌تواند هر یک از قوانین مصوب مجلس ملی را مخالف قانون اساسی بداند و از دیوان قانون اساسی تقاضای بررسی آنرا بکند.
- دادگاه بازمی‌بینی قضایی که در حقیقت همان **judicial review** است، اجرای آیین نامه‌ها و مقررات کشور را زیر نظر دارد.
- در نهایت، دیوان قانون اساسی نیز مجاز است تا حسب خواسته ریاست کشور یا مجلس سنا، هر یک از احکام صادره از کشور را مورد بررسی قرار دهد، و از دادگاه بخواهد تا مجدداً به آن پرونده رسیدگی کنند.

نقش نظارتی مجلس سنا:

- نظارت بر قوه قضاییه: درخواستهای نهادهای دیگر (ریاست کشور، نخست‌وزیر و یا مجلس ملی) برای بررسی عملکرد اعضای شورای عالی قضایی مورد بررسی قرار می‌دهد. البته شایان ذکر است که مجلس سنا تنها می‌تواند پرونده را به دیوان قانون اساسی بفرستد و راساً نمی‌تواند در کار قوه قضاییه دخالت نماید.
- نظارت بر مجلس ملی: مجلس سنا می‌تواند در پاسخ به درخواست ریاست کشور، با برگزاری انتخابات پیش از موعد مجلس، موافقت نماید.

نقش دیوان قانون اساسی:

دیوان قانون اساسی، نهادی است که واپسین تفسیر را از قانون اساسی ارائه می‌کند. رؤس وظایف این نهاد به قرار زیر است:

- (۱) تعلیق یا لغو قوانین مصوب مجلس (در صورت تناقض با قانون اساسی)
- (۲) بازمی‌بینی قضایی،
- (۳) ارائه تفسیر از قانون اساسی،



- ۴) حل اختلاف بین حکومت‌های محلی و کابینه،
- ۵) ممنوعیت فعالیت یک حزب،
- ۶) ایجاد محدودیت برای آزادی بیان یک شهروند،
- ۷) رسیدگی به تخلف اعضای شورای عالی قضایی،

علت پیچیدگی نظارت قوا بر کار یکدیگر:

نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه، چندان پیچیده نیست. می توان قوه مجریه را در موقعیتی پاسخگو در مقابل مجلس ملی قرار داد. نظارت دقیق مجلس، در حد متعارف آن، ضرری ایجاد نمی‌کند (هر چند اگر این نظارت، شکل دخالت به خود بگیرد، آنگاه کارایی قوه مجریه کاهش خواهد یافت و می‌تواند در مواردی، به فساد منجر گردد).

اما نظارت بر قوه قضاییه، مساله بسیار پیچیده‌ای است. اعطای حق نظارت بر قوه مقننه، می‌تواند تبدیل به ابزاری شود که قوه مجریه یا مقننه، در کار قوه قضاییه دخالت کنند (مثلا اجازه پیگیری یک پرونده و یا طرح یک پرونده را ندهند). در حقیقت، استقلال قوه قضاییه را خدشه‌دار کنند، و این باعث فساد قضایی می‌شود، و شکل‌گیری فساد قضایی، باعث گسترش فساد در همه ارکان حکومت می‌گردد و در جامعه‌ای که دموکراسی نوپایی دارد، این می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نوع جدیدی از دیکتاتوری شود!

حال به یاد بیاوریم که فرهنگ حقوقی در جامعه ایران، به شدت آسیب دیده است و فساد قضایی شگفت‌آوری، جامعه ایران و سامانه قضایی را در بر گرفته است، در چنین حالتی، عدم نظارت بر کار قوه قضاییه نوپا، به شکل‌گیری مجدد فساد قضایی منجر می‌گردد، و از طرفی، اعطای قدرت نظارت به صورت چشم بسته به دیگر قوا، می‌تواند خود باعث شکل‌گیری فساد شود.

از این رو است که به مدد «نظریه بازی‌ها» شکل پیچیده کنونی برای نظارت قوای دیگر بر قوه قضاییه، تدوین گشته است. در شکل کنونی، ما شاهد آن هستیم که:

- نظارت بسیار دقیقی از سوی قوه مجریه و قوه مقننه بر کار قوه قضاییه وجود دارد،
- در عین حال، قوه مجریه و قوه مقننه نمی‌توانند در کار قوه قضاییه، دخالت کنند،
- قضات از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار هستند،
- بر کار قضات نظارت دقیقی است،

طولانی بودن این پیش‌نویس:

این پیش نویس، بیش از دو برابر قانون اساسی کنونی ج.ا. حجم دارد. و اگر قرار به قیاس باشد، حجمی برابر با قانون اساسی کشور هند دارد.

نگارنده باور دارد که اگر قرار است یک قانون اساسی در هزاره سوم میلادی نگاشته شود، ناگزیر به پرداختن به نکاتی است که در سده‌های پیشین، اصولاً چنین دغدغه‌هایی وجود نداشته، و در نتیجه طولانی‌تر شدن این قانون اساسی، گریز ناپذیر است.

جمع بندی:

برای نگارش این قانون اساسی، به نکات متعددی توجه شده است، از شرایط اسفناک منطقه خاورمیانه گرفته، تا ویژگی‌های فرهنگی مردم ایران. نگارنده تلاش نموده تا با توجه به شرایط موجود، آنچنان این پیش‌نویس تدارک دیده شود که پایداری، صلح و توسعه پایدار را به همراه آورد.



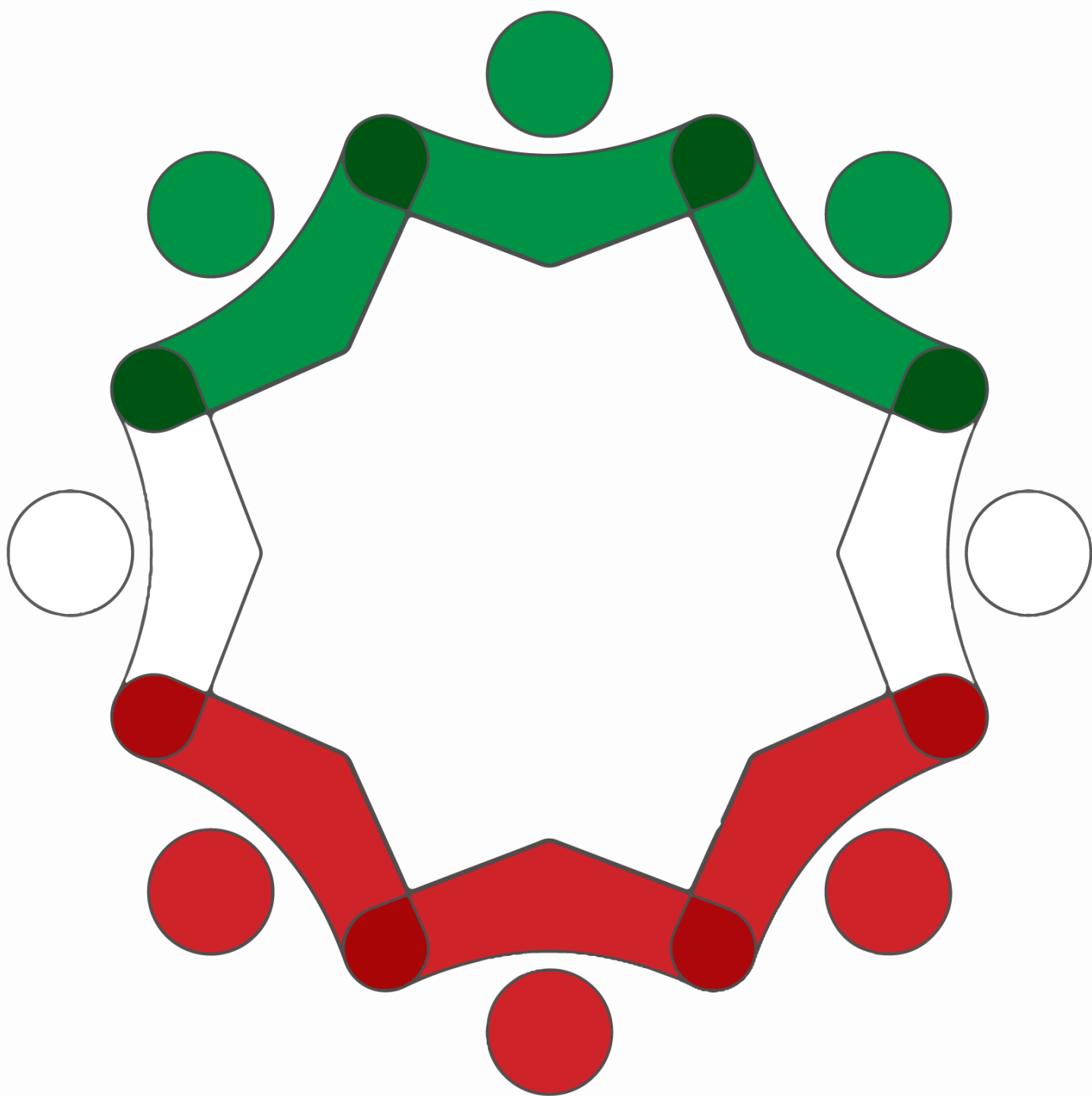
البته که نگارنده برای اعطای قدرت به هر یک از نهادهای موجود در کشور، به نظریه بازی‌ها توسل جسته، و تلاش نموده تا در صورت حکمفرما شدن این قانون اساسی، ضمن ایجاد تعادل و پایداری در تمامی قوای سه گانه، نظارت جدی بر تمامی قوا وجود داشته باشد.

از اینکه شما سرور گرانقدر، زحمت بازبینی و بررسی این پیشنهاد را پذیرفته‌اید، سپاسگزاری می‌گردد.

با مهر

یاشار پارسا

پی نوشت: در متن پیشنهاد، گاه به نکته‌های ضمیمه اشاره شده است.
این نکته‌ها، در ادامه پیشنهاد نویسنده آورده شده است.





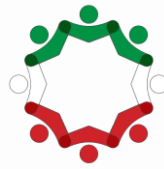
پیش نویس

قانون اساسی ایران

نگارش: یاشار پارسا

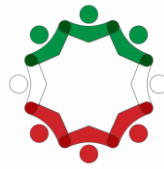
بازبینی: دکتر نوید فاضل

تمام حقوق محفوظ می باشد.



فهرست

۱۶	فصل اول-پیشگفتار:
۱۸	راست شماری:
۱۸	اصول عمومی:
۱۹	پرچم و زبان:
۲۰	نوع نظام:
۲۲	فصل دوم-منشور حقوقِ باشندگانِ ایران:
۲۲	تعریف شهروندان و زیستوران ایران:
۲۲	بندهای حقوقِ باشندگانِ ایران:
۳۴	دارندگان حقوقِ ویژه در ایران:
۳۵	تضمین حقوقِ کودکان:
۳۶	ممنوعیت تبعیض و تضمین حقوق اقلیت‌ها:
۳۷	ضمانت اجرای منشور حقوقِ باشندگانِ ایران:
۳۸	فصل سوم-وظایف باشندگانِ ایران:
۴۰	فصل چهارم-تشکیل احزاب:
۴۲	فصل پنجم-بخش‌های گوناگون حکومت:
۴۲	تعریف قوا در ایران:
۴۴	ریاست کشور:
۴۶	اجزای قوه مقننه:
۴۷	قوه مقننه - مجلس ملی:
۴۷	شیوه انتخاب نمایندگان مجلس ملی:
۵۳	سازمان بازرسی ایران (زیر مجموعه مجلس ملی):
۵۶	قوه مقننه- مجلس سنا:
۶۰	مجالس محلی:
۶۲	قوه مجریه:
۶۶	حکومت محلی- فرمانداری‌ها:
۷۰	استانداری:
۷۱	انجمن عالی فرمانداران کشور:
۷۱	قوه قضاییه:
۷۸	شورای نگهبان عدالت:
۷۹	دادستانی در ایران:
۸۱	دیوان قانون اساسی:
۸۳	ارتش ایران:
۸۵	پلیس:
۸۶	شورای عالی امنیت ملی:
۸۶	کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت:
۸۹	سلامت دستگاه قضا و نظام دیوانی کشور:
۹۰	حق نظارت برای باشندگانِ ایران:
۹۳	فصل ششم- اقتصاد و تامین اجتماعی:
۹۳	قوانین عمومی:



۹۶.....	بنیاد ملی نیکوکاری:
۹۷.....	سازمان ملی بهداشت:
۹۷.....	بانک مرکزی و سازمان ملی بانکداری:
۹۸.....	سازمان ملی تجارت:
۹۹.....	فصل هفتم- مشخصات قوانین کشور و نحوه تصویب:
۱۰۲.....	فصل هشتم- رسانه های آزاد:
۱۰۶.....	فصل نهم- سیاست خارجی حکومت:
۱۰۸.....	فصل دهم- حق تغییر نوع نظام و تغییر قانون اساسی:



فصل اول - پیشگفتار:

اصل (۱) ما، مردم ایران، به منظور دستیابی به اهداف زیر، این قانون اساسی را تأیید می‌کنیم:

- (۱) برابری همگان در مقابل قانون،
- (۲) استقرار حکومتی مبتنی بر اراده مردم در ایران،
- (۳) تضمین حقوق بشری تمامی باشندگان ایران،
- (۴) جدایی دین از حکومت، [ن.ک. به نکته شماره: ۱، در ضمیمه]

اصل (۲) همبستگی ملی مردم ایران، بر اساس اعتقاد به ارزش‌های مشترک زیر، شکل گرفته است و اکثریت مردم ایران، با تصویب این قانون اساسی، پایبندی و اعتقاد خود را به این ارزش‌ها اعلام می‌نمایند:

- (۱) اعتقاد به کرامت ذاتی و غیر قابل سلب برای تمامی انسان‌ها،
- (۲) باور به برابری غیرقابل انکار همگان در برابر قانون،
- (۳) باور به عدالت اجتماعی،
- (۴) باور به منشور حقوق بشری باشندگان ایران (مندرج در فصل دوم این قانون اساسی)،
- (۵) باور به آزادی انسان‌ها، مشتمل بر آزادی اندیشه، آزادی باور، آزادی بیان،
- (۶) باور به آزادی رسانه‌ها،
- (۷) باور به بهره‌مندی شهروندان ایران از حق مالکیت،
- (۸) باور به آزادی شهروندان ایران برای نامزدی، و همچنین برگزیدن مقامات مختلف حکومت (حق مشارکت در انتخابات و حق نامزدی در انتخابات)،
- (۹) تعهد به ایجاد شرایطی برای داشتن عزت نفس در کشور ایران،
- (۱۰) باور به جدایی دین از حکومت، و ممنوعیت سواستفاده از ادیان برای اهداف سیاسی.

اصل (۳) مقامات حکومت ایران برای مدتی معین، و بر اساس انتخابات آزاد، منصفانه و پیاپی، برگزیده می‌شوند؛ تمامی شهروندان بزرگسال ایران دارای حق رای هستند؛ در انتخاب خویش آزاد بوده، محق به مشارکت سیاسی، ایجاد حزب، و یا عضویت در هر حزبی می‌باشند؛ همچنین آزادی بیان و آزادی اندیشه، به عنوان ابزار شهروندان برای بهره‌مندی از انتخاب آگاهانه تضمین شده است. [ن.ک. به نکته شماره: ۲، در ضمیمه]

اصل (۴) حق حاکمیت بر کشور ایران به صورت انحصاری در اختیار مردم ایران است، و این حق از طریق انتخابات آزاد و منصفانه اعمال می‌گردد.



اصل ۵

حکومت ایران، تنها در صورتی که شرایط زیر محقق شده باشد، از حقانیت برخوردار خواهد بود:

- ۱) مقامات حکومت ایران بر اساس رای اکثریت مردم ایران و در طی انتخابات آزادانه و منصفانه برگزیده شده باشند؛
- ۲) مقامات حکومت، مسوول کردار خود بوده، و مطابق این قانون اساسی در مقابل مردم ایران، پاسخگو باشند؛
- ۳) حق غیرقابل انکار مردم ایران برای پرسشگری از مقامات حکومت، مطابق این قانون اساسی، تضمین شده باشد؛
- ۴) آزادی رسانه ها، آزادی باور، و آزادی اندیشه برای شهروندان ایران تضمین شده باشد.
- ۵) حق مردم ایران برای مشارکت سیاسی، فعالیت حزبی و تعیین سرنوشت خود، تضمین شده باشد.

اصل ۶

قانون اساسی ایران و پیشنهادات برای تغییر آن می بایست هر ۱۵ سال یکبار به همه پرسى گذاشته شود. [ن.ک. به نکته شماره: ۳، در ضمیمه]

اصل ۷

اقوام گوناگونی در ایران زندگی می کنند که هویت غالب تمامی آنها، ایرانی بودن آنها است؛ این قانون اساسی بر برابری تمامی شهروندان ایران با هر قومیتی، تاکید می‌ورزد.

اصل ۸

این قانون اساسی، تفاوت‌های فرهنگی-هویتي اقوام مختلف را ارج نهاده و آنها را به رسمیت می‌شناسند.

بند ۱

این قانون اساسی، بر حق اقوام ایرانی، برای حفظ و اعتلای فرهنگ خود، تاکید می‌ورزد.

بند ۲

هیچ یک از اقوام ایرانی نباید به دلیل اینکه فرهنگی متفاوت دارد، مورد تبعیض و نابرابری واقع شود.

بند ۳

هیچ کسی حق ندارد به بهانه حفظ یک فرهنگ قومی، حقوق انسانی یکی از باشندگان ایران را نقض کند. [ن.ک. به نکته شماره: ۴، در ضمیمه]

اصل ۹

جدایی دین از حکومت، یک اصل غیر قابل تغییر در این قانون اساسی است؛ دخالت یک دین در حکومت به معنای روا شدن تبعیض به آن دسته از باشندگان ایران است که به آن دین باور ندارند؛ و به معنای «خداشه به عدالت» بوده و «ظلم» به تمامی شهروندان ایران تلفی می‌گردد. [ن.ک. به نکته شماره: ۸، در ضمیمه]



راست‌شماری:

اصل ۱۰) این قانون اساسی تلاش‌های صورت گرفته برای رهایی از استبداد که از زمان جنبش مشروطه آغاز شده را پاس می‌دارد.

اصل ۱۱) این قانون اساسی، بر وجود تبعیض به شکل گسترده در دوران حکومت جمهوری اسلامی تاکید کرده، و مبارزه با تبعیض را به عنوان یک اصل اساسی برای ایران نوین معرفی می‌کند.

بند ۱) مردم ایران با تصویب این قانون اساسی تاکید می‌کنند که در دوران حکومت جمهوری اسلامی، بر اقوام گوناگون ایرانی، تبعیض و ظلم روا شده است و آنها به دلیل قومیت خود، آزار دیده‌اند؛

بند ۲) مردم ایران با تصویب این قانون اساسی تاکید می‌کنند که در دوران حکومت جمهوری اسلامی، بر بسیاری از شهروندان ایران، به دلیل اینکه دین یا باور متفاوتی داشته‌اند، تبعیض و ظلم روا شده است، و آنها به دلیل داشتن دین متفاوت، آزار دیده‌اند؛

بند ۳) مردم ایران با تصویب این قانون اساسی تاکید می‌کنند که در دوران حکومت جمهوری اسلامی، بر زنان ایران، تنها به دلیل جنسیت آنها، تبعیض و ظلم روا شده است.

اصول عمومی:

اصل ۱۲) به تمامیت ارضی کشور ایران تحت هیچ شرایطی نباید خدشه ای وارد شود؛ تمامیت ارضی، یک اصل غیر قابل مذاکره است.

اصل ۱۳) کشور ایران یک کشور مستقل است و دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی ایران ممنوع می‌باشد.

اصل ۱۴) حق تمامی باشندگان ایران برای داشتن هر عقیده و یا باوری محفوظ است؛ همچنین حق تمامی باشندگان ایران برای نیایش بر اساس آیین، دین و یا باور آنها محفوظ است. [ن.ک. به نکته شماره: ۷، در ضمیمه]

اصل ۱۵) قوانین و سیاست‌گذاری‌های کشور ایران می‌بایست بر اساس دانش روز و بر اساس منافع مردم ایران صورت گیرد. این قانون اساسی، تدوین و تصویب قوانین بر اساس قواعد یک دین یا عقیده خاص را در تناقض با عدالت بین شهروندان دانسته و آنرا مطلقاً ممنوع اعلام می‌نماید.



اصل ۱۶) حق قانون گذاری به صورت انحصاری در اختیار مجلس ملی است. حکومت بر اساس قوانین مصوب مجلس ملی و در چارچوب قانون اساسی فعالیت می کند.

تبصره ۱) اجرای نظر اکثریت به معنای نقض حقوق انسانی اقلیت نیست، و در هیچ شرایطی نباید حقوق باشندگان ایران (مندرج در فصل دوم این قانون اساسی) خدشه وارد گردد. [ن.ک. به نکته شماره: ۶، در ضمیمه]

اصل ۱۷) این قانون اساسی بر «پرهیز از انتقام جویی» و «آشتی ملی» تاکید می ورزد. [ن.ک. به نکته شماره: ۵، در ضمیمه]

اصل ۱۸) حکومت ایران موظف است تا از محیط زیست ایران، بافت بومی و تنوع زیستی، پاسداری نماید.

اصل ۱۹) پاسداری از میراث تاریخی کشور ایران وظیفه حکومت می باشد.

اصل ۲۰) پایتخت ایران، شهر تهران است، لیکن مجلس ملی می تواند بر اساس نیازمندی های روز، پایتخت کشور را تغییر دهد.

پرچم و زبان:

اصل ۲۱) شعار ملی ایران این است: سربلندی ایران-ارجمندی انسان.

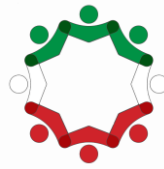
اصل ۲۲) زبان دیوانی در ایران، زبان فارسی می باشد.

تبصره ۱) اقوام گوناگون مجاز هستند تا به کودکان علاوه بر زبان فارسی، زبان مادری را نیز آموزش دهند.

تبصره ۲) حکومت موظف است تا از ایجاد امکانات لازم برای دستیابی باشندگان ایران به این حق اطمینان حاصل نماید. [ن.ک. به نکته شماره: ۹، در ضمیمه]

اصل ۲۳) پرچم ایران، پرچم تاریخی شیر و خورشید می باشد؛ رنگ سبز به نشانه حیات و زندگی بوده؛ رنگ قرمز به یاد خون های ریخته شده در راه دفاع از مرزهای کشور و تلاش های صورت گرفته برای استقرار مردم سالاری در ایران است؛ و رنگ سفید به نشانه علاقه و تعهد خدشه ناپذیر مردم ایران به صلح عادلانه می باشد. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۰، در ضمیمه]

اصل ۲۴) در کشور ایران هیچ مذهب و یا دین رسمی وجود ندارد، و پیروان تمامی ادیان محق هستند تا مصون از تبعیض باشند.



نوع نظام:

اصل ۲۵) حکومت ایران، یک حکومت غیر متمرکز است؛ قوای سه‌گانه کشور شامل قوه مجریه، مقننه و قضاییه است، این سه قوه به صورت مستقل از یکدیگر عمل کرده، لیکن بر کار یکدیگر نظارت دارند. بخش‌های مختلف حکومت ایران به قرار زیر می‌باشند.

۱) مجلس ملی، وظیفه قانون‌گذاری را به صورت انحصاری در اختیار دارد، و همچنین بر عملکرد قوه مجریه نظارت می‌کند. تنها شهروندان ایران مجاز هستند تا نمایندگان مجلس ملی را با رای مستقیم خود تعیین نمایند.

۲) مجلس سنا، موظف است تا بر مصوبات مجلس ملی، عملکرد قوه مجریه و قوه قضاییه نظارت داشته، و می‌تواند در صورت مشاهده تخلف در هر یک از این نهادها واکنش نشان دهد، پرونده تخلف قوه قضاییه را به دیوان قانون اساسی بفرستد، خواستار برگزاری انتخابات پیش از موعد برای مجلس ملی شود، و یا در صورت مشاهده تخلف در کابینه، موضوع را در قالب لایحه به مجلس ملی ارسال نماید. شهروندان هر استان، نمایندگان خود را برای مجلس سنا مشخص می‌کنند، اقلیتی از اعضای مجلس سنا توسط نهادهای گوناگون کشور برگزیده می‌شوند.

۳) مجلس محلی بر کار فرماندار و ادارات گوناگون در حوزه شهرستان نظارت می‌کند، و قدرت برکناری تمامی مقامات حکومتی در حوزه شهرستان را دارد. اعضای مجلس محلی به وسیله رای مستقیم مردم هر شهرستان برگزیده می‌شوند.

۴) قوه قضاییه توسط شورای عالی قضایی اداره می‌شود، و وظیفه دادگری در ایران را بر عهده دارد.

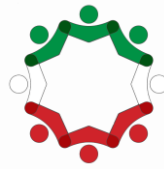
۵) انجمن ملی قضا، یک نهاد غیر دولتی و مستقل است که با حضور تمامی قضاات کشور تشکیل می‌شود، و وظایفی همچون گزینش تعدادی از قضاات دیوان قانون اساسی و اعضای شورای عالی قضایی را بر عهده دارد.

۶) دیوان قانون اساسی، عالی‌ترین مرجع ارایه تفسیر از قانون اساسی است، و مجلس سنا و یا ریاست کشور می‌توانند از این نهاد، تقاضا کنند که مصوبات مجلس را بررسی کرده و از تطبیق آن مصوبات با قانون اساسی، اطمینان حاصل نماید.

۷) ریاست قوه مجریه نیز با نخست‌وزیر است، که توسط مجلس ملی برگزیده می‌شود، لیکن پس از انتصاب نخست‌وزیر، وی و قوه مجریه، به عنوان یک نهاد مجزا و به صورت مستقل عمل می‌کنند. قوه مجریه پاسخگوی مجلس ملی و مجلس سنا است.

۸) حکومت محلی متشکل از تمامی ادارات محلی است، و فرماندار شهرستان، ریاست حکومت محلی را بر عهده دارد. مردم هر شهرستان، فرماندار شهرستان را بر می‌گزینند، و تمامی ادارات محلی زیر نظر فرماندار آن شهرستان فعالیت می‌کنند. هر اداره محلی به صورت مشترک زیر نظر فرماندار و مدیرکل استانی فعالیت می‌کند.

۹) انجمن عالی فرمانداران کشور، تشکیل شده از تمامی فرمانداران کشور است.



۱۰) « کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت » متشکل از نمایندگان نهادهای گوناگون حکومت بوده و مسوولیت برگزاری انتخابات و همه‌پرسی را بر عهده دارد؛ همچنین « کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت » تنها مرجعی است که درستی نتایج انتخابات و یا همه پرسی را تایید خواهد نمود.

اصل ۲۶) ریاست کشور، نماد اتحاد و همبستگی مردم ایران است، وی رئیس دولت ایران بوده و هر چند امور کشور را به صورت کلان زیر نظر دارد، لیکن وی در امور حکومت دخالت نمی‌کند.

بند ۱) مردم ایران در طی یک همه‌پرسی، نوع نظام (پادشاهی پارلمانی یا ریاست جمهوری) را مشخص خواهند نمود.

بند ۲) در صورتی که مردم ایران نوع نظام را ریاست جمهوری اعلام نمودند، آنگاه نام کشور، «کشور جمهوری ایران» خواهد بود، و انجمن عالی فرمانداران کشور، یکی از اعضای خود را برای مدت شش سال به عنوان ریاست کشور برخوانند گزید.

تبصره ۱) در چنین شرایطی، در آن شهرستانی که فرماندارش به سمت ریاست جمهوری منصوب شده، می‌بایست ظرف مدت یک ماه، انتخابات مجدد برای گزینش فرماندار جدید برگزار گردد.

بند ۳) چنانچه انتخاب مردم ایران برای نوع نظام، نظام پادشاهی پارلمانی باشد، آنگاه نام کشور، «کشور پادشاهی ایران» خواهد بود، و در طی یک همه‌پرسی جداگانه، و در قالب یک الحاقیه به این قانون اساسی، خاندان پادشاهی ایران مشخص خواهد گشت.



فصل دوم - منشور حقوق باشندگان ایران:

تعریف شهروندان و زیستوران ایران:

اصل ۲۷) در این قانون اساسی، هر جا از حقوق باشندگان ایران یاد شده، منظور مفاد منشور، مطروحه در فصل دوم این قانون اساسی است. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۴، در ضمیمه]

اصل ۲۸) باشندگان در ایران بر دو نوع می باشند:

- ۱) شهروندان ایران که تبعه ایران هستند؛
- ۲) افرادی که به صورت قانونی در ایران اقامت دارند، و زیستور نامیده می شوند. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۱، در ضمیمه]

بندهای حقوق باشندگان ایران:

اصل ۲۹) تمامی باشندگان ایران می باید از حقوق باشندگان ایران (مندرج در این قانون اساسی) بهره مند باشند.

بند ۱) تمامی انسان هایی که تابعیت ایرانی دارند، شهروند ایران محسوب شده و مورد حمایت حکومت ایران می باشند.

بند ۲) زیستورانی که در ایران زندگی می کنند، از حقوق مطروحه در این منشور (به استثنای حقوقی همچون نامزدی در انتخابات و حق رای) بهره مند بوده و در مقابل قانون، با دیگران برابر قلمداد می شوند.

بند ۳) هر شهروند ایران مجاز است تا تابعیت کشور دیگری را داشته باشد.



بند ۴) تابعیت آن دسته از شهروندان ایران که هنگام تولد، تابعیت ایران را داشته‌اند را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان لغو نمود.

بند ۵) غیر از افرادی که اکنون شناسنامه ایرانی دارند، هر انسانی که در ایران زاده شده باشد، و یا اینکه پدر و یا مادرش ایرانی باشند، و یا اینکه مدت مشخصی به صورت قانونی در ایران اقامت داشته است، می‌تواند تقاضای دریافت تابعیت را داشته باشد؛ شرایط پذیرش و رد آن درخواست را قانون تعیین خواهد نمود.

بند ۶) چنانچه کسی بعد از تولد تابعیت ایران را اخذ کند، و جرائم جدی مرتکب شود، آنگاه دادگاه صالحه می‌تواند تابعیت او را لغو کند، مشروط بر اینکه در صورت لغو تابعیت ایران، آن فرد فاقد تابعیت نشود؛ شرح تفصیلی آنرا قانون مشخص خواهد نمود.

بند ۷) پلیس می‌تواند نسبت به بازداشت افرادی که به صورت غیرقانونی در ایران اقامت دارند، اقدام کند، اما اخراج آنها از کشور، مشروط به اجازه دادگاه می‌باشد. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۲، در ضمیمه]

بند ۸) هر انسانی حق دارد که از دولت ایران تقاضای پناهندگی کند. حکومت، موظف به قبول پناهندگی متقاضی است، مشروط بر اینکه در صورت اخراج آن پناهجو از ایران، جان وی بنا به یکی از دلایل زیر در معرض خطر قرار گیرد:

- ۱) در صورت اخراج پناهجو از ایران و بازگرداندن او به کشور مبدأ، خطر مرگ، اعدام و یا شکنجه آن پناهجو را تهدید کند؛
- ۲) آن پناهجو قبل از ورود به ایران، به دلیل نژاد، یا عقاید سیاسی، یا باور و عقیده، یا گرایش جنسی، یا جنسیت، مورد پیگرد و آزار جدی واقع شده باشد، و چنین خطری وی را تهدید کرده باشد؛
- ۳) به دلیل وجود جنگ، قحطی و یا دیگر دلایل مشابه، بازگرداندن آن پناهجو به کشور مبدأ، جان او را در معرض خطر قرار دهد. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۳، در ضمیمه]

اصل ۳۰) حق زندگی توأم با کرامت انسانی، و برابری با دیگر انسان‌ها برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می‌باشد.

بند ۱) هر انسانی به صرف انسان بودن (فارغ از ملیت، زبان، مذهب، نژاد و جنسیت)، از کرامت انسانی برخوردار است. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۵، در ضمیمه]

بند ۲) کرامت انسانی ذاتی بوده و غیر قابل سلب می‌باشد.

بند ۳) تمامی باشندگان ایران، فارغ از تابعیت، نژاد، دین، باور و یا عقیده سیاسی، جنسیت و یا گرایش جنسی، در مقابل قانون یکسان می‌باشند.



بند ۴) اعمال تبعیض به دلیل جنسیت، گرایش جنسی، رنگ پوست، نژاد، زبان، وابستگی قومی، تابعیت، داشتن گرایش سیاسی، و یا اعتقاد به یک دین یا باور، مطلقاً ممنوع می‌باشد.

بند ۵) تمامی شهروندان ایران می‌باید به شکل برابری، و تنها بر اساس شایستگی‌های علمی و تخصصی خود، فرصت دستیابی به سمت‌های گوناگون حکومتی یا استخدام در ادارات حکومتی را داشته باشند.

بند ۶) محل اقامت، زندگی خصوصی، مکاتبات و یا داده‌های مرتبط با زندگی خصوصی افراد، محل کار، داده‌های مرتبط با شغل اشخاص، می‌بایست مصون از دست‌درازی باشد.

تبصره ۱) تنها دادگاه صالحه می‌تواند اجازه بازرسی یا استراق سمع یا واکاوی از محل کار، محل زندگی، یا اطلاعات خصوصی باشندگان ایران را بدهد.

تبصره ۲) اطلاعات شخصی باشندگان ایران که نزد حکومت نگهداری می‌شود، می‌بایست مصون از افشا، سواستفاده و یا بهره‌جویی غیرقانونی باشد.

بند ۷) هر انسانی محق است تا به نحوی آبرومندانه در جامعه زندگی کند. آبروی هر انسانی به مانند «داشته» او بوده، و می‌بایست مصون از تعرض باشد.

بند ۸) هر یک از باشندگان ایران که به سن قانونی رسیده‌اند (زن، مرد، ترانجسیتی)، در تصمیم‌گیری در خصوص نحوه برقراری روابط شخصی یا جنسی، مختار می‌باشند. هیچ‌کسی (حکومت یا اعضای خانواده یک انسان) حق اعمال نظر در این خصوص را ندارد.

بند ۹) بهره‌گیری از حجاب و پوشش اسلامی و یا هر دین دیگری، اجباری نیست و ممنوع نیز نمی‌باشد؛ باشندگان ایران، تا زمانی که عرف جامعه را زیر پا نگذارند، در انتخاب نحوه پوشش خود مختار می‌باشند؛ تفصیل آنرا قانون مشخص خواهد نمود.

اصل ۳۱) تمامی انسان‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند، محق هستند تا از دستگیری‌های خودسرانه، بازداشت غیرقانونی، شکنجه، اعدام و مجازات‌های غیرانسانی در امان باشند.

بند ۱) صدور حکم اعدام مطلقاً ممنوع می‌باشد؛ اجرای مجازات اعدام مطلقاً ممنوع می‌باشد.

بند ۲) شکنجه به معنای نقض کرامت انسانی بوده، و مطلقاً ممنوع می‌باشد.

بند ۳) آن دسته از مصوبات مجلس ملی که مجازات کیفری برای افراد مجرم تعیین می‌کند، و همچنین نحوه اجرای این مجازات‌ها نباید در تناقض با کرامت انسانی باشد، دیوان قانون اساسی موظف است تا چنین مصوباتی را لغو نماید.



بند ۴) «دادگاه بازبینی قضایی» موظف است تا به شکایات در مورد نحوه اجرای مجازات مجرمین یا نحوه نگه داری زندانیان، چنانچه در تناقض با کرامت انسانی آنها باشد، سریعاً رسیدگی نماید، و اجازه ندهد کرامت انسانی مجرمین نقض شود. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۰، در ضمیمه]

بند ۵) برده داری به هر شکلی مطلقاً ممنوع می باشد.

بند ۶) کارگری به اجبار و یا بهره کشی از هر انسانی ممنوع می باشد.

بند ۷) هیچ انسانی نمی باید مورد بهره کشی جنسی قرار گیرد.

اصل ۳۲) هر یک از باشندگان ایران می بایست بتواند از سلامت جسمی و روانی خود پاسداری کند، و در صورت بیماری به خدمات درمانی پایه، به صورت رایگان دسترسی داشته باشد.

تبصره ۱) خدمات درمانی پایه، به آن دسته از خدماتی گفته می شود که عدم دسترسی به آن، سلامت یک انسان را به صورت جدی تحت شعاع قرار می دهد.

تبصره ۲) وظیفه تعریف خدمات درمانی پایه، بر عهده مجلس ملی است.

اصل ۳۳) هر انسانی باید بتواند در امنیت زندگی کند؛ حکومت وظیفه تامین امنیت برای باشندگان ایران (در حد متداول) را بر عهده دارد.

اصل ۳۴) تمامی باشندگان ایران مجاز هستند تا از حکومت، احزاب، و مقامات حکومتی انتقاد کنند؛ حق انتقاد به صاحبان منصب، (از جمله: وزراء، سناورها، نمایندگان مجلس ملی یا محلی، نخست وزیر یا ریاست کشور) برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می باشد.

اصل ۳۵) تا زمانی که حقوق دیگر باشندگان ایران نقض نشود، تمامی باشندگان ایران از حق آزادی بیان برخوردار می باشند. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۶، در ضمیمه]

بند ۱) برای بیان و یا انتشار آن دسته از مطالبی که زیر آورده شده است، حق آزادی بیان محفوظ نمی باشد؛ و چنانچه یکی از قوانین کیفری یا مدنی برای بیان یا انتشار این نوع مطالب مجازات در نظر گرفته باشند، آنگاه حق آزادی بیان، برای متهم مصونیت ایجاد نخواهد کرد:

۱) مطالب دروغ، [ن.ک. به نکته شماره: ۱۷، در ضمیمه]

۲) مطالبی که با نقض حریم خصوصی یک فرد و به شکلی غیرقانونی به دست آورده شده باشد.

۳) تصاویر کودک آزاری و یا مطالب مشوق کودک آزاری،

۴) مطالب نفرت افکنی که مشوق خشونت علیه یک شخص یا گروه خاص باشد، [ن.ک. به نکته شماره: ۱۸، در ضمیمه]



۵) مطالبی که دو ویژگی زیر را به صورت همزمان دارند: (الف) هدف از بیان یا انتشار آن، تنها دست یابی به یک نفع مالی بوده؛ (ب) و همچنین دروغ یا گمراه کننده می باشد.

بند ۲) تنها نهادی که حق دارد برای یکی از باشندگان ایران یا یک شخصیت حقوقی در محدوده قضایی ایران، به دلیل بیان یا انتشار یک گفته، مجازات در نظر بگیرد یا دستور به پرداخت خسارت بدهد، دادگاه صالحه می باشد. تبصره ۱) چنین دادگاههایی می بایست الزاما علنی بوده، و با حضور هیات منصفه برگزار گردند.

بند ۳) تنها دیوان قانون اساسی می تواند حق آزادی بیان یکی از باشندگان ایران یا یک شخصیت حقوقی را در یک مورد خاص محدود نماید، مشروط بر اینکه شواهد محکمی موجود باشد که نشان دهد آن شخص، قصد آنرا دارد که در آینده نزدیک با انتشار یا بیان یک مطلب، منافع عمومی جامعه و یا امنیت ملی را با خطر مواجه سازد.

تبصره ۱) دیوان قانون اساسی مجاز نیست راسا برای تشکیل چنین پرونده ای اقدام نماید.
تبصره ۲) تنها نخست وزیر یا دادستان کل کشور مجاز هستند تا از دیوان قانون اساسی درخواست صدور چنین حکمی را داشته باشند. [ن.ک. به نکته شماره: ۱۹، در ضمیمه]
تبصره ۳) نوع مجازات برای سرپیچی از دستور دیوان قانون اساسی را قوانین کیفری کشور، معین خواهند نمود.

اصل ۳۶) آزادی باور، آزادی اندیشه، و حق برگزاری تجمع مسالمت آمیز برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می باشد:

بند ۱) هر انسانی مجاز است تا هر باور و یا دینی که می خواهد داشته باشد؛ یا باور و دین خود را تغییر دهد؛ هیچ کسی را نمی توان به جرم داشتن عقیده، دین، مذهب، باور، نگرش و یا تغییر دین مجازات نمود.

بند ۲) تفتیش در مورد ادیان، عقاید و باور باشندگان ایران ممنوع می باشد.

بند ۳) تمامی باشندگان ایران این حق را دارند که تجمع مسالمت آمیز (بدون حمل سلاح) تشکیل دهند. تشکیل تجمع در آن دسته از مکان های عمومی که نظم جامعه به دلیل آن تجمع مختل می شود (به عنوان نمونه پارک) بی نیاز از مجوز است.

بند ۴) تشکیل تجمع مسالمت آمیز (بدون حمل سلاح) در آن دسته از مکان های عمومی که نظم جامعه به دلیل تجمع مختل می شود، نیازمند مجوز از پلیس و شهرداری ها است.

تبصره ۱) متقاضی می بایست چهار و هشت ساعت قبل از برگزاری تجمع، برای اخذ مجوز اقدام نماید.



تبصره ۲) پلیس و شهرداری ها موظفند ظرف مدت بیست و چهار ساعت پس از دریافت درخواست، نسبت به صدور مجوز اقدام نمایند.

تبصره ۳) چنانچه شهرداری و یا پلیس با برگزاری یک تجمع مخالف باشند، می‌بایست مخالفت خود را به صورت کتبی ابلاغ کنند و این مخالفت نیز می‌بایست به صورت عمومی در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد.

تبصره ۴) شهرداری و یا پلیس در صورتی می‌توانند از صدور مجوز برای مدتی محدود سرباز زنند، که آنها ناتوان از تامین امنیت شرکت‌کنندگان باشند، و خطری جدی نیز شرکت‌کنندگان را تهدید نماید.

تبصره ۵) در صورتی که مجوز صادر نشود، آنگاه متقاضیان مجوز، مجاز هستند تا با مراجعه به دادگاه بازرینی قضایی، تقاضا کنند تا دادگاه، مخالفت شهرداری یا پلیس را لغو نموده و به این نهادها دستور دهد تا مجوز درخواستی را صادر کنند.

بند ۵) برای برگزاری راهپیمایی (بدون حمل سلاح) نیاز به مجوز است.

تبصره ۱) متقاضی می‌بایست هفتاد و دو ساعت قبل از برگزاری راهپیمایی، برای اخذ مجوز اقدام نماید.

تبصره ۲) پلیس و شهرداری ها موظفند ظرف مدت بیست و چهار ساعت از زمان دریافت تقاضا، نسبت به صدور مجوز اقدام نمایند.

تبصره ۳) شهرداری وی یا پلیس در صورتی می‌تواند از صدور مجوز برای مدتی محدود سرباز زنند، که آنها ناتوان از تامین امنیت شرکت‌کنندگان باشند، و خطری جدی نیز شرکت‌کنندگان را تهدید نماید.

تبصره ۴) چنانچه شهرداری و یا پلیس با برگزاری یک راهپیمایی مخالف باشند، می‌بایست مخالفت خود را به صورت کتبی ابلاغ کنند و این مخالفت نیز می‌بایست به صورت عمومی در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد.

تبصره ۵) در صورتی که مجوز صادر نشود، آنگاه متقاضیان مجوز، مجاز هستند تا با مراجعه به دادگاه بازرینی قضایی، تقاضا کنند تا دادگاه، مخالفت شهرداری یا پلیس را لغو نموده و به این نهادها دستور دهد تا مجوز درخواستی را صادر کنند.

اصل ۳۷) باشندگان ایران محق هستند تا به صورت آزادانه‌ای به پژوهش‌های علمی دست زده و یا آثار هنری تولید نمایند.

تبصره ۱) انجام پژوهش‌های علمی که به خدشه به کرامت انسانی منجر می‌شود، ممنوع می‌باشد.



حق تشکیل احزاب، نهادهای صنفی و مدنی، انجمن های علمی و هنری برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می باشد.

بند ۱)

تشکیل نهادهای صنفی مجاز بوده و حق باشندگان ایران محسوب می شود.

تبصره ۱) این نهادها موظفند هر یکسال یکبار، جزییات گردش مالی خود را به صورت عمومی منتشر سازند.

تبصره ۲) نهادهای صنفی معاف از مالیات هستند، مشروط بر اینکه:

(الف) فعالیت اقتصادی سودآوری نداشته باشند،

(ب) و همچنین فعالیت آنها محدود به حراست از منافع یک صنف و پیشه خاص باشد.

بند ۲)

حق باشندگان ایران برای تشکیل سازمان های نیکوکاری و سازمان های مردم نهاد غیرانتفاعی، محفوظ می باشد.

تبصره ۱) این نهادها موظفند هر یکسال یکبار، جزییات گردش مالی خود را به صورت عمومی منتشر سازند.

تبصره ۲) این نهادها از پرداخت مالیات معاف می باشند، مشروط بر اینکه شرایط زیر را رعایت نمایند:

(الف) خدمات خود را بدون تبعیض ارائه کرده؛ و هنگام ارائه خدمات خود، تبعیض مبتنی بر نژاد، قومیت و یا دین، روا نکنند.

(ب) از امکانات نهاد برای تبلیغ یک عقیده سیاسی یا دینی بهره برده نشود.

(ج) افراد مؤسس، از این نهادها برای تأمین منافع شخصی و یا گروهی خود (چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم)، بهره نبرند.

بند ۳)

حق تشکیل نهادهای مذهبی، برگزاری مناسک مذهبی، ساخت یا حضور در اماکن مذهبی (همچون مسجد و یا کلیسا) برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می باشد.

تبصره ۱) نهادهای دینی موظف هستند هر یکسال یکبار، تمامی کمک های مالی که دریافت نموده اند، و نحوه هزینه آن اموال را به صورت تفصیلی، در گزارش عمومی خود به بنیاد ملی نیکوکاری ارائه نمایند.

تبصره ۲) نهادهای دینی از پرداخت مالیات معاف می باشند.

تبصره ۳) مکان های مذهبی می بایست همچون دیگر اماکن عمومی، مالیات و عوارض شهری را پرداخت نمایند.

تبصره ۴) بنیاد ملی نیکوکاری موظف است تا تمامی گزارش های مالی تمامی نهادهای دینی را در تارمای خود، در دسترس عموم قرار دهد.



اصل ۳۹) حق مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و همچنین حق تشکیل احزاب برای تمامی شهروندان ایران محفوظ می‌باشد.

بند ۱) شهروندان ایران از حق رای برای انتخابات محلی و ملی و همه‌پرسی برخوردار هستند؛ تحت هیچ شرایطی نمی‌توان هیچ شهروندی را از حق رای محروم نمود.

بند ۲) تشکیل احزاب مجاز بوده و حق شهروندان محسوب می‌شود.

بند ۳) هر یک از شهروندان ایران مجاز به مشارکت در هر حزبی می‌باشد.

بند ۴) حق فعالیت سیاسی به صورت منفرد برای هر یک از باشندگان ایران نیز محفوظ می‌باشد.

اصل ۴۰) حق داشتن سرپناه و برخورداری از نیازهای اولیه زندگی، و همچنین حق تشکیل خانواده برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۲، در ضمیمه]

بند ۱) هیچ یک از باشندگان ایران نباید بدون سرپناه باشد، و در صورتی که ناتوان از تامین سرپناه برای خود است، حکومت موظف به تامین مسکن (در حد متداول و با توجه به امکانات موجود کشور) برای او است.

بند ۲) در صورتی که یکی از باشندگان ایران، از تامین نیازمندی‌های اولیه زندگی خود (پوشاک و خوراک) ناتوان باشد، آنگاه تامین «حداقل پوشاک» و «حداقل خوراک» برای وی، وظیفه حکومت است.

بند ۳) هیچ یک از باشندگان ایران نباید زیر خط فقر تعیین شده توسط حکومت زندگی کنند.

بند ۴) هر انسانی مجاز است تا با انسان دیگری ازدواج نماید. هیچ کسی مجاز نیست مانع ازدواج دیگران شود، و یا یک انسان را مجبور به ازدواج کند.

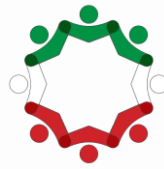
اصل ۴۱) حق رهایی و سفر برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد.

بند ۱) تمامی باشندگان ایران مجاز به سفر به نقاط مختلف کشور ایران هستند؛ هیچ کسی حق ندارد مانع سفر یکی از باشندگان ایران گردد.

بند ۲) مجالس محلی مجاز هستند تا با توجه به امکانات هر شهرستان، برای سکنی گزیدن افراد جدید به آن شهرستان، محدودیت ایجاد نمایند.

بند ۳) هیچ کسی را نمی‌توان از سفر به خارج از ایران محروم نمود، مگر به حکم دادگاه صالحه.

بند ۴) آزادی هیچ یک از باشندگان ایران را نمی‌توان سلب کرد و او را زندانی نمود، مگر به حکم دادگاه.



بند ۵) نیروهای پلیس یا ماموران وزارت اطلاعات، حق بازداشت موقت باشندگان ایران را برای مدت ۲۴ ساعت دارند، مشروط بر اینکه تمامی شروط زیر را رعایت نمایند:

- (الف) بر اساس شواهد اولیه و موجود، احتمال این را بدهند که می‌توانند ظرف ۲۴ ساعت، رسماً علیه آن فرد در دادگاه اعلام جرم نمایند،
- (ب) در هنگام بازداشت، به متهم اطلاع دهند که وی را به چه اتهامی بازداشت می‌کنند،
- (ج) در هنگام بازداشت، به متهم اطلاع دهند که او مجبور نیست به هیچ پرسشی پاسخ دهد، و اگر سخنی بیان کند، ممکن است در دادگاه از آن گفته‌ها علیه وی استفاده شود،
- (د) در اولین فرصت ممکن (حداکثر سه ساعت از زمان بازداشت) به صورت کتبی و به زبانی که فرد به آن مسلط است، اتهامات و حقوق وی را ابلاغ نمایند،
- (ه) حداکثر ظرف پنج ساعت، امکان تماس فرد متهم با وکیل خود، و یا استخدام وکیل تسخیری برای وی را فراهم آورند.

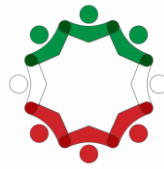
بند ۶) در صورتی که دادستان فردی را متهم کند، تا زمان برگزاری دادگاه، فرد می‌بایست بنا به تعهد خود به صورت موقت آزاد شود، مگر اینکه دادگاه، دستور دیگری صادر نماید.

تبصره ۱) دادستان می‌تواند از دادگاه تقاضای بازداشت متهم را تا زمان برگزاری دادگاه نماید، و این تنها دادگاه است که با بررسی اتهام، و همچنین سنجش مدارک موجود، و با در نظر گرفتن عدالت و امنیت جامعه، می‌تواند دستور دهد که متهم تا زمان تشکیل دادگاه، در زندان یا بازداشت خانگی باقی بماند.

بند ۷) حق برگزاری دادگاه در اولین فرصت ممکن، برای تمامی متهمین می‌بایست محفوظ باشد. قوانین کشور، آیین نامه های شورای عالی قضایی، و آیین دادرسی، با توجه به امکانات کشور، این زمان‌بندی را تعیین خواهند نمود.

بند ۸) دژبانی ارتش و سازمان بازرسی پلیس، حق بازداشت موقت هر یک از اعضای پلیس یا ارتش ایران را برای مدت ۴۸ ساعت دارند، مشروط بر اینکه تمامی شروط زیر را رعایت نمایند:

- (الف) در هنگام بازداشت، به متهم اطلاع دهند که وی را به چه اتهامی بازداشت می‌کنند،
- (ب) بر اساس شواهد اولیه و موجود، احتمال این را بدهند که می‌توانند ظرف ۴۸ ساعت، رسماً علیه آن فرد در دادگاه اعلام جرم نمایند،
- (ج) جرمی که بر اساس آن فرد را متهم می‌کنند، در ساعتی رخ داده باشد که فرد مشغول خدمت در ارتش یا پلیس بوده است، یا اینکه جرمی باشد که فرد با استفاده از عنوان و یا مقام نظامی/انتظامی خود مرتکب شده باشد.



(د) در هنگام بازداشت، به متهم اطلاع دهند که او مجبور نیست به هیچ پرسشی پاسخ دهد، و اگر سخنی بیان کند، ممکن است در دادگاه از آن گفته‌ها علیه وی استفاده شود،
(ه) حداکثر ظرف پنج ساعت، امکان تماس فرد متهم با وکیل خود، و یا استخدام وکیل تسخیری برای وی را فراهم آورند.

بند ۱۰) اجازه دستگیری آن دسته از افسران ارتش و یا پلیس که متهم به یک جرم باشند، به صورت انحصاری در اختیار دژبانی ارتش و سازمان بازرسی پلیس نمی‌باشد، و آنها نیز به مانند شهروندان عادی ممکن است دستگیر شوند.

اصل ۴۲) حق دسترسی به عدالت حقوقی، برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد.

بند ۱) هر انسانی بیگناه قلمداد می‌شود، مگر اینکه دادگاه صالحه حکم به مجرمیت شخصی دهد.

بند ۲) تنها به حکم دادگاه صالحه است که فرد مجرم را می‌توان مجازات نمود.

بند ۳) هرگونه اقراری که به وسیله شکنجه یا نقض قوانین کشور اخذ شود، فاقد ارزش بوده، و غیر قابل استناد در دادگاه می‌باشد.

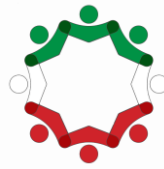
بند ۴) تمامی دادنامه‌هایی که حکم زندان به همراه دارد، می‌بایست توسط دادگاه‌هایی که با حضور هیات منصفه تشکیل شده، صادر گردد.

بند ۵) حق برخورداری از وکیل برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می‌باشد. چنانچه یکی از باشندگان ایران توان مالی پرداخت هزینه وکیل را نداشته باشد، این هزینه می‌بایست از خزانه حکومت پرداخت شود. قانون تفصیل آنرا مشخص خواهد نمود.

بند ۶) چنانچه فردی که شهروند ایران نیست و حتی به صورت قانونی نیز در ایران اقامت ندارد، به جرمی متهم شود، آنگاه شورای عالی قضایی موظف است تا از دسترسی او به مترجم و برخورداری از وکیل، اطمینان حاصل نماید.

بند ۷) هیچ انسانی را نمی‌توان دو بار به دلیل یک جرم، مجازات نمود.

بند ۸) مکالمه و مکاتبات بین وکیل و موکل، محرمانه محسوب شده، و غیر قابل استناد و یا ارایه در دادگاه است؛ تبصره ۱) وکیل مجاز به انتشار یا واگویی یا افشای این مکالمات یا مکاتبات نمی‌باشد،



تبصره ۲) پلیس یا نیروهای امنیتی مجاز نیستند وکیل را مجبور به افشا یا واگویی این اطلاعات کنند،

تبصره ۳) وکیل یا موکل، مشروط به رعایت تمامی موارد زیر، از حق یادشده بهره‌مند می‌شوند:

- ۱) مکالمه یا مکاتبه صورت گرفته، تنها مرتبط با پرونده ای باشد که وکیل، رسماً وکالت فرد را بر عهده دارد و قرارداد وکالت امضا شده باشد؛
- ۲) وکیل یا موکل، از این حق برای انجام یک جرم بهره نبرند،
- ۳) وکیل، با نیتی صادقانه از این حق بهره جوید، و شان «مقام وکالت» به عنوان خدمت‌گذار دادگاه را خدشه‌دار نکند.

اصل ۴۳) حق تملک بر اموال و املاک برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد.

بند ۱) حق هر یک از باشندگان ایران برای تملک یا بهره‌وری از دسترنج خود، محفوظ می‌باشد.

بند ۲) حق هر یک از باشندگان ایران برای خرید و یا فروش اموال به صورت قانونی، محفوظ می‌باشد.

بند ۳) حق مالکیت هیچ کسی را نمی‌توان لغو نمود، مگر به حکم دادگاه صالحه.

اصل ۴۴) حق دسترسی به آموزش برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد.

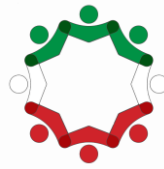
بند ۱) هر کودکی تا سن هژده سالگی می‌بایست به تحصیلات رایگان دسترسی داشته باشد.

بند ۲) آموزش کودکان تا سن شانزده سالگی اجباری می‌باشد.

بند ۳) افراد بزرگسال می‌بایست از فرصت تحصیلات تکمیلی برخوردار باشند، و این امکان در اختیار آنها قرار گیرد. تفصیل آنرا قانون مشخص خواهد نمود.

بند ۴) تمامی باشندگان ایران باید به «دوره‌های آموزشی رایگانی» دسترسی داشته باشند که در آن دوره‌ها، چگونگی رفتار در عرصه اجتماع آموزش داده شود، دوره‌هایی آموزشی شامل مواردی همچون عناوین زیر می‌باشند:

- ۱) آشنایی با منشور حقوق باشندگان ایران،
- ۲) چگونگی مشارکت سیاسی،
- ۳) آشنایی با وظایف حکومت در قبال شهروندان،
- ۴) چگونگی پرسشگری از حکومت،
- ۵) چگونگی رفتار و حضور در دادگاه‌ها،
- ۶) چگونگی مواجهه با پلیس،
- ۷) چگونگی رفتار با کودکان.



اصل ۴۵) ادارات گوناگون حکومتی، موظف هستند تا به نحو بی‌طرفانه و منصفانه‌ای، به امور اداری هر یک از باشندگان ایران رسیدگی نمایند.

بند ۱) هر یک از باشندگان ایران محق است تا از ادارات حکومتی، دلیل اتخاذ یک تصمیم که به او مربوط است را جویا شده و ادارات حکومت موظف به ارایه پاسخ در زمان معقول هستند.

بند ۲) هر یک از باشندگان ایران، محق است تا خواستار تجدید نظر در مورد تصمیم فوق در دادگاه بازبینی قضایی شود.

اصل ۴۶) حق دسترسی به اسناد داخلی سازمان‌ها و نهادهای حکومتی، برای تمامی باشندگان ایران، محفوظ می‌باشد.

بند ۱) شفافیت در عملکرد، وظیفه تمامی نهادهای حکومتی است.

بند ۲) باشندگان ایران حق این را دارند تا به تمامی اسناد داخلی، اسناد مرتبط با سیاست‌گذاری‌ها، آمار و تصمیم‌گیری‌های ارگان‌ها و نهادهای حکومتی، دسترسی داشته باشند.

تبصره ۱) شخص درخواست کننده موظف است تا تنها هزینه تهیه رونوشت را پرداخت نماید.

بند ۳) نهادهای حکومتی تنها به شرطی می‌توانند از ارایه اطلاعات خواسته شده سر باز زنند که در صورت ارایه این اطلاعات به متقاضی، یکی از رخدادهای زیر به وقوع بپیوندند:

- ۱) امنیت ملی مختل شود،
- ۲) ارایه آن اطلاعات، باعث تضعیف پلیس در حفظ نظم جامعه شود،
- ۳) حقوق یکی از باشندگان ایران نقض شود.

بند ۴) دادگاه بازبینی قضایی مجاز به بازنگری و لغو تصمیمات ادارات حکومتی در خصوص ارایه اطلاعات است.

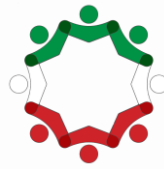
اصل ۴۷) حق باشندگان ایران برای انتخاب آزادانه شغل محفوظ می‌باشد.

بند ۱) تمامی باشندگان ایران محق هستند تا برای یافتن شغل در هر نقطه‌ای از ایران اقدام نمایند.

بند ۲) حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری برای تمامی باشندگان ایران محفوظ می‌باشد.

بند ۳) حق کارگران ایران برای اعتصاب و یا چانه‌زنی به صورت دسته‌جمعی، محفوظ می‌باشد.

بند ۴) هر کارگری محق است تا از تبعیض در هنگام کار، عقد قرارداد، اخراج و یا خاتمه قرارداد در امان باشند؛ روا کردن تبعیض ناشی از دین، باور، نژاد، جنسیت، تابعیت و یا زبان به کارگران ممنوع می‌باشد.



بند ۵) هر یک از باشندگان ایران در صورت بیکاری، می‌باید از حقوق بیکاری برخوردار گردد. قانون تفصیل آنرا مشخص خواهد نمود.

بند ۶) کار در محیط امن، توأم با حفظ کرامت انسانی، حق هر کارگری است.

بند ۷) دریافت حقوق بازنشستگی پس از رسیدن به سن بازنشستگی، حق هر یک از باشندگان ایران است.

تبصره ۱) سن بازنشستگی را مجلس ملی تعیین خواهد نمود.

تبصره ۲) مقدار حقوق بازنشستگی بر اساس مبلغ «حق بازنشستگی» است که فرد

در زمان اشتغال خود پرداخت نموده است.

تبصره ۳) کارفرمایان حکومتی و یا بخش خصوصی موظفند تا به نحوی که قانون

مشخص خواهد نمود، بخشی از «حق بازنشستگی» کارکنان خود را پرداخت نمایند.

تبصره ۴) مجلس ملی، یک مبلغ حداقل را تعیین خواهد نمود تا هر فرد بازنشسته،

چنانچه حتی در طول حیات خود کار نکرده باشد، آن مبلغ را از حکومت ایران دریافت

کند تا از حداقل‌های زندگی برخوردار گردد.

اصل ۴۸) تمامی باشندگان ایران حق این را دارند تا به امکانات و فرصت‌های جامعه به نحو منصفانه‌ای دسترسی داشته باشند.

بند ۱) سیاست‌های کلان حکومت می‌بایست به شکلی باشد که هر یک از باشندگان ایران بتواند از

«قابلیت‌های خود» بهره‌مند گردد.

بند ۲) سیاست‌های کلان حکومت می‌باید به گونه‌ای باشد که مردم را برای بهره‌مندی از قابلیت‌های

خود، یاری نماید.

دارندگان حقوق ویژه در ایران:

اصل ۴۹) افراد توانخواه در ایران از حقوق ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. حکومت موظف است تا با واگذاری امکانات بیشتر به

آن دسته از باشندگان ایران که توانخواه هستند، تلاش نماید تا کیفیت زندگی آنها را افزایش دهد. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۰، در

ضمیمه]

اصل ۵۰) حکومت موظف است توجه ویژه‌ای به افرادی سالخورده نموده و از اینکه کرامت انسانی آنها خدشه‌دار نمی‌شود،

اطمینان حاصل نماید.



اصل ۵۱) شهرداری‌ها و ادارات حکومتی موظفند از وجود تسهیلات لازم برای تردد افراد توانخواه یا سالخورده در اماکن عمومی یا ادارات حکومتی، اطمینان حاصل نمایند.

اصل ۵۲) زنان در ایران از حقوق ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

بند ۱) مرخصی با دریافت حقوق، پس از زایمان، حق هر زنی است.

بند ۲) باشندگان زن این حق را دارند که شانس برابری با مردان برای دسترسی به فرصت‌های شغلی داشته باشند.

بند ۳) باشندگان زن این حق را دارند که مصون از خشونت خانگی باشند؛ قوانین مدنی و کیفری، می‌بایست به نحوی باشند که امنیت زنان در محیط خانه را تضمین نمایند.

بند ۴) زنان ایران حق دارند تا از آزارهای جنسی و کلامی در سطح جامعه در امان باشند، و امنیت آنها تامین شود.

بند ۵) سیاست‌های کلان حکومت می‌باید به گونه‌ای باشد که زمینه تغییر باورهایی که مانع بهره‌مندی زنان از حقوق برابر می‌شود را فراهم آورد.

تضمین حقوق کودکان:

اصل ۵۳) تمامی کودکان در ایران (چه شهروند، چه زیستور و چه کودکی که غیر قانونی در ایران زندگی می‌کند) می‌بایست از حمایت حکومت برخوردار باشند.

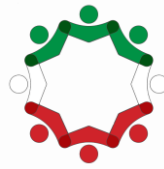
بند ۱) هر انسان زیر هژده سال، کودک محسوب می‌شود.

بند ۲) آموزش کودکان اجباری می‌باشد؛ و حضور در کلاس‌های درس تا سن شانزده سال برای تمامی کودکان اجباری است.

بند ۳) بهره‌کشی از کودکان و اجبار آنها به اشتغال ممنوع می‌باشد.

تبصره ۱) کودکان می‌توانند به صورت پاره‌وقت و برای یادگیری مهارت‌ها، تحت نظارت نهادهای ویژه به کار مشغول شوند. شرح آنرا قانون مشخص خواهد کرد.

بند ۴) تنبیه بدنی کودکان توسط هر کسی (والدین، آموزگار و غیره) ممنوع می‌باشد و جرم تلقی می‌گردد.



بند ۵) رابطه جنسی یک بزرگسال با یک کودک تحت نام ازدواج یا هر عنوان دیگری ممنوع می‌باشد، و جرم تلقی می‌گردد.

بند ۶) ازدواج کودکان زیر هژده سال ممنوع می‌باشد.

بند ۷) رسیدگی به جرائم انتسابی به کودکان خطاکار در دادگاه ویژه کودکان انجام می‌گردد؛ این دادگاه‌ها غیرعلنی خواهند بود.

تبصره ۱) چنانچه یک فرد بین سن سیزده تا هژده سال، به جرائم جدی قتل، آدم ربایی و تجاوز متهم گردد، یا اینکه برای بار دوم یک جرم معمولی را انجام دهد، آنگاه دادگاه در مورد اینکه آیا به جرم وی در دادگاه عادی (به مانند افراد بزرگسال) رسیدگی شود یا نه، تصمیم خواهد گرفت. ملاک ارسال پرونده از دادگاه کودکان به دادگاه معمولی، این است که آیا متهم به بلوغ کافی رسیده است یا خیر. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۲، در ضمیمه]

بند ۸) هر کودک بی‌سرپرست، حق بهره‌مندی از امکانات اولیه زندگی را دارد. وظیفه نگهداری، تامین امکانات، و اطمینان حاصل نمودن از امنیت و سلامت کودکان بی‌سرپرست بر عهده حکومت می‌باشد.

بند ۹) چنانچه از کودکی در محل خانواده خود، به شکل شایسته‌ای نگهداری نشود و وی در معرض خطر باشد، آنگاه حکومت موظف است تا وی را از خانواده‌اش جدا کرده، امنیت وی را تامین نموده و امکانات لازم را به وی ارایه نماید.

ممنوعیت تبعیض و تضمین حقوق اقلیت‌ها:

اصل ۵۴) اعمال تبعیض و یا سرکوب اقلیت‌ها به هر شکلی ممنوع می‌باشد.

بند ۱) هیچ یک از باشندگان ایران نباید به دلیل اینکه از قوم یا تبار خاصی است، یا اینکه ملیت متفاوت دارد، یا اینکه پیرو دین و یا باور خاصی است، یا اینکه عقیده سیاسی متفاوتی دارد، یا اینکه توان‌خواه است، با تبعیض روبرو گردد.

بند ۲) هیچ یک از باشندگان ایران، نباید به دلیل جنسیت، سن و یا گرایش جنسی خود (زن بودن، مرد بودن، دگرباش بودن) با تبعیض روبرو شود.

بند ۳) لزوم پرهیز از تبعیض، شامل تمامی حوزه‌های حکومتی و عمومی می‌گردد.



بند ۴) ممنوعیت تبعیض، شامل تمامی اماکن خصوصی که به ارائه خدمات تجاری یا فرهنگی می‌پردازند نیز می‌گردد.

بند ۵) تعریف تبعیض و مجازات آنرا قوانین مدنی و کیفری کشور مشخص خواهند نمود.

ضمانت اجرای منشور حقوق باشندگان ایران:

اصل ۵۵) حکومت مجاز نیست که هیچ یک از بندهای منشور حقوق باشندگان ایران را زیر پا بگذارد. تصویب قانون یا آیین‌نامه‌ای که این حقوق را نقض کند، مجاز نمی‌باشد.

اصل ۵۶) باشندگان ایران موظف هستند تا به نحوی رفتار کنند که حقوق دیگر باشندگان ایران را نقض نکنند.

اصل ۵۷) چنانچه مفاد منشور حقوق باشندگان ایران نقض شود، آنگاه فرد قربانی، محق به دریافت خسارت می‌باشد، شرح آنرا قوانین مدنی کشور تعیین خواهند نمود.

اصل ۵۸) چنانچه نقض منشور حقوق باشندگان ایران ناشی از یک اقدام مجرمانه بوده باشد، آنگاه دادستان ویژه استان موظف است از پیگرد قانونی متهم توسط دیگر دادستان‌ها، اطمینان حاصل نماید؛ و در صورت لزوم، خود فرد متهم را مورد پیگرد قانونی قرار دهد. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۱، در ضمیمه]

اصل ۵۹) در شرایطی اضطراری ممکن است حکومت ایران با کمبود امکانات برای ارائه خدمات رفاهی به باشندگان ایران روبرو باشد، در چنین شرایطی، حکومت مجاز است تا اولویت بندی، برای ارائه خدمات رفاهی به شهروندان اقدام نماید.

بند ۱) شرایط اضطراری، شامل مواردی همچون وقوع جنگ بنا به ضرورت دفاع از کشور است.

بند ۲) پس از تصویب این قانون اساسی، ممکن است در یک دوره سه ساله، حکومت با کمبود امکانات (از جمله مسکن) برای ارائه خدمات به باشندگان ایران روبرو باشد. مجلس ملی مجاز است برای این دوره سه ساله، به کابینه اجازه دهد تا به تناسب امکانات موجود، نسبت به ارائه خدمات به باشندگان ایران اقدام کند.

تبصره ۱) حکومت موظف است تا نسبت به شناسایی افراد در معرض خطر (بیماران، کودکان، قربانیان شکنجه، زنان باردار، افراد سالخورده، و یا افراد توانخواه) اقدام نماید، و از ارائه خدمات لازم به آنها در طی سه سال اول اطمینان حاصل نماید.

تبصره ۲) در طی این دوره سه ساله، نباید حق باشندگان ایران برای دسترسی به عدالت حقوقی، مخدوش گردد.



تبصره ۳) در طی این دوره سه ساله، نباید کرامت انسانی هیچ یک از باشندگان ایران خدشه دار گردد.

تبصره ۴) در این دوره سه ساله، نباید خدشهای به حق باشندگان ایران برای تشکیل احزاب یا فعالیت سیاسی، وارد گردد.

فصل سوم - وظایف باشندگان ایران:

- اصل ۶۰)** پاسداری از این قانون اساسی، وظیفه تمامی شهروندان ایران است.
- اصل ۶۱)** هر یک از باشندگان ایران موظف است تا رفتاری «در خور شانِ انسان» با دیگران داشته باشد.
- اصل ۶۲)** هر یک از باشندگان ایران موظف است طوری رفتار کند که به اموال عمومی، میراث تاریخی و محیط زیست و حیوانات اهلی و وحشی کشور ایران آسیبی وارد ننماید.
- اصل ۶۳)** احترام به حقوق دیگران در عرصه اجتماع، و پرهیز از رفتار تقلب آمیز، وظیفه هر یک از باشندگان ایران است. تلاش برای دست یابی به یک «منفعت» با بهره جویی از رفتار تقلب آمیز، جرم تلقی می گردد.
- اصل ۶۴)** هیچ یک از باشندگان ایران مجاز نیست تا از حوزه قضایی کشور ایران برای اعمال مجرمانه در دیگر نقاط جهان استفاده کند.
- تبصره ۱) اعمال مجرمانه بر اساس قوانین کیفری کشور ایران تعریف می شوند.
- اصل ۶۵)** یکی از مهمترین نهادهایی که نظم را در جامعه ایجاد کرده، و رفاه باشندگان ایران را رقم می زنند، دادگاه های کشور هستند. هر یک از باشندگان ایران، در مقابل دادگاه های کشور، مسؤولیت ویژه ای دارد.
- بند ۱)** هنگام حضور در دادگاه، یا اجرای دستورات دادگاه، هر یک از باشندگان ایران موظف است تا به نحوی رفتار کند که به عدالت، خدشهای وارد نشود.



بند ۲) هر یک از باشندگان ایران موظف است تا در هنگام حضور به دادگاه، در نهایت شرافتمندی رفتار نماید، از ارایه اطلاعات غلط، دروغگویی، و یا گمراه نمودن دادگاه خودداری نماید.

بند ۳) هر یک از باشندگان ایران موظف است در صورتی که یک دادگاه وی را به عنوان هیأت منصفه تعیین نمود، به صورت صادقانه و شرافتمندانه، به وظیفه خود عمل نماید.

بند ۴) هر یک از باشندگان ایران موظف است که به احکام و دستورات دادگاه، احترام بگذارد، و چنانچه با دستور دادگاه موافق نیست، تنها از طرق قانونی برای تغییر آن حکم تلاش نماید.

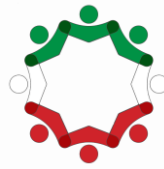
اصل ۶۶) مشارکت آگاهانه، در تعیین سرنوشت و پاسداری از بنیان‌های دموکراسی، یک وظیفه برای همه شهروندان ایران است.

اصل ۶۷) هر یک از باشندگان ایران می‌بایست آدرس مشخصی داشته باشند، تا مقامات حکومتی بتوانند با آنها مکاتبه نمایند.

اصل ۶۸) رابطه حکومت و تک تک شهروندان، رابطه‌ای دو سویه است. حکومت به نمایندگی از تمامی باشندگان ایران، در قبال تک تک شهروندان مسوول است، و در صورت نیاز، رفاه آنها را تامین می‌نماید. از طرفی، باشندگان ایران نیز در قبال دیگر اعضای جامعه می‌بایست رفتار مسوولانه‌ای پیشه نمایند.

اصل ۶۹) رفتار سنگدلانه با حیوانات اهلی و وحشی ممنوع می‌باشد.

اصل ۷۰) آسیب رساندن به محیط زیست ممنوع بوده و جرم تلقی می‌گردد. تفصیل آنرا قانون مشخص خواهد نمود.



فصل چهارم - تشکیل احزاب

اصل (۷۱)

برای ثبت یک حزب، نیاز به اجازه از هیچ شخص یا نهادی نیست.

بند (۱) برای تشکیل احزاب می‌بایست یک‌هزار تن از شهروندان ایران، اساسنامه تشکیل حزب را امضا نمایند.

بند (۲) احزاب می‌بایست در اداره ثبت احزاب (زیر مجموعه دفتر ریاست کشور) ثبت شوند.

بند (۳) هیچ محدودیتی برای ثبت حزب وجود ندارد. داوطلبین، برای ثبت حزب، تنها باید دو چیز را ارائه نمایند:

- ۱) ارائه اساسنامه حزب که نشان دهد یک‌هزار شهروند ایران، آنرا امضا نموده‌اند.
- ۲) واریز مبلغ حق ثبت به حساب خزانه کشور، که حدوداً مبلغی معادل حقوق ماهیانه یک کارمند حکومت است (عدد دقیق را ریاست کشور تعیین خواهد نمود).

بند (۴) احزاب تا زمانی که به فعالیت اقتصادی سودآور روی نیاورند، از مالیات معاف می‌باشند.

بند (۵) هر چند که شهروندان راسا و مستقل از حکومت احزاب را تاسیس می‌کنند، لیکن نحوه اداره احزاب می‌بایست بر اساس خرد جمعی اعضای آن حزب باشد، و امکان پیوستن دیگر شهروندان به حزب نیز می‌بایست موجود باشد.

بند (۶) احزاب تنها مجاز هستند تا از شهروندان ایران کمک مالی دریافت نمایند.

بند (۷) دریافت کمک مالی از هر یک از منابع زیر (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم) ممنوع می‌باشد

- ۱) دولت‌های خارجی،
- ۲) سازمان‌های داخلی و یا بین‌المللی،
- ۳) شرکت‌های ایرانی و یا شرکت‌های بین‌المللی،
- ۴) اشخاصی که تابعیت ایران را ندارند،



بند ۱۸) احزاب مجاز هستند تا با احزاب دیگر کشورها، رابطه برقرار نمایند، مشروط بر اینکه هدف آن رابطه، خدشه به استقلال ایران نباشد، و تنها به هدف تبادل نظر و یادگیری متقابل (همچون مسایل مرتبط با عدالت اجتماعی) انجام شود.

بند ۱۹) تمامی احزاب موظف هستند تا جزئیات گردش مالی خود را هر یکسال یکبار، به صورت عمومی منتشر نموده و یک نسخه از آنرا به اداره ثبت احزاب (زیر مجموعه دفتر ریاست کشور) ارسال نمایند.

تبصره ۱) منظور از ریز گردش مالی، تمامی هزینه‌های انجام شده، و تمامی درآمدهای کسب شده به همراه نام افراد کمک کننده می‌باشد.

اصل ۷۲) تنها دیوان قانون اساسی مجاز است تا فعالیت یک حزب را ممنوع اعلام نماید.

بند ۱) دیوان قانون اساسی راسا نمی‌تواند برای بررسی پرونده یک حزب اقدام نماید.

بند ۲) ریاست کشور، نخست‌وزیر و یا مجلس ملی در صورتی که فعالیت یک حزب را در نقض بندهای قانون اساسی بدانند، می‌تواند درخواست ممنوعیت فعالیت آن حزب را به مجلس سنا ارسال نمایند.

بند ۳) مجلس سنا پس از بررسی، یکی از اقدامات زیر را انجام خواهد داد:

- ۱) فعالیت آن حزب را مغایر با قانون اساسی نداند، و در نتیجه درخواست وارده را «رد» کند،
- ۲) فعالیت آن حزب را مغایر با قانون اساسی بداند، ولی به آن حزب فرصت دهد تا به تصحیح اشتباهات خود اقدام کند،
- ۳) فعالیت آن حزب را مغایر با قانون اساسی بداند و از دیوان قانون اساسی درخواست کند تا فعالیت آن حزب را ممنوع اعلام نماید.

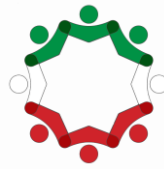
بند ۴) دیوان قانون اساسی پس از دریافت درخواست از مجلس سنا، می‌بایست فرصت دفاع از خود را به نمایندگان حزب بدهد، و تنها پس از بررسی شواهد و مدارک، چنانچه فعالیت حزب را ناقض قانون اساسی یافت، می‌تواند فعالیت یک حزب را ممنوع اعلام نماید.



فصل پنجم- بخش‌ها و گوناگون حکومت:

تعریف قوا در ایران:

- اصل ۷۳)** در حکومت ایران، سه قوه مجزا و مستقل وجود دارد: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه.
- تبصره ۱) این سه قوه مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، لیکن بر کار یکدیگر نظارت دارند.
- اصل ۷۴)** تمامی نهادهای ذکر شده در این قانون اساسی و یا نهادهایی که بعداً بر اساس قانون تاسیس خواهند شد، موظف هستند تا بر اساس این قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس ملی که در روزنامه رسمی کشور منتشر شده، عمل کنند.
- اصل ۷۵)** علاوه بر سه قوه فوق، دیوان قانون اساسی به عنوان حافظ قانون اساسی فعالیت خواهد نمود؛ و تفسیری که این دیوان از قانون اساسی ارایه می‌کند، واپسین تفسیر می‌باشد.
- اصل ۷۶)** سو استفاده مقامات حکومتی از موقعیت شغلی به منظور دستیابی به منافع شخصی یا گروهی ممنوع بوده و جرم تلقی می‌گردد.
- اصل ۷۷)** تمامی نشست‌های مجلس سنا، مجلس ملی، مجالس محلی، دیوان قانون اساسی و شورای عالی قضایی می‌بایست به صورت زنده برای پخش در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد.
- اصل ۷۸)** تنها با تصویب دو سوم از اعضای مجلس سنا و مجلس ملی است که جلسه‌های این دو مجلس به صورت غیرعلنی برگزار می‌گردد.
- بند ۱)** چنانچه یکی از این مجالس، جلسه غیر علنی داشته باشد، می‌بایست موضوع نشست و ریز مباحث مطرح شده را به اطلاع دیوان قانون اساسی، نخست‌وزیر، ریاست کشور، و شورای عالی قضایی برساند.
- بند ۲)** گزارشات و یا مصوبات جلسه غیرعلنی، می‌بایست پس از برطرف شدن شرایط اضطراری، به اطلاع عموم رسانیده شود.



اصل ۷۹) ریاست کشور، نمایندگان مجلس سنا، نمایندگان مجلس ملی، و نخست‌وزیر، موظف هستند تا در هنگام آغاز به کار خود، بر اساس متن زیر قسم یاد کنند:

«من به نمایندگی از تمامی مردم ایران، به شرافت انسانی خویش و با نام کشور ایران قسم یاد می‌کنم که پاسدار منشور حقوقی باشندگان ایران، مندرج در قانون اساسی باشم، کرامت انسانی را ارج نهاده، و تمامی تلاش خود را برای رفاه بیشتر مردم ایران به کار بندم و از محیط زیست ایران پاسداری کنم. من وظیفه خود می‌دانم تا مطابق اصول مندرج در قانون اساسی رفتار کنم.»

اصل ۸۰) هیچ کسی حق ندارد به صورت همزمان، عضو بیش از یکی از نهادهای زیر باشد: دیوان قانون اساسی، شورای عالی قضایی، مجلس سنا، مجلس محلی، مجلس ملی، انجمن عالی فرمانداران کشور، یا کابینه.

اصل ۸۱) رسانه های آزاد، به عنوان نماینده افکار عمومی جامعه، بر کار تمامی نهادها نظارت خواهند نمود.

اصل ۸۲) تمامی نهادهای کشور (کابینه، وزارتخانه‌ها، پلیس ایران، حکومت‌های محلی، ادارات محلی، شهرداری‌ها، و قوه قضاییه) موظف هستند تا برای فعالیت‌های روزمره خود، آیین‌نامه مشخصی را تدوین نمایند، و این آیین‌نامه می‌بایست در دسترس عموم باشد.

بند ۱) در صورتی یک نهاد مجاز است آیین‌نامه خاصی را در دسترس عموم قرار ندهد که انتشار آن آیین‌نامه، به امنیت ملی ضربه وارد نماید.

بند ۲) تمامی آیین‌نامه‌ها می‌بایست جهت اطلاع، به مجلس سنا ارسال گردند.

بند ۳) مجلس سنا در کمیسیون‌های مربوطه، به بررسی آیین‌نامه‌های دریافتی اقدام خواهد نمود،

بند ۴) در صورتی که مجلس سنا یک آیین‌نامه را خلاف قانون اساسی بداند، آن آیین‌نامه را به دیوان قانون اساسی ارجاع خواهد داد و دیوان قانون اساسی مجاز است تا آن آیین‌نامه را تغییر دهد.

اصل ۸۳) شورای عالی قضایی، مجلس ملی، مجلس سنا و کابینه می‌بایست آیین‌نامه داخلی را خود تدوین و تصویب کنند، و سپس آنرا برای تایید، به دیوان قانون اساسی ارسال نمایند.

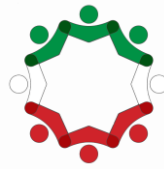
تبصره ۱) نهادهای یادشده مجاز هستند تا آیین‌نامه‌های خود را مورد بازبینی و تغییر قرار دهند، لیکن هر تغییری می‌بایست به تصویب دیوان قانون اساسی برسد.

اصل ۸۴) دیوان قانون اساسی آیین‌نامه داخلی مجلس‌های محلی را تدوین خواهد نمود، و در صورت لزوم آنرا مورد بازبینی قرار خواهد داد.



ریاست کشور:

- اصل ۸۵)** ریاست کشور بالاترین مقام رسمی کشور تلقی می‌گردد.
- اصل ۸۶)** ریاست کشور موظف است تا برای افزایش همبستگی ملی تلاش نماید.
- اصل ۸۷)** ریاست کشور یا نماینده او درجه تمامی افراد ارتش یا پلیس را اعطا می‌کند.
- اصل ۸۸)** در صورتی که ریاست کشور به این نتیجه برسد که هماهنگی لازم بین کابینه و مجلس ملی وجود ندارد، می‌تواند تقاضای برگزاری انتخابات پیش از موعد برای انتخاب مجدد نمایندگان مجلس ملی را به مجلس سنا ارسال نماید. چنانچه مجلس سنا، با درخواست ریاست کشور موافقت نمود، آنگاه انتخابات پیش از موعد برگزار خواهد شد.
- اصل ۸۹)** هر گاه مجلس ملی بخواهد نخست‌وزیر جدیدی را برگزیند، ریاست کشور وظیفه اداره جلسه مجلس را بر عهده خواهد داشت، و ریاست افتخاری و موقت آن جلسه مجلس ملی خواهد بود.
- اصل ۹۰)** ریاست کشور بر اداره امور کشور نظارت کلان دارد، و می‌تواند هر موضوعی را برای بررسی به مجلس سنا ارجاع دهد.
- بند ۱)** مجلس سنا، درخواست‌های ریاست کشور را مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم، آنها را در قالب لایحه، به مجلس ملی ارسال می‌کند.
- بند ۲)** ریاست کشور، بر کار قوه قضاییه نظارت ویژه دارد و در صورت ملاحظه فساد یا عدم استقلال، موضوع را برای بررسی به مجلس سنا ارجاع خواهد داد.
- بند ۳)** ریاست کشور وظیفه حمایت از آزادی رسانه‌ها را بر عهده دارد و می‌تواند در صورت ملاحظه نقض آزادی رسانه‌ها، آن موضوع را جهت بررسی، به مجلس سنا ارجاع دهد.
- اصل ۹۱)** ریاست کشور به نمایندگی از مردم ایران تمامی مصوبه‌های مجلس ملی را امضا می‌کند.
- تبصره ۱) در مواردی که تقاضای بررسی یک مصوبه مجلس به دیوان قانون اساسی ارسال شده باشد، و دیوان قانون اساسی آن مصوبه را لغو نکند، آنگاه ریاست دیوان قانون اساسی به نمایندگی از ریاست کشور، آن قانون را امضا نموده و برای انتشار به روزنامه رسمی ارسال خواهد نمود.



اصل ۹۲) نخست‌وزیر، فرد مورد نظر خود برای مقام سفیر یا نماینده رسمی ایران در هر کشور یا سازمان بین‌المللی را نامزد می‌کند، و از ریاست‌کشور تقاضا می‌کند تا استوارنامه آنها را امضا نماید. همچنین ریاست‌کشور، استوارنامه سفرای کشورهای دیگر را نیز می‌پذیرند.

اصل ۹۳) قضات را شورای عالی قضایی انتخاب می‌نماید، لیکن حکم انتصاب تمامی قضات به امضای ریاست‌کشور صادر می‌گردد، و نامزدان مسند قضاوت، میبایست با حضور ریاست‌کشور سوگند قضاوت را یاد نمایند. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۶، در ضمیمه]

اصل ۹۴) ریاست‌کشور می‌تواند هر یک از محکومین دادگاه‌ها را مورد عفو قرار دهد، یا در حکم وی تخفیف قائل شود و یا دستور دهد تا محکومیت کیفری فرد از پیشینه وی حذف گردد.

اصل ۹۵) سند اعطای تابعیت به تمامی افراد داوطلب، پس از طی مراحل قانونی، توسط ریاست‌کشور و یا نماینده او صادر می‌گردد.

اصل ۹۶) ریاست‌کشور مجاز است تا به فردی که صلاح می‌داند، شهروندی افتخاری ایران را اعطا نماید.

اصل ۹۷) تنها ریاست‌کشور مجاز است تا نامزدان دریافت نشان‌های ملی ایران را تعیین، و این نشان‌ها را اعطا نماید.

اصل ۹۸) حسب درخواست وزیر علوم، ریاست‌کشور، حکم انتصاب ریاست تمامی دانشگاه‌های خصوصی و یا دولتی را امضا می‌کند.

اصل ۹۹) فرهنگستان‌های کشور، زیر نظر ریاست‌کشور فعالیت می‌کنند، و ریاست‌کشور، روسای فرهنگستان‌های زبان و ادب فارسی، هنر، علوم پزشکی و علوم را تعیین می‌نماید.

اصل ۱۰۰) ریاست‌کشور مجاز است تا در صورت صلاح‌دید، یک سازمان‌های غیرانتفاعی جدید تاسیس نماید.

بند ۱) مالکیت این سازمان‌ها، متعلق به دفتر ریاست‌کشور می‌باشد، و هیات مدیره آن سازمان را ریاست‌کشور تعیین می‌نماید.

بند ۲) ریاست‌کشور می‌تواند از مجلس ملی بخواهد برای هر یک از این سازمان‌ها، بودجه سالیانه‌ای را مشخص سازد. مجلس ملی در تصویب و یا تغییر مبلغ آن بودجه مختار می‌باشد.

اصل ۱۰۱) در صورت کم‌کاری، نقض قانون اساسی، تلاش برای نقض بندهای قانون اساسی، و یا رفتار مغایر با شئون مردم ایران، ریاست‌کشور عزل خواهد شد.



بند ۱) تنها در صورتی ریاست کشور از سمت خود عزل می‌گردد که مجلس ملی، عزل ریاست کشور را به تصویب برساند، سپس انجمن ملی قضات نیز این مصوبه را تایید نماید.

بند ۲) اگر ریاست کشور در اختیار فردی است که رئیس جمهور خوانده می‌شود، آنگاه انجمن عالی فرمانداران، فرد جدیدی را به عنوان ریاست کشور معرفی خواهد نمود.

بند ۳) اگر ریاست کشور به عهده پادشاه یا ملکه است (بر حسب سامانه کشورداری)، آنگاه ولیعهد به سمت ریاست کشور منصوب می‌گردد.

تبصره ۱) انتصاب ولیعهد در چنین شرایطی می‌بایست به تایید مجلس سنا برسد.

اجزای قوه مقننه:

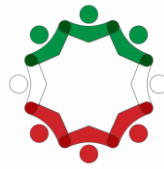
اصل ۱۰۲) قوه مقننه در ایران از مجلس ملی، مجلس سنا و مجالس محلی تشکیل شده است.

اصل ۱۰۳) هر یک از نمایندگان مجالس سه گانه، مجاز است تا تمامی هزینه‌های کارمندان و دفاتر خود را از بودجه آن مجلس دریافت کند (شرح آنرا قانون مشخص خواهد نمود).

اصل ۱۰۴) هر فردی که دارای ویژگی‌های زیر باشد، مجاز است تا داوطلب نامزدی در هر یک از این مجالس بشود:

- ۱) حداقل سن بیست سال،
- ۲) داشتن تابعیت ایران در طی پنج سال گذشته،
- ۳) سکونت در طی سه سال گذشته، در آن حوزه جغرافیایی که مایل به نامزدی برای آن حوزه است؛
- ۴) حداقل تحصیلات کارشناسی،
- ۵) فاقد سو پیشینه کیفری در دادگاه صالحه در ایران یا هر کشور دیگری (تعیین صالح بودن دادگاه محکوم‌کننده، بر عهده دیوان قانون اساسی است).
- ۶) تعهد مبنی بر رفتار شرافتمندانه در طی انتخابات و در صورت برنده شدن،
- ۷) امضای طومار توسط حداقل یک هزار شهروند ایران و اعلام حمایت از نامزدی فرد داوطلب،

تبصره ۱) در مدت پنج سال پس از تصویب این قانون اساسی، نیازی نیست که نامزدان سه سال گذشته را در حوزه جغرافیایی که مایل به نامزدی برای آن حوزه هستند را سپری کرده باشند.



- اصل ۱۰۵)** مجلس ملی به نمایندگی از مردم ایران، وظیفه قانون‌گذاری و نظارت بر امور مختلف کشور را بر عهده دارد.
- تبصره ۱) مجلس ملی مجاز نیست لایحه یا طرحی را تصویب کند که در تناقض با قانون اساسی باشد.
- تبصره ۲) حق مجلس ملی برای قانون‌گذاری، غیرقابل واگذاری به غیر می‌باشد.

اصل ۱۰۶) مجلس ملی غیر قابل انحلال است؛ اما در شرایط زیر، انتخابات پیش از موعد برای گزینش مجدد نمایندگان مجلس ملی، برگزار خواهد شد:

- ۱) استعفا یا مرگ بیش از یک سوم از نمایندگان مجلس ملی.
- ۲) موافقت همزمان ریاست کشور و مجلس سنا برای برگزاری انتخابات پیش از موعد برای مجلس ملی.

شیوه انتخاب نمایندگان مجلس ملی:

اصل ۱۰۷) انتخاب همه نمایندگان مجلس ملی، در یک زمان انجام می‌شود. هر دو سال یکبار، در برخی از استان‌های ایران، برای گزینش نمایندگان مجلس ملی، انتخابات برگزار می‌شوند.

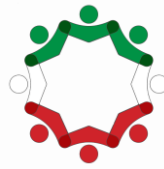
بند ۱) بندهای زیر، بر اساس تقسیم بندی جاری در کشور نگاشته شده است.

بند ۲) استان‌های کشور، به شرح ذیل به سه «پهنه کشوری» تقسیم می‌شوند:

- ۱) پهنه کشوری اول شامل استان‌های: کردستان، ایلام، خراسان جنوبی، فارس، لرستان، آذربایجان شرقی، قزوین، قم، سیستان و بلوچستان، گیلان، یزد و البرز می‌باشد.
- ۲) پهنه کشوری دوم شامل استان‌های: خوزستان، اردبیل، همدان، سمنان، خراسان شمالی، تهران، زنجان و گلستان می‌باشد.
- ۳) پهنه کشوری سوم شامل استان‌های: هرمزگان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، بوشهر، خراسان مرکزی، مازنداران، مرکزی، کرمانشاه و کرمان می‌باشد.

بند ۳) پس از اینکه دو سال از تشکیل اولین دوره از مجلس ملی گذشت، در حوزه انتخابیه نمایندگان پهنه کشوری اول، انتخابات مجدد برگزار خواهد شد، و از آن پس و برای دوره‌های آتی در آن حوزه، هر شش سال یکبار انتخابات برگزار می‌گردد.

بند ۴) پس از اینکه چهار سال از تشکیل اولین دوره از مجلس ملی گذشت، در حوزه انتخابیه نمایندگان پهنه کشوری دوم، انتخابات مجدد برگزار خواهد شد، و از آن پس و برای دوره‌های آتی در آن حوزه، هر شش سال یکبار انتخابات برگزار می‌گردد.



بند ۵) پس از اینکه شش سال از تشکیل اولین دوره از مجلس ملی گذشت، در حوزه انتخابیه نمایندگان پهنه کشوری سوم، انتخابات مجدد برگزار خواهد شد، و از آن پس و برای دوره‌های آتی در آن حوزه، هر شش سال یکبار انتخابات برگزار می‌گردد. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۷، در ضمیمه]

بند ۶) کوتاه شدن دوره نمایندگی برخی از نمایندگان، تنها برای دوره اول مجلس ملی است. تبصره ۱) چنانچه برای کل مجلس ملی، انتخابات پیش از موعد برگزار شود، آنگاه با استفاده از شیوه فوق، مجدداً تناوب زمانی ایجاد خواهد گشت.

اصل ۱۰۸) ارزش رای و جایگاه تمامی نمایندگان مجلس ملی با یکدیگر برابر است. نمایندگان مجلس ملی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱) نمایندگان شهرستانی که با رای مستقیم مردم برگزیده می‌شوند.
- ۲) نمایندگان استانی که بر اساس رای مردم هر استان به احزاب، و از میان نامزدهای معرفی شده توسط احزاب برگزیده می‌شوند.

اصل ۱۰۹) بخشی از نمایندگان مجلس ملی که توسط رای مستقیم مردم هر حوزه انتخابیه برگزیده می‌شوند را نماینده شهرستانی می‌خوانند.

بند ۱) افرادی که نامزد سمت نماینده شهرستانی می‌شوند، می‌توانند از طرف یک حزب معرفی شده، و یا اینکه نامزد مستقل باشند.

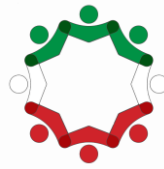
بند ۲) هر حوزه انتخابیه، یک نماینده به مجلس ملی گسیل می‌کند.

بند ۳) اگر تعداد شهروندان ساکن شهرستان کمتر از ۱۵۰/۰۰۰ نفر باشد، آن شهرستان می‌بایست به صورت مشترک با یکی از شهرستان مجاور خود، یک حوزه انتخابیه تشکیل داده و نماینده به مجلس ملی اعزام نماید.

بند ۴) اگر تعداد شهروندان شهرستان بین ۱۵۰/۰۰۱ الی ۲۵۱/۰۰۱ نفر باشد، آن شهرستان یک حوزه انتخابیه مستقل بوده و یک نماینده به مجلس ملی اعزام خواهد نمود.

بند ۵) اگر تعداد شهروندان شهرستان ۲۵۲/۰۰۲ الی ۵۰۲/۰۰۲ نفر باشد، آن شهرستان از دو حوزه انتخابیه تشکیل شده، و دو نماینده به مجلس ملی اعزام خواهد نمود؛

بند ۶) اگر تعداد شهروندان شهرستان ۵۰۳/۰۰۳ الی ۷۵۰/۰۰۳ نفر باشد، آن شهرستان از سه حوزه انتخابیه تشکیل شده، و سه نماینده به مجلس ملی اعزام خواهد نمود، و به همین منوال در مورد شهرستان‌هایی که جمعیت بیشتر دارند، کرسی مجلس ملی اختصاص خواهد یافت.



بند ۷) شهرستان‌هایی که دو و یا بیش از دو نماینده به مجلس ملی گسیل می‌کنند، می‌بایست حوزه‌بندی شده و در هر حوزه، شهروندان ساکن آن حوزه، نماینده خود را انتخاب نماید.

بند ۸) هر نامزدی که بیشتری رای را کسب نماید، برنده انتخابات خواهد بود، مشروط بر اینکه آرای وی، بیش از سی و پنج درصد از آرای باشد که به صندوق ریخته شده است، و حداقل ده درصد از رقیبی که بعد از وی بیشترین آرا کسب نموده، فزونتر باشد.

بند ۹) در صورتی که هیچ یک از نامزدان، شرایط فوق را کسب نکنند، آنگاه انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد، و تنها دو نامزدی که بیشتری رای را کسب نموده باشند، در انتخابات مرحله دوم حضور خواهند یافت و شخصی که بیشتری رای را کسب نماید، برنده انتخابات خواهد بود.

بند ۱۰) آن دسته از شهروندان ایران که در خارج از ایران می‌باشند، می‌توانند در انتخابات شرکت کرده، و برای حوزه انتخابیه محل تولد خود رای دهند. نحوه ارسال و شمارش رای آنها را قانون مشخص خواهد نمود.

اصل ۱۱۰) شهروندان ایران، همزمان با انتخاب نماینده حوزه انتخابیه خود، به لیست پیشنهادی احزاب گوناگون نیز رای می‌دهند، و به این گونه، تعدادی نماینده مجلس را برخواهند گزید، که به این افراد، نماینده استانی گفته می‌شود.

بند ۱) تعداد نمایندگان که از طریق لیست احزاب به مجلس راه می‌یابد، برابر با تعداد نمایندگان شهرستانی می‌باشد.

بند ۲) مردم هر استان به صورت جمعی، نمایندگان استانی را تعیین خواهند نمود.

بند ۳) قبل از انتخابات، هر یک از احزاب ثبت شده در کشور، مجاز است تا لیستی از نامزدهای مورد نظر خود برای هر استان، معرفی نماید؛ هر نامزد تنها مجاز است در یک لیست حضور داشته باشد.

بند ۴) در روز رای‌گیری، شهروندان هر استان، غیر از برگزیدن نماینده حوزه انتخابیه خود، لیست حزب مورد تایید خود را نیز انتخاب خواهند کرد.

اصل ۱۱۱) تعداد نمایندگانی که هر حزب از هر استان به مجلس گسیل می‌کند، می‌بایست متناسب با درصد آرای باشد که آن حزب از مردم استان کسب نموده است.

بند ۱) پس از انتخابات، درصد آرای که هر حزب کسب نموده، محاسبه خواهد شد، و اعلام خواهد شد که هر حزب، محق است تا چند نماینده از آن استان به مجلس ملی گسیل کند؛ و سپس محاسبه خواهد شد که از هر حزب، چه تعداد نامزد به عنوان نماینده شهرستانی به مجلس راه یافته‌اند.



بند ۲) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده اند، و به عنوان نماینده شهرستانی رای آورده‌اند متناسب با آرای حزب نباشد، و تعداد نامزدهای رای آورده، کمتر از حق حزب باشد، آنگاه از محل سهمیه استان برای گسیل نمایندگان استانی، به آن حزب تعدادی کرسی نمایندگی استانی اعطا خواهد شد تا تناسب برقرار شود.

تبصره ۱) هر حزب می‌بایست حمایت حداقل پانزده درصد از مردم استان را کسب نماید، تا بتواند نماینده استانی به مجلس گسیل نماید.

تبصره ۲) پس از یک دوره پانزده ساله که ایران به ثبات دست یافت و احزاب قدرتمند شکل گرفتند، آنگاه عدد پانزده درصد در تبصره فوق، به پنج درصد تقلیل خواهد یافت.

تبصره ۳) چنانچه به یک حزب، از محل سهمیه استان، کرسی واگذار شود، آنگاه آن حزب مجاز نیست به صورت دلبخواهی، نماینده صاحب آن کرسی را تعیین کند. نحوه تعیین مراجعه به لیستی است که آن حزب، قبل از انتخابات رسماً نزد «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» ثبت نموده است. برای اختصاص کرسی به یک حزب، به لیست حزب مراجعه شده و از نفر اول لیست، کار اختصاص کرسی آغاز می‌شود.

تبصره ۴) چنانچه یک نامزد در آن لیست، قبلاً به عنوان نماینده شهرستانی برگزیده شده باشد، آنگاه نفر بعدی در لیست به عنوان صاحب کرسی نمایندگی استانی برگزیده می‌گردد.

بند ۳) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده اند، و به عنوان نماینده شهرستانی رای آورده‌اند، متناسب با آرای حزب نباشد؛ و تعداد نامزدهای رای آورده، بیشتر از حق حزب باشد، آنگاه از محل سهمیه استان برای گسیل نمایندگان استانی، به آن حزب، کرسی نمایندگی استانی اعطا خواهد شد،

تبصره ۱) در چنین شرایطی، هیچ یک از نمایندگان شهرستانی که قبلاً رای آورده‌اند، کرسی خود را رها نخواهد کرد.

تبصره ۲) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده اند، و به عنوان نماینده شهرستانی رای آورده‌اند، متناسب با آرای حزب نبوده و بیشتر است، آنگاه آن استان مجاز است تا نماینده بیشتری به مجلس ارسال کند.

اصل ۱۱۲) بر اساس انتخابات داخلی مجلس، برای دوره یک ساله، یک هیات پنج نفره به عنوان هیات ریسه مجلس برگزیده می‌شوند، و یکی را از بین خود، به عنوان رئیس مجلس انتخاب خواهند نمود.

تبصره ۱) هیات ریسه و ریاست مجلس ملی موظف هستند تا به شکل بی‌طرفانه‌ای و مطابق با آیین‌نامه مجلس، جلسات مجلس ملی را اداره نمایند.

اصل ۱۱۳) وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس ملی به شرح ذیل می‌باشد:



بند ۱) به عنوان نمایندگان مردم ایران، وظیفه تعیین نخست‌وزیر را بر عهده دارند، و می‌تواند اعضای کابینه یا نخست‌وزیر را تعیین کرده و یا برکنار سازند.

بند ۲) بر کار نخست‌وزیر و اعضای کابینه نظارت می‌کنند،

بند ۳) قانون گذاری در امور مختلف، وظیفه و حق انحصاری قوه مقننه است. نمایندگان مجلس ملی، لوایح پیشنهادی از قوه قضاییه، مجلس سنا، کابینه، انجمن عالی فرمانداران، و یا طرح‌های تهیه شده توسط نمایندگان مجلس ملی را تصویب کرده؛ تغییر داده یا رد می‌نمایند.

بند ۴) تنها مجلس ملی است که می‌تواند قوانین جزایی کشور را تصویب کرده، و بر اساس آن، یک عمل را جرم دانسته و مجازات آنرا تعیین کند.

بند ۵) نمایندگان مجلس ملی، لایحه بودجه سالیانه کشور را تصویب یا تغییر می‌دهند،

بند ۶) مالیات‌های گوناگون توسط مجلس ملی تعیین می‌گردد،

بند ۷) مجلس ملی تنها نهادی است که می‌تواند درخواست نخست‌وزیر مبنی بر اعلام جنگ یا اعلان آتش بس با هر کشوری را مورد تصویب یا رد قرار دهد.

بند ۸) پذیرش یا رد تمامی معاهدات بین‌المللی از سوی دولت ایران بر عهده مجلس ملی است.

اصل ۱۱۴) مجلس ملی بر نحوه عملکرد قوه قضاییه، نظارت می‌نماید.

بند ۱) دخالت و یا اعمال نفوذ مجلس ملی در امور قوه قضاییه ممنوع می‌باشد؛ مجلس ملی مجاز است تا تنها بر کار قوه قضاییه نظارت نماید.

بند ۲) مجلس ملی یا هر یک از نمایندگان مجلس ملی مجاز نیستند تا در خصوص یک پرونده مطروحه در دادگاه، دادنامه صادره، و یا دستور قاضی، دخالت کرده و یا اعمال نفوذ نماید، و یا خواستار اعمال نظارت در آن دادگاه شود.

بند ۳) در صورتی که اکثریت نمایندگان مجلس ملی به این نتیجه برسند که به استقلال یا سلامت قوه قضاییه خدشه وارد شده است، می‌توانند خواستار بررسی عملکرد یک یا چند تن از دادگران شورای عالی قضایی در مجلس سنا شوند.



اصل ۱۱۵) نمایندگان مجلس ملی، علاوه بر اینکه نماینده مردم حوزه انتخابیه خود هستند، وظیفه حراست از حقوق تمامی باشندگان ایران را بر عهده داشته، و موظف هستند تا از منافع عمومی تمامی مردم ایران پاسداری نمایند.

اصل ۱۱۶) برقراری حکومت نظامی ممنوع می‌باشد مگر آنکه دو سوم از نمایندگان مجلس ملی برای مدت مشخصی آنرا تصویب نمایند.

اصل ۱۱۷) کمیسیون‌های مجلس ملی، حق تحقیق از تمامی بخش‌های حکومت و یا بخش خصوصی در ایران را دارند.

بند ۱) کمیسیون‌های مجلس ملی می‌تواند هر یک از باشندگان ایران (از جمله قضات) را به مجلس فراخواند، و از وی پرسش کنند.

بند ۲) فرد فراخوانده شده موظف است صادقانه به تمامی سوالات پاسخ دهد،

بند ۳) گمراه نمودن یا ارایه اطلاعات دروغین به نمایندگان مجلس ملی مجازاتی برابر با گمراه نمودن دادگاه را به همراه خواهد داشت.

اصل ۱۱۸) نمایندگان مجلس ملی تا زمان پایان دوره نمایندگی، مصونیت قانونی دارند، و هیچ کسی حق بازداشت آنها را ندارد.

تبصره ۱) تنها دو سوم از نمایندگان مجلس ملی می‌توانند مصونیت قانونی یک نماینده مجلس، در زمانی که هنوز دوره نمایندگی او به پایان نرسیده را لغو نمایند.

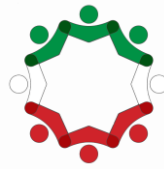
تبصره ۲) در صورتی که دو سوم از مجلس ملی، مصونیت قانونی یک نماینده را لغو نمود، و سپس آن نماینده در دادگاه صالحه محکوم گشت، آنگاه وی سمت نمایندگی را از دست خواهد داد، و در حوزه انتخابیه او، انتخابات مجدد برای گزینش مجدد نماینده مجلس، برگزار خواهد شد.

تبصره ۳) چنانچه مصونیت قانونی یک نماینده لغو شود و علیه وی در دادگاه اعلام جرم شود، آن دادگاه می‌بایست الزاما علنی، و با حضور هیات منصفه برگزار گردد.

اصل ۱۱۹) تمامی مصوبه‌های مجلس ملی با رای نصف به اضافه یک تصویب می‌گردد، مگر اینکه قانون اساسی یا آیین‌نامه داخلی مجلس ملی، در یک مورد خاص، نظر دیگری داشته باشد.

اصل ۱۲۰) مجلس ملی با حضور دو سوم از اعضا رسمیت می‌یابد.

اصل ۱۲۱) در صورت استعفا یا مرگ یا برکناری بیش از یک سوم از نمایندگان مجلس ملی، می‌بایست ظرف یک ماه، انتخابات مجدد برگزار گردد.



سازمان بازرسی ایران (زیر مجموعه مجلس ملی)

اصل ۱۲۲) سازمان بازرسی ایران (سبا)، زیر مجموعه مجلس ملی می‌باشد؛ سازمان بازرسی ایران، با بهره‌جویی از افراد متخصص در زمینه های گوناگون، و تحت نظارت نمایندگان مجلس ملی، وظایف زیر را بر عهده خواهد داشت:

- (۱) حسابرسی از تمامی اموال حکومتی،
- (۲) تحقیق و تهیه گزارش در یک مورد عملکرد یک نهاد حکومتی، حسب درخواست نمایندگان مجلس ملی.

اصل ۱۲۳) تمامی بخش های حکومت موظفند با سازمان بازرسی ایران همکاری کنند.

بند ۱) نمایندگان مجلس ملی در آغاز هر دوره، و در طی یک رای گیری، هیات مدیره هفت نفره سازمان بازرسی ایران را از میان نمایندگان دوره پیشین مجلس ملی، برخواهند گزید. هیات مدیره این سازمان، ریاست شاخه‌های گوناگون این سازمان را از بین افراد متخصص تعیین خواهد نمود.

تبصره ۱) در دور اول مجلس ملی، نمایندگان مجاز هستند تا از میان افرادی که قبلاً نماینده مجلس نبوده اند، اعضای هیات مدیره را برگزینند.

بند ۲) سازمان بازرسی ایران، موظف است تا به ازای هر وزارتخانه، یک شاخه ویژه ایجاد نماید.

بند ۳) یک شاخه ویژه از سازمان بازرسی ایران (سبا) نیز به بررسی عملکرد ارتش اختصاص خواهد داشت.

بند ۴) هر یک از نمایندگان مجلس ملی می‌تواند موضوع خاصی را به این سازمان ارجاع دهد، مشروط بر اینکه حداقل سه نماینده دیگر، از وی حمایت کنند.

بند ۵) هر یک از باشندگان ایران می‌تواند با مراجعه به نماینده مجلس ملی از حوزه انتخابیه محل سکونت خود، تقاضا کند تا یک موضوع خاص در این سازمان، مورد بررسی واقع شود.

تبصره ۱) نماینده مجلس، در پذیرش آن خواسته مختار می‌باشد.

بند ۶) سازمان بازرسی ایران، پس از انجام تحقیقات خود موظف هستند تا گزارش یافته‌های خود را به آن نماینده مجلس ملی که پرونده را به آنها ارجاع داده، ارسال نمایند.

بند ۷) نماینده مجلس ملی بر اساس گزارش دریافتی از سازمان بازرسی ایران و چنانچه تخلفی مشاهده نماید، مجاز است تا یکی یا همه اقدامات زیر را انجام دهد:

- (۱) آن پرونده را به کمیسیون ویژه آن وزارت خانه (در مجلس ملی) ارجاع دهد،
- (۲) به بالاترین مقام آن نهاد حکومتی مکاتبه نموده و درخواست کند تا در آن مورد خاص، توضیحات خود را ارائه کند،



۳) با استخدام یکی از وکلای کشور، آن پرونده را (به همراه گزارش سازمان بازرسی ایران) به دادگاه بازبینی قضایی ارسال نماید.

۴) در صورت مشاهده تخلف مجرمانه، آن پرونده را به دادستان ویژه ارجاع دهد، تا به در دادگاه علیه متخلفین اعلام جرم شود.

بند ۸) سازمان بازرسی ایران مجاز است تا در صورت مشاهده تخلفی که جرم نیز هست، راسا از طریق «دادستان خصوصی» مستقر در سازمان خود، علیه فرد متخلف، در دادگاه اعلام جرم کند.

اصل ۱۲۴) یک شاخه ویژه از سازمان بازرسی ایران، به بررسی عملکرد قوه قضاییه اختصاص خواهد داشت.

بند ۱) این شاخه، مجاز است تا تنها از موارد زیر در قوه قضاییه بازرسی به عمل آورد:

- ۱) در خصوص امور مالی قوه قضاییه،
- ۲) در خصوص سیر اداری یک پرونده در دادگاه، شامل چگونگی ثبت، بایگانی و یا نحوه واگذاری یک پرونده به یک شعبه از دادگاه، و همچنین نحوه تعیین زمان دادرسی.
- ۳) نحوه انتخاب و انتصاب قضات، و نحوه تنزیل یا ترقی آنها،

بند ۱) سازمان بازرسی ایران مجاز نیست در خصوص احکام صادره توسط قضات یا دستوراتی که قضات در طی دادرسی صادر نموده و یا می‌نمایند، به بازرسی بپردازد.

بند ۲) شورای عالی قضایی، موظف به همکاری با این شاخه از سازمان بازرسی ایران می‌باشد.

اصل ۱۲۵) مجلس ملی برای هر یک از وزارت‌خانه‌ها، یک کمیسیون ویژه، مختص آن وزارت‌خانه را ایجاد خواهد نمود.

بند ۱) کمیسیون‌های ویژه دو وظیفه بر عهده دارند:

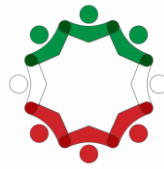
- ۱) بر عملکرد آن وزارت‌خانه به صورت تخصصی نظارت نمایند،
- ۲) طرح‌های گوناگونی که از مرکز پژوهش‌های مجلس یا دیگر نمایندگان مجلس ملی دریافت می‌کنند را مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم، به عنوان طرح به مجلس ملی تقدیم کنند.

بند ۲) مجلس ملی مجاز است تا کمیسیون‌های ویژه در اموری که صلاح می‌داند، تاسیس نماید.

تبصره ۱) مجلس ملی، کمیسیون‌های ویژه برای ارتش، پلیس، و شورای عالی امنیت ملی، ایجاد خواهد نمود.

بند ۳) نمایندگان مجلس ملی بر اساس تخصص و با رای اکثریت مجلس ملی، به عضویت کمیسیون‌های مختلف منصوب می‌گردند.

بند ۴) بالاترین مقام نهاد اجرایی که کمیسیون در حوزه آن نهاد فعالیت می‌کند، موظف است تا به صورت دوره‌ای و مداوم، در محل تشکیل آن کمیسیون حضور یافته، و به پرسش‌های اعضای کمیسیون ویژه، پاسخ دهد.



تبصره ۱) این جلسات می‌بایست برای پخش زنده در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد.
تبصره ۲) تنها اکثریت اعضای کمیسیون ویژه هستند که می‌توانند جلسه کمیسیون را محرمانه اعلام نمایند.

بند ۵) هر کمیسیون ویژه موظف است یک گزارش ماهیانه در مورد عملکرد نهاد تحت نظر خود را تهیه کرده و به اطلاع دیگر نمایندگان مجلس ملی و نمایندگان مجلس سنا برساند.

بند ۶) هر کمیسیون ویژه، مجاز است تا گزارش ماهیانه خود را محرمانه تشخیص داده و آنرا فقط جهت اطلاع نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنا صادر نماید.

اصل ۱۲۶) وزرا در مقابل مجلس ملی پاسخگو می‌باشند. مشروط بر تایید اکثریت اعضای یک کمیسیون مجلس ملی، آن کمیسیون مجاز است تا وزیر مربوطه را برای پاسخگویی به محل کمیسیون در مجلس ملی فرا بخواند.

اصل ۱۲۷) مرکز پژوهش‌های مجلس ملی، نهاد پژوهشی بوده و به عنوان مشاور متخصص برای نمایندگان مجلس ملی عمل می‌نماید.

بند ۱) هر نماینده راسا نسبت به موضوع مطروحه در مجلس تصمیم می‌گیرد و رای خواهد داد. لیکن نمایندگان مجلس ملی موظفند قبل از رای دادن، با افراد متخصص مشاوره نموده و تلاش خود به کار گیرند که رای آنها آگاهانه باشد.

بند ۲) مرکز پژوهش‌های مجلس ملی، وظیفه پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات در هر زمینه‌ای که نمایندگان مجلس صلاح بدانند را بر عهده دارد.

بند ۳) ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس ملی توسط ریاست مجلس ملی تعیین می‌گردد.

اصل ۱۲۸) باشندگان ایران می‌توانند خطاب به نمایندگان مجلس ملی، طومار تهیه کنند. چنانچه یک طومار، بیش از پانصد هزار امضا داشت، آنگاه محتوای آن طومار می‌بایست در مجلس مطرح شده و در طی یک رای گیری علنی، مجلس ملی رسماً نظر خود را در رابطه با آن طومار بیان نماید.

تبصره ۱) قانون شیوه تهیه طومار، و نحوه شمارش امضاهای آن را مشخص خواهد نمود.



قوه مقننه - مجلس سنا:

اصل ۱۲۹) نمایندگان مجلس سنا، سناتور خوانده می‌شوند؛ ارزش رای و جایگاه تمامی سناتورهای مجلس سنا با یکدیگر برابر است؛ اعضای مجلس سنا به چند طریق برگزیده می‌شوند:

- (۱) سناتورهای استانی که با رای مستقیم مردم هر استان برگزیده می‌شوند.
- (۲) سناتورهای کشوری که بر اساس رای تمامی مردم ایران و بر اساس لیست پیشنهادی احزاب گوناگون، برگزیده می‌شوند.
- (۳) انجمن ملی قضاات نیز پانزده تن را از میان وکلای دادگستری برگزیده و به عنوان سناتور به مجلس سنا گسیل می‌نماید.
- (۴) ریاست کشور ده سناتور را نامزد کرده و پس از تصویب انجمن فرمانداران کشور، به عنوان اعضای سنا، منصوب خواهد نمود.
- (۵) کانون وکلای کشور نیز در طی انتخابات، پنج سناتور را برگزیده و به مجلس سنا گسیل می‌نماید.
- (۶) هر یک از سازمان‌های صنفی زیر نیز دو سناتور به مجلس سنا گسیل خواهند نمود: (۱) انجمن فعالین رسانه‌ای ایران، (۲) انجمن اقتصاددانان ایران.

اصل ۱۳۰) شهروندان ساکن هر استان، به ازای هر یک میلیون نفری که در هر استان زندگی می‌کنند، یک سناتور به مجلس سنا گسیل خواهند نمود.

بند ۱) هر استان حداقل یک سناتور به مجلس سنا گسیل می‌کند، حتی اگر جمعیت استان کمتر از یک میلیون نفر باشد.

بند ۲) افرادی که نامزد سمت سناتور استانی می‌شوند، می‌توانند از طرف یک حزب معرفی شده، و یا اینکه نامزد مستقل باشند.

بند ۳) مطابق با سهمیه استان، یک یا چند نامزدی که بیشترین رای را کسب کنند، به مجلس سنا راه خواهد یافت.

اصل ۱۳۱) شهروندان ایران، همزمان با انتخاب سناتور استانی خود، به لیست پیشنهادی احزاب گوناگون نیز رای می‌دهند، و به این گونه، تعدادی سناتور کشوری را برخوانند گزید.

بند ۱) تعداد سناتورهای کشوری، برابر با تعداد سناتورهای استانی است.

بند ۲) قبل از انتخابات، هر یک از احزاب ثبت شده در کشور، مجاز است تا لیستی از نامزدهای مورد نظر خود برای سمت سناتور کشوری، معرفی نماید.

بند ۳) هر نامزد تنها مجاز است در لیست یک حزب حضور داشته باشد.



بند ۴) در روز رای‌گیری، تمامی شهروندان ایران، غیر از برگزیدن سناتور استانی خود، لیست حزب مورد تایید خود را نیز انتخاب خواهند کرد.

بند ۵) تعداد سناتورهای هر حزب به مجلس سنا گسیل می‌کند، می‌بایست متناسب با درصد آرای باشد که آن حزب از مردم ایران کسب نموده است. پس از انتخابات، درصد آرای که هر حزب کسب نموده، محاسبه خواهد شد، و اعلام خواهد شد که هر حزب، محق است تا چند سناتور به مجلس سنا گسیل کند، و سپس محاسبه خواهد شد که از هر حزب، چه تعداد نامزد به عنوان سناتور استانی به مجلس راه یافته‌اند.

بند ۶) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده اند، و به عنوان سناتور استانی رای آورده‌اند متناسب با آرای حزب نباشد؛ و تعداد نامزدهای رای آورده، کمتر از حق حزب باشد، آنگاه از محل سهمیه کشوری، به آن حزب تعدادی کرسی سناتور کشوری اعطا خواهد شد تا تناسب برقرار شود.

تبصره ۱) هر حزب می‌بایست حمایت حداقل پنج درصد از مردم ایران را کسب نماید، تا بتواند سناتور کشوری به مجلس سنا گسیل نماید.

تبصره ۲) چنانچه به یک حزب، از محل سهمیه کشوری، کرسی واگذار شود، آنگاه آن حزب مجاز نیست به صورت دلبخواهی، سناتور صاحب آن کرسی را تعیین کند. نحوه تعیین مراجعه به لیستی است که آن حزب، قبل از انتخابات رسماً نزد «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» ثبت نموده است. برای اختصاص کرسی به یک حزب، به لیست حزب مراجعه شده و از نفر اول لیست، کرسی اختصاص خواهد یافت.

تبصره ۳) چنانچه یک نامزد در آن لیست، قبلاً به عنوان سناتور استانی برگزیده شده باشد، آنگاه نفر بعدی در لیست به عنوان سناتور کشوری برگزیده می‌گردد.

بند ۷) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده اند، و به عنوان سناتور استانی رای آورده‌اند متناسب با آرای حزب نباشد؛ و تعداد نامزدهای رای آورده، بیشتر از حق حزب باشد، آنگاه از محل سهمیه کشوری، به آن حزب، کرسی اعطا خواهد شد،

تبصره ۱) در چنین شرایطی، هیچ یک از سناتورهای که قبلاً کرسی سناتور استانی را تصاحب کرده‌اند، کرسی خود را رها نخواهد کرد.

تبصره ۲) چنانچه تعداد نامزدهایی که از سوی حزب در انتخابات شرکت کرده‌اند، و به عنوان سناتور استانی رای آورده‌اند، متناسب با آرای حزب نبوده و بیشتر است، آنگاه ممکن است تعداد نمایندگان آن استان در مجلس سنا، و کرسی‌های مجلس سنا افزایش یابد.



اصل ۱۳۲) آن دسته از شهروندان ایران که در خارج از ایران سکونت دارند، می‌توانند در انتخابات شرکت کرده، و برای استان محل تولد خود، و همچنین برای انتخاب سناتورهای کشوری رای دهند. نحوه ارسال و شمارش رای آنها را قانون مشخص خواهد نمود.

اصل ۱۳۳) وظایف مجلس سنا به شرح ذیل می‌باشد:

- (۱) نظارت بر کار قوه مجریه،
- (۲) بررسی مسائل روز کشور، و ارسال لایحه به مجلس ملی در صورت لزوم،
- (۳) بررسی درخواست نخست‌وزیر مبنی بر تعلیق مصوبه مجلس ملی (مجلس سنا در صورت موافقت با این درخواست آنرا به دیوان قانون اساسی ارجاع خواهد داد).
- (۴) تصمیم‌گیری در رابطه با درخواست ریاست کشور برای برگزاری انتخابات پیش از موعد برای مجلس ملی،
- (۵) نظارت بر تمامی آیین‌نامه‌های اجرایی در کشور.
- (۶) بررسی درخواست ریاست کشور، نخست‌وزیر و یا مجلس ملی برای بررسی عملکرد یک یا چند دادگر عضو شورای عالی قضایی.
- (۷) بررسی درخواست مجلس ملی برای ممنوعیت فعالیت یک حزب (مجلس سنا در صورت موافقت با این درخواست، آنرا به دیوان قانون اساسی ارجاع خواهد داد).
- (۸) تصمیم به برگزاری انتخابات پیش از موعد در یک شهرستان برای گزینش اعضای مجلس محلی.

اصل ۱۳۴) دوره خدمت در مجلس سنا شش سال می‌باشد، و محدودیتی برای نامزدی دوباره وجود ندارد.

اصل ۱۳۵) نمایندگان مجلس سنا تا پایان دوره نمایندگی، مصونیت قانونی دارند، و هیچ‌کسی حق بازداشت آنها را ندارد.
تبصره (۱) تنها دو سوم از نمایندگان مجلس سنا می‌تواند مصونیت قانونی یک سناتور را لغو نماید.

تبصره (۲) در صورتی که دو سوم از مجلس سنا، مصونیت قانونی یک سناتور را لغو نمود، و سپس آن سناتور در دادگاه صالحه محکوم گشت، آنگاه وی کرسی سناتوری را از دست خواهد داد.

تبصره (۳) چنانچه یک سناتور استانی، به دلیل محکومیت، کرسی خود را از دست بدهد، آنگاه در استانی که وی را انتخاب کرده، برای گزینش مجدد سناتور، انتخابات برگزار خواهد شد.

تبصره (۴) چنانچه یک سناتور، به دلیل محکومیت، کرسی خود را از دست بدهد، و وی منتخب یک نهاد باشد، آنگاه آن نهاد مجدداً یک سناتور دیگر به مجلس سنا گسیل خواهد نمود.

تبصره (۵) چنانچه مصونیت قانونی یک سناتور لغو شود و علیه وی در دادگاه اعلام جرم شود، آن دادگاه می‌بایست الزاماً علنی، و با حضور هیأت منصفه برگزار گردد.



اصل ۱۳۶) تمامی مصوبه‌های مجلس سنا با رای نصف به اضافه یک تصویب می‌گردد. مجلس سنا با حضور دو سوم از اعضا رسمیت می‌یابد.

اصل ۱۳۷) در صورت استعفا یا مرگ یا برکناری بیش از یک سوم از نمایندگان مجلس سنا، می‌بایست انتخابات دوباره ظرف مدت یک ماه، برگزار گردد.

اصل ۱۳۸) مجلس سنا مجاز است تا نخست وزیر و یا هر یک از اعضای کابینه را به مجلس سنا فرا بخواند و از وی پرسش نماید.

بند ۱) نخست وزیر و یا وزرای استیضاح شده، موظف هستند ظرف یک هفته، در مجلس سنا حضور یافته و به پرسش‌های مجلس سنا پاسخ دهند.

بند ۲) مجلس سنا نمی‌تواند نخست وزیر یا وزرا را برکنار سازد، لیکن مجاز است تا توصیه خود را در قالب لایحه، به مجلس ملی ارسال نماید.

بند ۳)

اصل ۱۳۹) مجلس سنا مجاز است تا با ارسال درخواست رسمی از ریاست کشور بخواهد تا با برگزاری انتخابات پیش از موعد برای گزینش مجدد نمایندگان مجلس ملی، موافقت نماید؛ و در صورت موافقت ریاست کشور، انتخابات پیش از موعد در تمامی کشور برگزار خواهد شد.

اصل ۱۴۰) دخالت و یا اعمال نفوذ مجلس سنا در امور قوه قضاییه ممنوع می‌باشد؛ لیکن مجلس سنا حق نظارت و بررسی عملکرد قوه قضاییه را دارد.

بند ۱) مجلس سنا، می‌تواند تنها پس از دریافت درخواست رسمی از سوی ریاست کشور، نخست وزیر و یا مجلس ملی برای بررسی عملکرد یک یا چند عضو از شورای عالی قضایی اقدام نماید.

بند ۲) پس از دریافت درخواست، مجلس سنا موظف است تا ظرف مدت دو هفته، آن درخواست را در نشست رسمی، مطرح کرده و در طی رای گیری علنی، یک کمیسیون ویژه برای تحقیق تشکیل دهد.

بند ۳) کمیسیون ویژه پس از بررسی های اولیه، چنانچه لازم بداند مجاز است تا آن دادگر (یا دادگران) را به مجلس سنا احضار نماید، و پرسش های خود را مطرح نماید.

بند ۴) دادگر (یا دادگران) احضار شده، موظف هستند تا با حضور در مجلس سنا، به صورت صادقانه به پرسش های کمیسیون ویژه پاسخ دهند.



بند ۵) کمیسیون ویژه، یافته های خود را به اطلاع اعضای مجلس سنا خواهد رسانید، و پس از آن در طی رای گیری علنی، مجلس سنا تصمیم خواهد گرفت که آیا تخلفی رخ داده یا نه؛ و همچنین در خصوص تشکیل پرونده تخلف و ارسال آن پرونده به دیوان قانون اساسی، تصمیم خواهد گرفت.

اصل ۱۴۱) کمیسیون های مجلس سنا حق تحقیق از تمامی بخش های حکومت و یا بخش خصوصی در ایران را دارند.

بند ۱) کمیسیون های مجلس سنا می تواند هر یک از باشندگان ایران را به مجلس سنا فرا بخواند، و از وی پرسش کنند.

بند ۲) فرد فراخوانده شده موظف است صادقانه به تمامی سوالات پاسخ دهد،

بند ۳) گمراه نمودن یا ارایه اطلاعات دروغین به نمایندگان مجلس سنا مجازاتی برابر با گمراه نمودن دادگاه را به همراه خواهد داشت.

اصل ۱۴۲) کمیسیون های گوناگون مجلس سنا، تمامی آیین نامه های اجرایی کشور در بخش های مختلف را زیر نظر خواهند داشت، و چنانچه مجلس سنا، یک آیین نامه را در تضاد با قانون اساسی بیابد، می تواند آن آیین نامه را به دیوان قانون اساسی ارسال نماید تا آن دیوان، نسبت به رد، تایید، یا تغییر آن آیین نامه اقدام کند.

مجالس محلی:

اصل ۱۴۳) مجلس محلی شهرستان متشکل از هفت تا بیست و یک تن از شهروندان آن شهر (بسته به جمعیت شهرستان) بوده و در طی یک انتخابات دوره ای، برگزیده می شوند. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۱، در ضمیمه]

بند ۱) مجلس محلی در شهرستان های کمتر از یکصد هزار نفر، با حضور هفت نماینده تشکیل خواهد شد.

بند ۲) مجلس محلی در شهرستان های بیش از یکصد هزار نفر و کمتر از پانصد هزار نفر، با حضور چهارده نماینده تشکیل خواهد شد.

بند ۳) مجلس محلی در شهرستان های بیش از هفتصد هزار نفر، با حضور بیست و یک نماینده تشکیل خواهد شد.

بند ۴) هر شهرستان، بر اساس جمعیت، به چند «پهنه شهرستانی» تقسیم شده، و هر پهنه، یک نماینده برای مجلس محلی بر خواهد گزید.



بند ۵) هر نماینده مجلس محلی، موظف است به عنوان نماینده تمامی باشندگان ساکن شهرستان عمل نماید، و منافع جمعی شهرستان را مد نظر قرار دهد.

بند ۶) هر فرد، می تواند در چند دوره، عضو مجلس محلی بشود، مشروط بر اینکه هیچ دو دوره ای، پیاپی نباشد.

اصل ۱۴۴) مجلس محلی شهرستان غیر قابل انحلال می باشد.

بند ۱) در صورت استعفا یا مرگ یا برکناری بیش از یک سوم از نمایندگان مجلس محلی، می بایست انتخابات دوباره ظرف مدت یک ماه، برگزار گردد.

بند ۲) بر اساس تصویب مجلس سنا، برای گزینش نمایندگان مجلس محلی در یک شهرستان، انتخابات پیش از موعد برگزار خواهد شد.

اصل ۱۴۵) سازمان بازرسی بومی (سبب) زیر نظر مجلس محلی فعالیت می کند و وظیفه بازرسی از فعالیت های ادارات محلی را بر عهده دارد.

تبصره ۱) هر یک از باشندگان ساکن شهرستان مجاز است تا با مراجعه به این سازمان، رسماً شکایت خود را مطرح کرده و تقاضای بازرسی از آن موضوع را بنماید.

تبصره ۲) تمامی ادارات محلی موظف به همکاری با این سازمان می باشند.

اصل ۱۴۶) مجلس محلی بر عملکرد فرماندار و تمامی ادارات محلی، اداره پلیس شهرستان، و شهرداری ها و دهرداری ها در حوزه جغرافیایی آن شهرستان، نظارت می نماید.

بند ۱) فرماندار و روسای تمامی ادارات محلی و رییس پلیس شهرستان، به مجلس محلی پاسخگو هستند.

بند ۲) هر یک از شهروندان مجاز است تا با مراجعه به نمایندگان مجالس محلی، از عملکرد یک اداره محلی شکایت نماید.

بند ۳) مجلس محلی مجاز است تا در صورت مشاهده سوءمدیریت یا خطا، برکناری آن فرد را به تصویب برساند.

بند ۴) هر مجلس محلی مجاز است تا با استخدام دادستان خصوصی، بر علیه مسوولینی که تخلف مجرمانه داشته اند، در دادگاه کیفری، اعلام جرم نماید.

اصل ۱۴۷) مجلس محلی مجاز است تا اجرای پروژه های گوناگون در سطح شهرستان را تصویب نماید، مشروط بر اینکه تامین بودجه آن طرح راساً توسط حکومت محلی تامین گردد.

بند ۱) هر حکومت محلی مجاز به اجرای طرح های گوناگون با بهره جویی از سرمایه گذاری بخش خصوصی است.



بند ۲) چنانچه بودجه طرح مورد نظر می‌بایست توسط حکومت مرکزی تامین گردد، آنگاه مصوبه مجلس محلی در قالب پیشنهاد به اداره کل استان وزارت‌خانه مربوطه ارسال شده و آن اداره کل، موظف به بررسی، امکان‌سنجی و ارائه پاسخ کتبی و مستند به مجلس محلی می‌باشد.

اصل ۱۴۸) مجلس محلی مجاز است تا «عوارض شهرداری» را تعیین نماید. فرمانداری به صورت مستقیم «عوارض شهرداری» را از باشندگان ایران در آن شهرستان دریافت نموده، و هزینه‌های دهرداری‌ها و شهرداری را تامین نماید.

اصل ۱۴۹) شهرداری و دهرداری‌ها، وظیفه اداره شهر و نظارت بر کار ساخت و ساز و نگه داری بناهای شهری و روستایی را بر عهده دارند.

اصل ۱۵۰) شهردار هر شهرستان و ده‌دار هر دهستان، توسط فرماندار تعیین می‌شود، لیکن انتصاب او می‌بایست به تصویب مجلس محلی برسد.

قوه مجریه:

اصل ۱۵۱) قوه مجریه در ایران متشکل از کابینه و حکومت‌های محلی است.

بند ۱) کابینه، سیاست‌های کلان اداره کشور را تدوین و اجرا می‌کند؛ و بر کشور ایران، حکمرانی مطلق دارد؛

بند ۲) حکومت محلی وظیفه اداره امور شهرستان را بر عهده دارد و تنها در حیطه شهرستان خود، حکمرانی داخلی دارد؛

بند ۳) حکمرانی (اجرا) و یا اتخاذ سیاست‌های کلان کشور، از جمله سیاست‌های کلان اقتصادی، سیاست خارجی، تامین امنیت کشور و سیاست‌های دفاعی، سیاست‌های مرتبط با امنیت ملی، تعیین خط فقر، توزیع امکانات کشور، به صورت انحصاری در اختیار قوه مجریه است، لیکن مجلس ملی بر کار قوه مجریه نظارت سختگیرانه و دقیق دارد.

اصل ۱۵۲) نخست‌وزیر، ریاست قوه مجریه می‌باشد که توسط مجلس ملی و از میان نمایندگان مجلس ملی منصوب می‌شود.

بند ۱) هر چند که نخست‌وزیر، قبل از انتصاب، عضو مجلس ملی بوده است، لیکن پس از انتصاب به مقام نخست‌وزیری، وی از قوه مقننه جدا شده و سمت نمایندگی مجلس ملی را از دست می‌دهد.

بند ۲) نخست‌وزیر و اعضای کابینه وی به شکل یک قوه کاملاً مجزا عمل می‌نمایند.



بند ۳) شخص نخست‌وزیر تا زمان فعالیت به عنوان نخست‌وزیر، از مصونیت قانونی برخوردار است.

اصل ۱۵۳) وظایف نخست‌وزیر به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) نامزد نمودن وزرا و معاون نخست‌وزیر، و معرفی آن اشخاص به مجلس ملی،
- ۲) نظارت بر کار وزرا، و برکناری آنها در صورت لزوم،
- ۳) اداره کابینه،
- ۴) تدوین سیاست‌های کلان کشور در زمینه های گوناگون، از جمله آموزش، اقتصاد، رفاه.
- ۵) تدوین سیاست خارجی کشور،
- ۶) تدوین سیاست‌های دفاعی کشور،
- ۷) انتخاب سفرای ایران در کشورهای مختلف دنیا و نهادهای بین‌المللی،
- ۸) امضای پیمان‌ها، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی به نمایندگی از کشور ایران،
- ۹) نظارت بر کار ارتش،
- ۱۰) نظارت ویژه بر کار پلیس،
- ۱۱) نظارت ویژه بر کار نیروهای امنیتی (وزارت اطلاعات و نهاد اطلاعاتی وابسته به ارتش).

اصل ۱۵۴) سیاست کلان اداره کشور در زمینه های مختلف توسط نخست‌وزیر تدوین و ابلاغ می‌گردد.

بند ۱) هر وزیر موظف است تا بر اساس سیاست‌های کلانی که نخست‌وزیر ابلاغ می‌کند، سیاست‌های وزارتخانه متبوع خود را تدوین نماید، لیکن در نهایت، وزیر هر وزارتخانه، تصمیم‌گیر نهایی در امور آن وزارتخانه بوده و وی پاسخگوی نمایندگان مجلس ملی و نخست‌وزیر است،

بند ۲) سیاست‌های کلان کشور می‌بایست به نحوی باشد که فرصت‌های جامعه، به نحو یکسانی در کشور توزیع گردد.

اصل ۱۵۵) برای انتخاب نخست‌وزیر جدید (در صورت استعفا، مرگ، برکناری و یا پایان دوره نخست‌وزیری، و یا انتخاب اولین نخست‌وزیر)، حداکثر ظرف مدت هفت روز، مجلس ملی، نشست ویژه برگزار خواهد نمود، که دستور آن نشست، تعیین نخست‌وزیر جدید خواهد بود.

بند ۱) تا قبل از برگزاری نشست فوق، هر یک از نمایندگان مجلس ملی می‌تواند با مراجعه به ریاست کشور، خود را راسا نامزد سمت نخست‌وزیری کند، مشروط بر اینکه حداقل ده درصد از نمایندگان منتخب مجلس ملی، از نامزدی وی به صورت کتبی حمایت کرده باشند.

تبصره ۱) چنانچه هیچ یک از نمایندگان مجلس ملی نتوانند حمایت اولیه ده درصد دیگر را جلب نمایند، آنگاه ریاست کشور مجاز است تا سه نفری که بیشترین حمایت اولیه را کسب نموده اند، به عنوان نامزدهای سمت نخست‌وزیری، معرفی نماید.



بند ۲) ریاست کشور، ریاست افتخاری نشست انتخاب نخست‌وزیر را بر عهده خواهد داشت، و اسامی آن دسته از نمایندگانی که نامزد سمت نخست‌وزیری شده‌اند، و ده درصد از نمایندگان نیز از نخست‌وزیری وی حمایت کرده‌اند را به مجلس ملی ارایه خواهد نمود.

بند ۳) پس از رای گیری علنی در مجلس، هر نامزدی که بیشترین آرا را کسب کند، به عنوان نخست‌وزیر منصوب خواهد گشت.

تبصره ۱) در روند تعیین نخست‌وزیر، هر نماینده مجلس تنها می‌تواند به یک نامزد نخست‌وزیری، رای دهد.

تبصره ۲) در صورتی که نامزدهای سمت نخست‌وزیری آرای مساوی کسب نمودند، رای یکی از نمایندگان مجلس ملی به انتخاب قرعه، در آن رای گیری، ندیده گرفته خواهد شد تا نخست‌وزیر تعیین گردد.

بند ۴) نماینده منتخب پس از انتصاب به سمت نخست‌وزیری، به صورت خودکار سمت نمایندگی مجلس ملی را از دست خواهد داد.

تبصره ۱) چنانچه وی نماینده شهرستانی بوده باشد، آنگاه در حوزه انتخابیه وی ظرف مدت یک ماه، انتخابات مجددی برای گزینش نماینده مجلس ملی برگزار می‌گردد.

اصل ۱۵۶) نخست‌وزیر منتخب موظف است ظرف مدت دو هفته پس از انتصاب، وزرا و معاون نخست‌وزیر را برای دریافت رای اعتماد به مجلس ملی معرفی نماید.

بند ۱) نامزد سمت معاون نخست‌وزیر یا وزارت، تنها با رای نصف به اضافه یک نمایندگان مجلس، به این سمت منصوب می‌گردد.

بند ۲) در صورت عدم پذیرش مجلس، نخست‌وزیر مجدداً دو هفته زمان دارد تا نامزد بعدی سمت معاون نخست‌وزیر و وزرا را به مجلس معرفی نماید.

بند ۳) نخست‌وزیر مجاز است تا برای مدت حداکثر سه ماه، یک نفر را به عنوان سرپرست وزارتخانه و سرپرست معاونت نخست‌وزیری، تعیین کند.

تبصره ۱) برای تعیین سرپرست نیازی به تایید مجلس ملی نمی‌باشد.

اصل ۱۵۷) کابینه از نخست‌وزیر، معاون نخست‌وزیر، و وزرای مختلف تشکیل می‌گردد.

تبصره ۱) نخست‌وزیر مجاز است برای انجام امور داخلی نهاد نخست‌وزیری، سازمان‌های جدیدی را تاسیس، و یا سازمانی که موجود است را منحل کند.



تبصره ۲) آن دسته از فعالیت های قوه مجریه، که فراتر از امور داخلی نهاد نخست‌وزیری محسوب می‌شوند، الزاما می‌بایست به وزارت‌خانه‌های گوناگون واگذار گردند.

تبصره ۳) ایجاد و یا حذف وزارت‌خانه تنها با مصوبه مجلس ملی مجاز است.

تبصره ۴) مشاوران نخست‌وزیر مجاز به شرکت در جلسات کابینه بوده، و حق اظهار نظر دارند، لیکن آنها حق رای ندارند.

اصل ۱۵۸) طرح استیضاح هر یک از اعضای کابینه (به استثنای نخست‌وزیر)، با امضا و حمایت اولیه حداقل ده درصد از نمایندگان مجلس ملی رسمیت می‌یابد، و مجلس ملی، فرد مربوطه را استیضاح خواهد نمود.

بند ۱) فرد استیضاح شده موظف است ظرف مدت یک هفته در مجلس حاضر شده و به سوالات نمایندگان پاسخ دهد.

بند ۲) پس از دفاع فرد استیضاح شده از خود، برکناری آن عضو کابینه به رای گذاشته می شود، و مجددا در مورد انتصاب مجدد وی، رای گیری خواهد شد، و چنانچه بیش از نیمی از نمایندگان مجلس ملی به وی رای مثبت بدهند، وی به سمت قبلی منصوب خواهد شد.

اصل ۱۵۹) نخست‌وزیر در مقابل مجلس ملی، هم در مقابل اقدامات خود و هم در مقابل اقدامات اعضای کابینه، پاسخگو و مسوول می‌باشد.

بند ۱) مجلس ملی، می‌تواند نخست وزیر را به هر دلیلی که صلاح می‌داند (از جمله عدم کفایت، فساد، و یا ناتوانی) برکنار سازد.

بند ۲) طرح استیضاح نخست‌وزیر، تنها با امضا و حمایت اولیه حداقل سی درصد از نمایندگان مجلس ملی قابل طرح در صحن مجلس ملی است.

بند ۳) نخست وزیر موظف است ظرف مدت یک هفته در مجلس حاضر شده و به سوالات نمایندگان پاسخ دهد.

بند ۴) پس از دفاع نخست وزیر از خود، طرح عزل نخست وزیر به رای گذاشته می شود. طرح برکناری نخست وزیر، تنها با رای مثبت حداقل دو سوم از نمایندگان مجلس ملی، تصویب خواهد شد.



بند ۵) در صورت برکناری نخست‌وزیر، و از آنجایی که وی دیگر عضو مجلس ملی نیست، اجازه نامزدی دوباره برای سمت نخست‌وزیری را نخواهد داشت.

بند ۶) در صورت برکناری نخست‌وزیر، مجدداً دیگر نمایندگان مجلس ملی می‌توانند ظرف مدت ده روز به ریاست‌کشور مراجعه کرده و خود را نامزد سمت نخست‌وزیری کنند.

تبصره ۱) مراحل رای‌گیری و انتخاب نخست‌وزیر جدید، به مانند روند انتخاب نخست‌وزیر در ابتدای دوره مجلس ملی است.

تبصره ۲) تا زمان انتخاب نخست‌وزیر جدید، معاون نخست‌وزیر پیشین، وظایف نخست‌وزیر را بر عهده خواهد داشت.

اصل ۱۶۰) مجلس ملی با رای مثبت حداقل نیمی از نمایندگان، می‌تواند مصونیت قانونی نخست‌وزیر را لغو نماید.

اصل ۱۶۱) در محل هر وزارت‌خانه، کارگروه نظارتی ویژه آن وزارت‌خانه تشکیل می‌گردد.

بند ۱) وظیفه کارگروه ویژه هر وزارت‌خانه، نظارت بر کار آن وزارت‌خانه و تهیه گزارش هفتگی برای مجلس ملی، مجلس سنا، ریاست‌کشور و نخست‌وزیر می‌باشد.

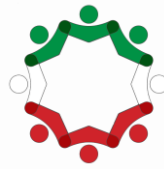
بند ۲) کارگروه ویژه وزارت‌خانه از افراد زیر تشکیل می‌شود:

- ۱) یک نماینده از سوی ریاست‌کشور (که رئیس کارگروه محسوب خواهد شد)،
- ۲) دو نماینده از سوی نخست‌وزیر،
- ۳) چهار نماینده از سوی مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیستند)،
- ۴) دو نماینده از سوی مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیستند)،
- ۵) آخرین فردی که قبل از وزیر کنونی، سمت وزارت را بر عهده داشته است.
- ۶) معاون پارلمانی آن وزارت‌خانه،

اصل ۱۶۲) در صورت عدم هماهنگی بین کابینه و یک حکومت محلی، نخست‌وزیر پس از تصویب کابینه، می‌تواند درخواست برگزاری انتخابات پیش از موعد برای انتخاب فرماندار جدید در یک شهرستان خاص را به «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» ارسال نماید؛ و کمیته مذکور موظف است تا ظرف مدت یک ماه، برای انتخاب فرماندار جدید، انتخابات را برگزار نماید.

کومت محلی – فرمانداری‌ها:

اصل ۱۶۳) در هر شهرستان، در طی انتخابات دوره‌ای، فرماندار آن شهرستان برای مدت چهار سال برگزیده می‌شود. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۱، در ضمیمه]



بند ۱) فرماندار، سیاست توسعه هر شهرستان در چارچوب سیاست‌های کلان کشور (تهیه شده توسط کابینه) را تعیین و اجرا می‌نماید.

بند ۲) داوطلبین نامزدی، می‌بایست شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱) حداقل سن بیست سال،
- ۲) داشتن تابعیت ایران در طی پنج سال گذشته،
- ۳) سکونت در شهرستان در یک سال گذشته،
- ۴) حداقل تحصیلات کارشناسی،
- ۵) فاقد سو پیشینه کیفری در دادگاه صالحه در ایران،
- ۶) تعهد کتبی مبنی بر رفتار شرافتمندانه در طی انتخابات و در صورت برنده شدن،
- ۷) حمایت حداقل یک‌هزار شهروند ایران از نامزدی فرد داوطلب،

اصل ۱۶۴) برای انتخاب فرماندار، هر نامزدی که بیشتری رای را کسب نماید، برنده انتخابات خواهد بود، مشروط بر اینکه آرای وی، بیش از سی و پنج درصد از آرای باشد که به صندوق ریخته شده است، و حداقل ده درصد از رقبی که بعد از وی، بیشترین آرا کسب نموده، بیشتر باشد.

تبصره ۱) در صورتی که هیچ یک از نامزدان، شرایط فوق را کسب نکنند، آنگاه انتخابات به مرحله دوم کشیده خواهد شد، و تنها دو نامزدی که بیشتری رای را کسب نموده باشند، در انتخابات مرحله دوم حضور خواهند یافت و شخصی که بیشتری رای را کسب نماید، برنده انتخابات خواهد بود.

اصل ۱۶۵) حکومت محلی متشکل از مجلس محلی، ادارات محلی وزارتخانه‌های گوناگون، و اداره پلیس شهرستان است.

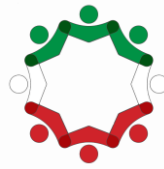
بند ۱) فرماندار هر شهرستان، ریاست حکومت محلی در آن شهرستان است.

بند ۲) هر فرماندار، ظرف دو هفته پس از انتصاب به مقام فرمانداری، موظف است تا یک نفر را نامزد سمت معاونت فرمانداری نماید.

تبصره ۱) انتصاب آن نامزد به سمت معاونت فرماندار، مشروط به رای اعتماد اعضای مجلس محلی می‌باشد.

تبصره ۲) فرماندار مجاز است تا معاون خود را عزل کرده و شخص جدیدی را به عنوان نامزد، به مجلس محلی معرفی نماید.

اصل ۱۶۶) باشندگان ایران در هر شهرستان، محق هستند تا به نحو برابری به امکانات کشور، دسترسی داشته باشند. این امکانات شامل خدمات آموزشی، خدمات درمانی و حقوق بیکاری و مزایای حکومتی است.



بند ۱) حکومت محلی موظف است تا از دسترسی باشندگان ایران در آن شهرستان به امکانات به صورت برابر با دیگر نقاط کشور، اطمینان حاصل نماید.

بند ۲) کابینه موظف است به نحوی منابع کشور را اختصاص دهد که حکومت‌های محلی بتواند به این هدف دست یابند.

اصل ۱۶۷) به استثنای وزارت دفاع و وزارت خارجه، هر وزارتخانه، در هر استان یک اداره کل خواهد داشت.

بند ۱) اداره کل هر استان، موظف است در حوزه هر شهرستان، یک اداره محلی تشکیل دهد.

بند ۲) ادارات محلی به صورت مشترک زیر مجموعه حکومت محلی و اداره کل استان وزارتخانه مربوطه می‌باشند.

بند ۳) بودجه هر اداره محلی را وزارتخانه تامین می‌نماید.

بند ۴) فرماندار به نمایندگی از مردم شهرستان، در تعیین روسای تمامی ادارات محلی نقش ایفا می‌کند.

تبصره ۱) فرماندار مجاز است تا نامزد مورد نظر خود برای ریاست بر هر اداره محلی، به مدیر کل استان، معرفی نماید.

تبصره ۲) مدیر کل استان در پذیرش آن فرد به عنوان رئیس اداره محلی، مختار می‌باشد.

بند ۵) اگر پس از مدت ده روز و یا بعد از معرفی سه نامزد (هر کدام زودتر اتفاق افتد)، فرماندار و مدیرکل استانی یک وزارتخانه برای انتخاب رئیس یک اداره به توافق نرسند، آنگاه انتخاب آن رئیس به وزیر مربوطه در کابینه واگذار می‌گردد؛ وزیر، یک نفر را نامزد ریاست اداره مربوطه در شهرستان نموده و پس از تصویب نماینده مجلس ملی شهرستان (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان)، او را به سمت رئیس اداره محلی، منصوب می‌نماید.

بند ۶) در صورتی که ظرف مدت پنج روز، وزیر کابینه و نماینده مجلس ملی شهرستان (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان)، بر سر تعیین رئیس یک اداره به توافق نرسیدند، تعیین رئیس آن اداره، به شخص نخست‌وزیر واگذار خواهد شد؛ و نخست‌وزیر راسا رئیس یک اداره را تعیین خواهد نمود.

بند ۷) رئیس هر اداره محلی، موظف به تبعیت از فرماندار است.

تبصره ۱) مدیرکل استانی وزارتخانه مربوطه، مجاز به دخالت در تمامی امور اداره محلی شهرستان است،



تبصره ۲) در مواردی که بین فرماندار و مدیرکل استانی در خصوص اداره محلی، اختلاف نظر وجود داشته باشد، آنگاه نظر مدیرکل استانی مقدم بر نظر فرماندار است.

اصل ۱۶۸) اداره پلیس هر شهرستان زیر نظر فرماندار شهرستان فعالیت می‌کند.

بند ۱) پلیس، در هر استان یک نیروی پلیس استانی ایجاد خواهد نمود، که فرمانده آن نیروی استانی را فرمانده پلیس کشور تعیین خواهد کرد.

بند ۲) رئیس پلیس شهرستان‌ها توسط فرمانده استانی پلیس هر استان نامزد می‌شوند، و می‌بایست فرماندار با ریاست وی موافقت نماید.

بند ۳) در صورتی که فرماندار سه نامزد پیشنهادی فرمانده پلیس استان را رد نمود، آنگاه فرمانده پلیس کل کشور مجاز است راسا رئیس پلیس شهرستان را نامزد نماید.

تبصره ۱) نامزد معرفی شده می‌بایست به تصویب نماینده مجلس ملی آن شهرستان (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان) برسد.

بند ۴) چنانچه فرمانده پلیس و نماینده مجلس ملی شهرستان (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان) برای انتصاب ریاست پلیس شهرستان به توافق نرسند، آنگاه وزیر کشور به صورت مستقیم و راسا مجاز است ریاست پلیس شهرستان را منتصب نماید.

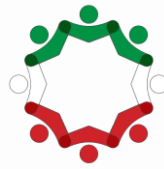
بند ۵) مجلس محلی حق تحقیق از عملکرد و نظارت بر فعالیتهای اداره پلیس شهرستان را دارد.

بند ۶) رئیس پلیس هر شهرستان، موظف به تبعیت از فرماندار است.
تبصره ۱) فرمانده پلیس استان مجاز به دخالت در تمامی امور اداره پلیس شهرستان است،

تبصره ۲) در مواردی که بین فرماندار و فرمانده پلیس استان اختلاف نظر باشد، آنگاه نظر فرمانده پلیس استان، مقدم است.

اصل ۱۶۹) وزارت اطلاعات و وزارت دفاع در هر شهرستان یک اداره محلی خواهند داشت.

بند ۱) مدیرکل استانی وزارت اطلاعات و مدیرکل استانی وزارت دفاع، نامزد مورد نظر خود را برای ریاست اداره محلی آن وزارتخانه در هر شهرستان تعیین می‌نماید.



بند ۲) نماینده آن شهرستان در مجلس ملی (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان)، می‌بایست ریاست آن نامزد را برای آن اداره تایید نمایند.

بند ۳) در صورتی که مدیرکل استانی و نماینده مجلس ملی شهرستان (یا نماینده آن حوزه انتخابیه در مجلس ملی، یا اکثریت نمایندگان مجلس ملی شهرستان) به توافق نرسیدند، آنگاه وزیر مربوطه (وزیر دفاع یا اطلاعات) مجاز هستند تا شخصا و پس از تایید نخست‌وزیر، رئیس اداره محلی برای وزارتخانه متبوع خود برای آن شهرستان خاص را تعیین نماید.

بند ۴) روسای دو اداره محلی وزارت دفاع و وزارت اطلاعات، با همگانی با شخص فرماندار فعالیت می‌کنند؛ لیکن این اشخاص تنها به استاندار (به نمایندگی از مردم آن شهرستان) و مدیرکل استانی وزارت متبوع خود پاسخگو می‌باشد.

بند ۵) در مواردی که بین استاندار و مدیرکل استانی این وزارتخانه اختلاف نظر باشد، نظر مدیرکل استانی مقدم است.

بند ۶) استاندار که با رای غیرمستقیم مردم استان انتخاب می‌شود، بر عملکرد اداره‌های محلی وزارتخانه‌های دفاع و اطلاعات در سطح استان، نظارت ویژه و دائمی دارد.

اصل ۱۷۰) فرمانداری‌ها موظف هستند تا با برگزاری انتخابات دوره‌ای در هر دهستان، شورای دهستان تشکیل دهند. وظیفه این شورا، یاری رساندن به مجلس محلی و فرمانداری در جهت اداره امور روستا می‌باشد.

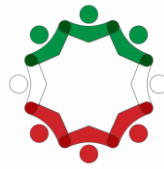
استاندار:

اصل ۱۷۱) شورای استانداری، استاندار را بر می‌گزیند. افراد زیر در حوزه آن استان، عضو شورای استانداری می‌باشند:

- ۱) نمایندگان مجلس ملی که در آن استان برگزیده شده‌اند،
- ۲) نمایندگان مجلس محلی که در آن استان برگزیده شده‌اند.
- ۳) فرمانداران شهرستان‌های آن استان.

اصل ۱۷۲) استاندار، که به صورت غیر مستقیم توسط مردم شهرستان‌های گوناگون استان برگزیده می‌شود، وظایف زیر را دارد:

- ۱) استاندار، رابط بین حکومت محلی استان و نخست‌وزیر می‌باشد،
- ۲) استاندار، رابط بین حکومت محلی استان و وزارت امور خارجه می‌باشد،
- ۳) استاندار، بر عملکرد اداره‌های محلی وزارت اطلاعات و وزارت دفاع در شهرستان‌های استان نظارت دائمی دارد،



۴) استاندار، وظیفه ایجاد هماهنگی بین فرمانداری‌های شهرستان‌های گوناگون در استان را بر عهده دارد،

۵) استاندار، وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم با استانداری‌های دیگر را بر عهده دارد،

انجمن عالی فرمانداران کشور:

اصل ۱۷۳)

وظایف انجمن عالی فرمانداران کشور به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) ایجاد هماهنگی بین فرمانداران کشور،
- ۲) ایجاد استاندادهای یکسان در اداره کشور،
- ۳) بهره‌جویی فرمانداری‌های گوناگون از تجربیات یکدیگر،
- ۴) ارسال لایحه به مجلس ملی در صورت لزوم.

اصل ۱۷۴)

تمامی فرمانداران کشور، عضو «انجمن عالی فرمانداران کشور» می‌باشند.

بند ۱) هیات مدیره و ریاست انجمن عالی فرمانداران کشور در طی انتخابات، و از میان اعضای این انجمن برگزیده می‌شوند.

بند ۲) آیین‌نامه داخلی این انجمن توسط دیوان قانون اساسی تدوین شده و یا تغییر خواهد یافت.

بند ۳) انجمن عالی فرمانداران کشور، می‌تواند به صورت مکاتبه‌ای (و غیرحضور) در امور گوناگون، رای‌گیری نمایند.

قوه قضاییه:

اصل ۱۷۵)

قوه قضاییه وظیفه دادگری در ایران را بر عهده دارد.

اصل ۱۷۶)

هیچ دادگاهی در ایران نباید ایجاد شود مگر بر اساس قانون اساسی و یا قانون مصوب مجلس ملی.

اصل ۱۷۷)

تمامی قضات کشور عضو یک نهاد مستقل و غیردولتی با نام انجمن ملی قضات می‌باشند.

بند ۱) آیین‌نامه تشکیل و نحوه فعالیت این انجمن توسط شورای عالی قضایی تدوین می‌گردد.

بند ۲) قضات عضو، می‌توانند به صورت مکتوب (و غیر حضوری) در رای‌گیری‌های این نهاد، شرکت کنند.



بند ۳) تمامی نمایندگان انجمن ملی قضاات در نهادهای مختلف کشور، تنها با رای مستقیم اعضای این انجمن برگزیده می‌شوند.

بند ۴) این یک نهاد غیر دولتی و مستقل است، لیکن بودجه آن توسط شورای عالی قضایی تعیین شده و کابینه موظف است تا آن بودجه را از خزانه کشور پرداخت نماید.

اصل ۱۷۸) قوه قضاییه، یک قوه کاملاً مستقل است بر اساس قوانین کشور فعالیت می‌کند.

بند ۱) قوه قضاییه توسط شورای عالی قضایی اداره می‌شود که در آن هفده دادگر حضور دارند.

بند ۲) مجلس سنا، از میان دادگران منصوب شده، یک نفر را به عنوان ریاست قوه قضاییه به مدت سه سال بر می‌گزیند.

بند ۳) اعضای شورای عالی قضایی (دادگران)، حقوقدان‌هایی هستند که به شکل زیر انتخاب می‌شوند:

- ۱) ده دادگر توسط انجمن ملی قضاات دادگستری، [ن.ک. به نکته شماره: ۲۸، در ضمیمه]
- ۲) یک دادگر توسط ریاست کشور،
- ۳) یک دادگر توسط نخست‌وزیر وقت،
- ۴) دو دادگر توسط مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نمی‌باشند)،
- ۵) یک دادگر توسط مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نمی‌باشد)،
- ۶) دو دادگر توسط کانون وکلای دادگستری،
- ۷) یک دادگر به انتخاب انجمن عالی فرمانداران کشور،

اصل ۱۷۹) تا زمانی که یک دادگر، کرسی خود را به علت مرگ، استعفا یا بیماری ترک نکند، او در سمت خود باقی می‌ماند و هیچ کسی حق جابه جایی یا عزل او را ندارد.

تبصره ۱) در صورت مرگ، استعفا، مرگ، و یا عزل یک دادگر، نهاد انتخاب کننده آن دادگر، فرد جدیدی را جایگزین خواهد نمود.

تبصره ۲) دیوان قانون اساسی تنها نهادی است که پس از ارجاع پرونده تخلف یک دادگر، مجاز است تا یک دادگر را عزل نماید.

اصل ۱۸۰) تنها شورای عالی قضایی حق دارد قضاات دادگاه‌های مختلف را انتخاب نماید.

بند ۱) پس از انتخاب قضاات توسط شورای عالی قضایی و مراسم سوگند، حکم انتصاب آنها توسط ریاست کشور صادر می‌گردد.



بند ۲) قضات دیوان قانون اساسی به شیوه دیگری که در این قانون اساسی مشخص شده، منصوب می‌شوند.

اصل ۱۸۱) دادگران شورای عالی قضایی و همچنین قضات دادگاه‌های ایران از مصونیت قانونی برخوردار هستند.

بند ۱) هیچ نهاد و یا شخصی حق تنزیل سمت یا عزل قضات را ندارد، مگر دادگاه انتظامی قضات.

بند ۲) تنها دادگاه انتظامی قضات می‌تواند یک قاضی را به دلیل تخلف از قانون یا آیین‌نامه‌های مربوطه، عزل کرده و یا مصونیت قانونی او را لغو نماید.

بند ۳) یک قاضی می‌تواند راسا مصونیت قانونی خود را لغو نماید.

بند ۴) قضات تا زمانی که از نظر جسمی امکان ادامه شغل خود را داشته باشند، بنا به خواسته خود، می‌توانند در مسند قضاوت باقی بمانند.

اصل ۱۸۲) تمامی دادگاه‌ها در ایران به صورت مستقل و بی‌طرف (نسبت به طرفین پرونده) عمل می‌کنند.

بند ۱) در دادگاه‌های کیفری، وظیفه بررسی یک جرم، جمع آوری شواهد و مدارک، و تشکیل پرونده بر عهده دادستان و پلیس بر اساس قوانین کشوری می‌باشد؛

اصل ۱۸۳) تنها نهادی که می‌تواند به بررسی عملکرد دادگران شورای عالی قضایی بپردازد، مجلس سنا و سپس دیوان قانون اساسی است.

بند ۱) مجلس سنا مجاز نیست که راسا برای بررسی عملکرد یک دادگر پیش‌قدم شود.

بند ۲) تنها ریاست کشور، نخست‌وزیر و یا مجلس ملی می‌توانند از مجلس سنا تقاضا کنند که در مورد عملکرد یک یا چند دادگر، به بررسی بپردازند.

بند ۳) چنانچه مجلس سنا عملکرد یک یا چند دادگر را تخلف تشخیص دهند، آنگاه مجاز است تا پرونده آن دادگر (یا دادگران) را در قالب یک شکایت‌نامه، جهت بررسی به دیوان قانون اساسی ارسال نماید.

بند ۴) دیوان قانون اساسی پس از دریافت شکایت، به بررسی نهایی پرداخته و چنانچه آن دادگر (یا دادگران) را متخلف تشخیص دهد، او را برکنار می‌نماید و یا مصونیت قانونی وی را لغو می‌کند.

بند ۵) در صورت برکناری یک دادگر (یا دادگران)، نهاد انتخاب کننده آن دادگر می‌باید یک دادگر جدید را جایگزین نماید.



اصل ۱۸۴

دادگاه‌ها در ایران با استقلال کامل عمل می‌کنند.

بند ۱) تمامی دادگاه‌ها به جز دادگاه ویژه کودکان و دادگاه خانواده می‌بایست به صورت علنی برگزار شده، و رسانه‌ها، امکان پخش مستقیم آنرا داشته باشند.

بند ۲) قاضی پرونده تنها در صورتی می‌تواند یک دادگاه را غیرعلنی اعلام کند که حقوق یک شهروند در معرض خطر قرار گیرد یا امنیت ملی به خطر بیفتد؛ شرح آنرا قانون مشخص خواهد نمود.

بند ۳) قضات موظفند در تمامی احکام خود، لیست شواهد و مدارک موجود در پرونده و گردش کار پرونده را ذکر کرده، و دلایل خود را برای صدور حکم نیز بیان کنند.

بند ۴) تمامی احکام دادگاه‌های ایران (به جز احکام دادگاه ویژه کودکان و دادگاه خانواده) می‌بایست در دسترس عموم قرار داده شود.

بند ۵) قضات هنگام اداره دادگاه و در صدور حکم می‌بایست کاملاً مستقل عمل کنند؛ عقاید و جهان‌بینی شخصی خود را در صدور رای دخالت ندهند؛ و تنها بر اساس قانون و شواهد موجود در پرونده، حکم صادر نمایند.

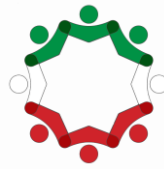
بند ۶) اعمال نفوذ در کار قوه قضاییه یا قضات به هر شکلی (تهدید یا تطمیع) از سوی هر شخص یا نهادی، مطلقاً ممنوع می‌باشد.

اصل ۱۸۵) افراد زیر قبل از آغاز به کار و قبول مسوولیت، موظف هستند تا تعهد کتبی خود را به شورای عالی قضایی ارسال کرده و تایید نمایند که هیچگاه در کار قوه قضاییه یا قضات، اعمال نفوذ یا دخالت نخواهند نمود:

- ۱) ریاست کشور،
- ۲) نمایندگان مجلس ملی،
- ۳) نمایندگان مجلس سنا،
- ۴) نمایندگان مجلس محلی،
- ۵) فرمانده پلیس، و اعضای ستاد پلیس ایران،
- ۶) فرمانده ارتش، و اعضای ستاد نظارتی ارتش،
- ۷) اعضای کابینه.
- ۸) فرمانداران،
- ۹) استانداران.

اصل ۱۸۶) بنیاد خدمات حقوقی، نهادی است زیر مجموعه قوه قضاییه بوده و زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت می‌کند.

بند ۱) این نهاد موظف است از دسترسی باشندگان ایران به حق داشتن وکیل، اطمینان حاصل نماید.



بند ۲) وظیفه تامین حق الوکاله برای آن دسته از باشندگان ایران که توان پرداخت هزینه وکیل را ندارند، بر عهده این نهاد می‌باشد.

بند ۳) بودجه این نهاد، توسط شورای عالی قضایی تصویب شده، و از محل درآمد بنیاد ملی نیکوکاری و همچنین بودجه سالیانه کشور، تامین می‌گردد.

بند ۴) در صورتی که یکی از باشندگان ایران نیاز باشد در دادگاه حضور یابد (چه به عنوان متهم، خوانده یا خواهان)؛ و آن باشندده، توان پرداخت حق الوکاله را نداشته باشد، آنگاه این نهاد موظف است در پرونده‌هایی زیر، حق الوکاله را پرداخت نماید:

- ۱) تمامی پرونده‌های کیفری،
- ۲) پرونده‌های تقاضای پناهندگی،
- ۳) پرونده‌های مطروحه در دادگاه بازبینی قضایی، که در آن خواهان به شکلی جدی قربانی تبعیض شده باشد؛
- ۴) پرونده‌های مطروحه در دادگاه خانواده و در دادگاه کودکان،
- ۵) تمامی امور مربوط به ورشکستگی،
- ۶) آن دسته از پرونده‌های مدنی، که نتیجه دادگاه، منافع عمومی جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد،
- ۷) آن دسته از پرونده‌های مدنی که نبود وکیل و شکست در دادگاه، می‌تواند منجر به بی‌خانمانی یا گرسنگی آن فرد شود.

اصل ۱۸۲) دیوان وحدت رویه، متشکل از پنج قاضی به انتخاب شورای عالی قضایی منصوب می‌شوند، و وظیفه ایجاد وحدت رویه در آرای صادره و ارایه تفسیر از قوانین کشور را بر عهده دارند.

بند ۱) تمامی دادگاه‌های کشور مجاز هستند تا از این دیوان، تقاضای اظهار نظر نمایند.

بند ۲) تمامی آرای این دیوان می‌بایست در روزنامه رسمی کشور منتشر گردد.

اصل ۱۸۸) قوانین و مقررات تشکیل و اداره کانون وکلای دادگستری توسط شورای عالی قضایی تدوین می‌گردد و می‌بایست به تصویب مجلس ملی برسد.

اصل ۱۸۹) اعضای هیات منصفه از میان شهروندان فاقد سابقه کیفری، و به قید قرعه برگزیده می‌شوند؛ قانون تعداد اعضا و نحوه انتخاب و نحوه تعیین رای اکثریت هر هیات منصفه را مشخص خواهد نمود.



اصل ۱۹۰

انواع دادگاه‌ها در ایران به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱) دادگاه مدنی وظیفه رسیدگی به اختلافات مدنی باشندگان ایران، و امور مرتبط با ورشکستگی اشخاص حقیقی یا حقوقی را بر عهده دارند.
- ۲) دادگاه کیفری به جرایم کیفری رسیدگی می‌کند.
- ۳) دادگاه ویژه کودکان به کج‌روی کودکان رسیدگی می‌کند.
- ۴) دادگاه ویژه اختلالات ذهنی، که امور مرتبط با افراد دارای اختلالات ذهنی رسیدگی می‌کند،
- ۵) دادگاه خانواده به اختلافات، طلاق و مسایل مالی زوجها رسیدگی می‌کند.
- ۶) دادگاه نظامی به تخلفات نیروهای نظامی، انتظامی و یا امنیتی رسیدگی می‌کند، مشروط بر اینکه این تخلفات در زمان انجام وظیفه روی داده باشد، و یا فرد متخلف، در سمت مامور آن تخلف را مرتکب شده باشد، و یا اینکه برای انجام آن جرم، از مقام نظامی یا انتظامی خود بهره جسته باشد.
- ۷) دادگاه انتظامی قضات،
- ۸) دادگاه «بازبینی قضایی»،
- ۹) دادگاه تعادل،
- ۱۰) دادگاه انتخابات.
- ۱۱) دادگاه اقامت، که وظیفه بازبینی تصمیمات قوه مجریه در خصوص مهاجرین و پناهندگان را بر عهده دارد،
- ۱۲) دادگاه محیط زیست، که به تخلفات مرتبط با مسایل زیست محیط رسیدگی می‌کند،
- ۱۳) دادگاه کار، که به اختلافات بین کارفرما و کارگران رسیدگی می‌کند.

اصل ۱۹۱

رای دادگاه‌های مدنی برای پرونده‌های مهم، با حضور هیات منصفه صادر خواهد شد؛ قانون معین می‌کند که چه در خصوص چه پرونده‌هایی، رای می‌باید با حضور هیات منصفه صادر شود.

اصل ۱۹۲

دادگاه انتظامی قضات به شکایاتی که علیه قضات یا یکی از دادستان‌های کشور طرح شده، رسیدگی می‌نماید.

بند ۱

تنها دادستان ویژه استان و یا دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات، اجازه طرح شکایت کیفری علیه یک قاضی یا دادستان را دارند.

بند ۲

دادستان ویژه استان و یا دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات مجاز هستند بر اساس پرونده‌هایی که به آنها ارجاع می‌شود، و یا راسا (در صورت مشاهده تخلف)، نسبت به اقامه دعوی در دادگاه انتظامی قضات اقدام نمایند.

بند ۳

در صورتی که یکی از باشندگان ایران، از یک قاضی یا دادستان شکایتی داشته باشد، می‌بایست شکایت خود را رسماً به آگاهی دادستان ویژه استان برساند. دادستان ویژه استان موظف است پس از بررسی، به صورت کتبی به شاکی پاسخ دهد.

تبصره ۱) چنانچه دادستان ویژه استان از اقامه دعوی در دادگاه انتظامی قضات سر باز زند، آنگاه شاکی مجاز است تا به دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات مراجعه نماید، و شکایت خود را ثبت کند.



بند ۴) دادگاه انتظامی قضات با حضور هیات منصفه و الزاما به صورت علنی برگزار می‌گردد.

بند ۵) مرجع تجدید نظر درباره حکم دادگاه انتظامی قضات، دیوان قانون اساسی است.

اصل ۱۹۳) دادگاه‌های تعادل، که به اختلافات بین حکومت‌های محلی، ادارات محلی، استانداری‌ها، وزارت‌خانه‌های گوناگون رسیدگی می‌نماید.

بند ۱) دادگاه تعادل، متشکل از پنج قاضی بوده، و رای آن غیر قابل تجدید نظر است

بند ۲) شعب دادگاه تعادل مجاز هستند تا به جای صدور رای در مورد یک پرونده، آن پرونده را راسا به دیوان قانون اساسی ارسال نماید.

اصل ۱۹۴) دادگاه‌های «بازبینی قضایی»، به اعتراض آن دسته از باشندگان ایران رسیدگی می‌کند که به تصمیم یکی از نهادهای حکومتی معترض بوده و معتقد هستند آن نهاد مطابق با آیین‌نامه‌ها و یا قوانین موجود عمل نکرده‌اند. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۰، در ضمیمه]

بند ۱) دادگاه «بازبینی قضایی»، یک دادگاه تجدید نظر نیست، و احکام صادره از دیگر دادگاه‌ها را نمی‌توان در دادگاه «بازبینی قضایی» مطرح نمود.

بند ۲) شعب دادگاه «بازبینی قضایی»، مجاز هستند تا به جای صدور رای در مورد یک پرونده، آن پرونده را راسا به دیوان قانون اساسی ارسال نماید.

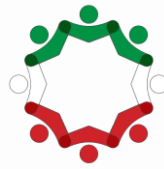
اصل ۱۹۵) دادگاه‌های انتخابات، به اختلافات بین احزاب، نامزدها و نهادهای اجرایی انتخابات (از جمله نظرات کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت)، در امور مرتبط با انتخابات (در طی دوره تبلیغات و در طی برگزاری انتخابات) رسیدگی می‌نماید.

بند ۱) شعبه‌های دادگاه انتخابات، متشکل از پنج قاضی می‌باشد.

بند ۲) مرجع تجدید نظر درباره حکم دادگاه انتخابات، دیوان قانون اساسی است.

بند ۳) پس از صدور رای، طرفین حاضر در دادگاه انتخابات، می‌توانند از شورای عالی قضایی تقاضا کنند تا اجازه تجدید نظر درباره حکم صادره را صادر نماید. تنها به شرط صدور چنین مجوزی است که آن پرونده در دیوان قانون اساسی، مطرح خواهد شد.

بند ۴) به تمامی جرائمی که مرتبط به انتخابات است، به مانند دیگر جرائم، در دادگاه کیفری رسیدگی می‌شود.



بند ۵) دادگاه انتخابات مجاز است تا به جای صدور رای در مورد یک پرونده، آن پرونده را راسا به دیوان قانون اساسی ارسال نماید.

اصل ۱۹۶) شورای عالی قضایی وظیفه تدوین آیین دادرسی در دادگاههای مختلف را بر عهده دارد، که این آیین های دادرسی، میبایست به تصویب مجلس ملی برسد.

اصل ۱۹۷) احکام دادگاهها در ایران قطعی است، مگر اینکه دادگاه تجدید نظر، اجازه رسیدگی مجدد صادر نماید.

بند ۱) هر یک از طرفین، تنها در صورتی می توانند یک پرونده را در دادگاه تجدید نظر مطرح کرده و تقاضای رسیدگی مجدد کنند که خواهان، بتواند نشان دهد برای حکم صادره یکی از موارد زیر به وقوع پیوسته است:

- ۱) برداشت قاضی از مفاد پرونده در تناقض با شواهد و اسناد موجود در پرونده بوده است،
- ۲) در روند دادرسی، آیین نامه های مربوطه و یا یک قانون نقض شده است،
- ۳) صدور حکم بر اساس اسناد و شواهد دروغین بوده است،
- ۴) شواهدی که پس از صدور حکم دادگاه به دست آمده، نشان دهد که حکم دادگاه، ناقض عدالت بوده است؛ و خواننده نیز نمی توانسته این شواهد جدید را قبل از صدور حکم دادگاه، بدست آورد.
- ۵) با صدور حکم، عدالت به شکل جدی (به هر علتی) نقض شده است.

اصل ۱۹۸) پاسبان دادگستری، به صورت تخصصی وظیفه مبارزه با فساد در قوه قضاییه را بر عهده دارد.

بند ۱) پاسبانی دادگستری، نیروی نظامی یا انتظامی نبوده، و مستقیماً زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت می کند.

بند ۲) این نیروی تخصصی، مجاز است اقدامات قضات و کارکنان دادگاه ها را زیر نظر گرفته، و با اخذ مجوزهای قانونی، به تجسس پرداخته، و برای کشف و مبارزه با فساد اقدام کند،

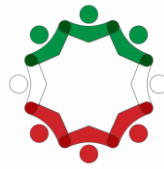
بند ۳) نیروهای فعال در این پاسبانی، مجاز به حمل اسلحه نبوده، و اجازه دستگیری هیچ شخصی را ندارند؛ این نیرو در صورت لزوم، نسبت به تشکیل پرونده نزد دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات، اقدام خواهد نمود.

شورای نگهبان عدالت:

اصل ۱۹۹) وظیفه شورای نگهبان عدالت، نظارت و اطمینان از سلامت دستگاه قضا در ایران می باشد..

بند ۱) شورای نگهبان عدالت از افراد زیر تشکیل می گردد:

- ۱) سه حقوق دان به نمایندگی از سوی مجلس ملی (که می توانند عضو مجلس ملی باشند)،
- ۲) دو حقوق دان به نمایندگی از سوی ریاست کشور،
- ۳) دو حقوق دان به نمایندگی از سوی مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نمی باشند)،
- ۴) سه حقوق دان به نمایندگی از سوی کابینه (که عضو کابینه نمی باشند)،
- ۵) شش حقوق دان به نمایندگی از سوی انجمن ملی قضات،
- ۶) دو حقوق دان به نمایندگی از سوی کانون وکلای دادگستری.



بند ۲) ریاست شورای نگهبان عدالت، که عضو این شورا نیز هست، توسط ریاست کشور تعیین می‌گردد.

بند ۳) هر سه سال یکبار، اعضای این شورا، از نو انتخاب می‌شوند؛ انتصاب افراد پیشین، بلامانع می‌باشد.

بند ۴) اعضای شورای عالی قضایی موظف هستند تا به صورت ماهیانه در جلسات شورای نگهبان عدالت حضور یافته، و به پرسشهای اعضای شورای نگهبان عدالت در خصوص عملکرد قوه قضاییه پاسخ دهد.

تبصره ۱) این جلسات می‌بایست برای پخش زنده در اختیار رسانه ها قرار گیرد.
تبصره ۲) تنها اکثریت شورای نگهبان عدالت مجازند تا یک یا چند جلسه را محرمانه اعلام نمایند.

بند ۵) شورای نگهبان عدالت مجاز نیست در خصوص احکام صادره توسط قضات یا دستوراتی که قضات در طی دادرسی صادر نموده و یا می‌نماید، دخالت نموده و یا پرسش طرح نماید.

بند ۶) شورای نگهبان عدالت مجاز است تا تنها از موارد زیر در قوه قضاییه بازرسی به عمل آورد:

- ۱) عملکرد دادگاه انتظامی قضات، چگونگی رسیدگی به تخلفات قضات، محتویات پرونده‌های مطروحه در دادگاه انتظامی قضات،
- ۲) در خصوص امور مالی قوه قضاییه،
- ۳) در خصوص امور مدیریتی قوه قضاییه، شیوه و نحوه توسعه این قوه،
- ۴) در خصوص سیر اداری یک پرونده در دادگاه، شامل چگونگی ثبت، بایگانی و یا نحوه واگذاری یک پرونده به یک شعبه از دادگاه، و همچنین نحوه تعیین زمان دادرسی.
- ۵) نحوه انتخاب و انتصاب قضات، و نحوه تنزیل یا ترقی آنها،

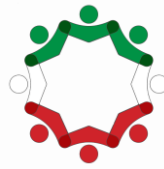
بند ۷) شورای نگهبان عدالت موظف است یک گزارش ماهیانه در مورد عملکرد قوه قضاییه ایران تهیه کرده و به اطلاع نمایندگان مجلس ملی و نمایندگان مجلس سنا برساند.

بند ۸) مجلس ملی مجاز است تا بر اساس گزارشات دریافتی از شورای نگهبان عدالت، چنانچه تخلفی مشاهده نمود، طی یک مصوبه از مجلس سنا بخواهد تا نسبت به عملکرد یک یا چند دادگر، به تحقیق و بررسی بپردازند.

دادستانی در ایران:

اصل ۲۰۰) تنها نهادها و اشخاص زیر مجاز به طرح دعوای کیفری در دادگاه‌ها می‌باشند:

- ۱) دادستان‌های شهرستان،
- ۲) دادستان‌های ویژه استانی،
- ۳) دادستان خصوصی،
- ۴) دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات،



(۵) دادستان‌های نظامی.

اصل ۲۰۱) نحوه انتخاب دادستان‌ها به شرح زیر است:

- ۱) آن دسته از وکلایی که آموزش‌های لازم را دیده باشند (بنا به تایید کانون وکلا) می‌توانند به عنوان «دادستانِ خصوصی» نیز فعالیت نمایند. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۹، در ضمیمه]
- ۲) دادستان شهرستان با برگزاری انتخابات با رای مستقیم مردم آن شهرستان برگزیده می‌شود.
- ۳) دادستان‌های نظامی توسط وزیر دفاع، از میان دادستان‌های خصوصی برگزیده می‌شوند،
- ۴) انجمن ملی قضات، یک دادستان ویژه دادگاه انتظامی قضات را برای هر استان خواهند گزید،
- ۵) دادستان ویژه استان، توسط شورای عالی قضایی برگزیده می‌شود،

اصل ۲۰۲) دادستان کل ایران توسط شورای عالی قضایی انتخاب خواهد شد. وی مسوولیت هماهنگی بین تمامی دادستان‌های ایران را بر عهده دارد.

اصل ۲۰۳) چنانچه در هر نقطه ای از ایران جرمی صورت بگیرد ولی دادستان شهرستان به هر دلیلی حاضر به اعلام جرم علیه متهم نباشد، دادستان ویژه استان یا دستیاران او می‌تواند راسا علیه متهم اعلام جرم نمایند.

تبصره ۱) دادستان ویژه هر استان و دستیاران او می‌توانند در هر نقطه ای از استان، دفتر محلی خود را دائر نمایند.

اصل ۲۰۴) دادستان خصوصی به شرطی مجاز به طرح دعوی کیفری است، که احتمال محکومیت متهم، وجود داشته باشد.

اصل ۲۰۵) دادستان ویژه استان می‌تواند هر پرونده‌ای که توسط دادستان شهرستان و یا دادستان خصوصی آغاز کرده‌اند را متوقف نمایند، یا اینکه آنها از پرونده خلعید نموده و خود ادامه پرونده را بر عهده بگیرند.

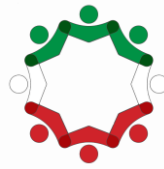
اصل ۲۰۶) هر یک از باشندگان ایران برای طرح دعاوی کیفری می‌تواند به به پلیس مراجعه نماید، همچنین می‌تواند راسا دادستان خصوصی استخدام کند.

اصل ۲۰۷) وظیفه رسیدگی به تخلفات دادستان‌ها، بر عهده دادگاه انتظامی قضات است، و این دادگاه می‌تواند یک دادستان و یا دستیاران او را برکنار نمایند و پرونده تخلف او را بررسی نماید.

اصل ۲۰۸) در هر شهرستان، در طی انتخابات دوره‌ای، دادستان آن شهرستان برای مدت چهار سال برگزیده می‌شود.

بند ۱) افراد داوطلب برای نامزدی برای سمت دادستانی، می‌بایست وکیل دادگستری بوده و عنوان «دادستانِ خصوصی» داشته باشند،

بند ۲) حداقل بیست و پنج سال سن داشته باشند.



بند ۳) دادستان هر شهرستان، می تواند از بین «دادستان‌های خصوصی» دستیارانی را برای خود برگزیند. این دستیاران، زیر نظر دادستان شهرستان فعالیت نموده و به وی پاسخگو هستند.

بند ۴) دادستان شهرستان و دستیاران او موظف به تبعیت از آیین دادرسی می‌باشند.

دیوان قانون اساسی:

اصل ۲۰۹) دیوان قانون اساسی بالاترین دادگاه کشور ایران است. این دادگاه، وظیفه ارایه تفسیر نهایی از قانون اساسی را بر عهده دارد. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۳، در ضمیمه]

اصل ۲۱۰) اعضای دیوان قانون اساسی، قانونبان خوانده می‌شوند، و تعداد آنها نوزده نفر می‌باشد، و به شکل زیر برگزیده می‌شوند:

- ۱) شش قانونبان به نمایندگی از شورای عالی قضایی،
- ۲) دو قانونبان به نمایندگی از ریاست کشور،
- ۳) سه قانونبان به نمایندگی از مجلس ملی و با تصویب اکثریت مجلس،
- ۴) دو قانونبان به نمایندگی از مجلس سنا و با تصویب اکثریت مجلس،
- ۵) یک قانونبان به نمایندگی از نخست‌وزیر،
- ۶) سه قانونبان به نمایندگی از سوی انجمن ملی قضا،
- ۷) دو قانونبان به نمایندگی از کانون وکلا.

اصل ۲۱۱) اعضای دیوان قانون اساسی یک نفر را از میان خود به عنوان ریاست دیوان قانون اساسی بر می‌گزینند.
تبصره ۱) آیین‌نامه دیوان قانون اساسی توسط دیوان قانون اساسی تدوین می‌گردد، و می‌بایست به تصویب مجلس سنا برسد.

تبصره ۲) رئیس دیوان قانون اساسی، مدیریت دادگاه را بر عهده دارد، و هر چند نظرات خود را در جلسات بیان می‌کند، لیکن در هنگام صدور حکم، وی حق رای ندارد.
تبصره ۳) نشست رسمی دیوان قانون اساسی با حضور حداقل سیزده تن از اعضا برگزار می‌گردد.

اصل ۲۱۲) هر شش سال یکبار، تمامی قضات قانونبان، از نو تعیین می‌شوند.
تبصره ۱) انتصاب مجدد قانونبان قبلی، مجاز می‌باشد.

اصل ۲۱۳) قضات قانونبان، موظف هستند تا به مانند دیگر شهروندان، در انتخابات رای خود را به صندوق بیاندازند، اما حق موضع‌گیری سیاسی و یا فعالیت سیاسی و یا دفاع از یک حزب یا نامزد را ندارند.



اصل ۲۱۴

دیوان قانون اساسی نمی‌تواند پرونده‌ای را به خود ارجاع دهند، و تنها به موارد زیر رسیدگی می‌کنند:

- ۱) درخواست ریاست کشور یا مجلس سنا برای لغو یا تعلیق یک مصوبه مجلس ملی،
- ۲) درخواست مجلس سنا برای رسیدگی به تخلف یک یا چند دادگر عضو شورای عالی قضایی،
- ۳) درخواست مجلس سنا برای رسیدگی به آیین‌نامه یکی از نهادهای حکومتی که مجلس سنا آنرا در تضاد با قانون اساسی یافته است،
- ۴) درخواست شورای عالی قضایی برای بازبینی قانونی که آنرا مخالف با قانون اساسی می‌داند.
- ۵) درخواست شورای عالی قضایی برای بازبینی یک حکم صادره از دادگاه‌های کشور،
- ۶) درخواست دیوان وحدت رویه برای ارایه تفسیر از قانون اساسی یا قوانین جاری کشور.
- ۷) بررسی درخواست نخست‌وزیر یا دادستان کل برای ایجاد محدودیت در خصوص آزادی بیان یکی از شهروندان یا رسانه‌ها در یک مورد خاص (در صورتی که آن شخص امنیت ملی یا منافع اجتماع را با خطر مواجه نموده باشد).
- ۸) درخواست مجلس سنا برای غیرقانونی اعلام نمودن یک حزب.
- ۹) درخواست دادگاه تعادل، دادگاه انتخابات، یا دادگاه «بازبینی قضایی» برای رسیدگی به یک پرونده.

اصل ۲۱۵

چنانچه نخست‌وزیر، یا ریاست کشور یا پنج تن از نمایندگان مجلس ملی، یا سه تن از نمایندگان مجلس سنا از دیوان قانون اساسی بخواهند تا حکم صادره در یکی از دادگاه‌های کشور را مورد بازبینی قرار دهد، آنگاه دیوان قانون اساسی مجاز است تا پس از بررسی حکم صادره، و چنانچه عدالت را در خطر ببیند، آن حکم را لغو نموده و دستور به برگزاری مجدد دادگاه دهد.

اصل ۲۱۶

قضات قانونبان، بر اساس حجم پرونده‌های دریافتی، مجاز به تقسیم کار و ایجاد شعبه‌های تخصصی می‌باشند.

بند ۱

آرای دیوان قانون اساسی با حضور حداقل سه قانونبان، صادر خواهد شد.

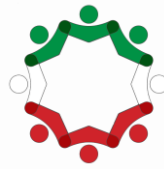
بند ۲

برای رسیدگی به پرونده‌های زیر، می‌بایست جلسه دادگاه با حضور اکثریت قضات قانونبان تشکیل شده، و رای دیوان نیز با نظر اکثریت قضات قانونبان صادر شود:

- ۱) رسیدگی به درخواست غیرقانونی اعلام نمودن یک حزب،
- ۲) رسیدگی به درخواست شورای عالی قضایی برای بررسی تناقض یک قانون موجود با قانون اساسی،
- ۳) درخواست ریاست کشور یا مجلس سنا برای تعلیق یک مصوبه مجلس ملی،
- ۴) درخواست مجلس سنا برای رسیدگی به تخلف یک یا چند دادگر عضو شورای عالی قضایی،

بند ۳

در صورتی که دیوان قانون اساسی قصد رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در بند فوق را دارد، می‌بایست حداقل سیزده تن از قضات قانونبان در نشست دادگاه حضور یافته و رای دهند.



اصل ۲۱۷) قضات قانونبان، از مصونیت قانونی برخوردار می‌باشند.

بند ۱) در صورتی که یکی از قضات قانونبان متهم به تخلفی شود، ریاست کشور یا نخست‌وزیر مجاز هستند تا از مجلس سنا بخواهند تا به آن تخلف رسیدگی نمایند، چنانچه اکثریت نمایندگان مجلس سنا وقوع تخلف را تایید نمودند، آنگاه پرونده تخلف آن قانونبان، به انجمن ملی قضات ارسال خواهد شد.

بند ۲) تنها در صورتی که مجلس سنا از اعضای انجمن ملی قضات درخواست نمایند، این انجمن به تخلف یک قانونبان، رسیدگی خواهد نمود.

بند ۳) اعضای انجمن ملی قضات، در یک رای‌گیری غیرحضوری، به صورت کتبی و علنی، در خصوص پرونده آن قانونبان متهم، اظهار نظر خواهند کرد؛ انجمن ملی قضات مجاز است تا آن قانونبان متهم را عزل کرده و یا مصونیت قانونی وی را لغو نماید.

ارتش ایران:

اصل ۲۱۸) ارتش ایران با استفاده از نیروهای نظامی متخصص ایجاد می‌گردد تا از مرزهای کشور ایران حراست و پاسداری نماید.

بند ۱) سربازی در ایران اجباری نمی‌باشد، لیکن در صورت وقوع جنگ و حسب تصویب مجلس ملی، نخست‌وزیر می‌تواند تمامی شهروندان را برای خدمت سربازی فرا بخواند.

اصل ۲۱۹) ارتش حق فعالیت سیاسی و یا حمایت از یک نامزد انتخابات یا حزب را ندارد.

اصل ۲۲۰) نخست‌وزیر می‌تواند یک نفر را نامزد سمت فرماندهی ارتش نماید، و پس از تایید مجلس ملی، او را به ریاست کشور معرفی کند. حکم انتصاب فرمانده ارتش توسط ریاست کشور صادر خواهد شد.

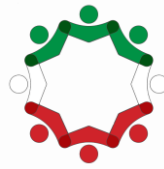
اصل ۲۲۱) وزیر دفاع، نماینده کابینه در ارتش می‌باشد،

بند ۱) وزیر دفاع بر تمامی فعالیت‌های ارتش نظارت می‌کند، و تمامی مقامات ارتش، می‌بایست پاسخگوی وزیر دفاع باشند و از وی تبعیت نمایند.

بند ۲) وزیر دفاع از اجرای سیاست‌های مد نظر کابینه در ارتش اطمینان حاصل می‌نماید.

بند ۳) وزیر دفاع پاسخگوی تمامی اقدامات ارتش نزد مجلس ملی است،

اصل ۲۲۲) ستاد نظارتی ارتش ایران بر کار وزیر دفاع، فرمانده ارتش و تمامی مقامات ارتش نظارت می‌کند.



بند ۱) ستاد نظارتی ارتش مجاز است تا تمامی مقامات ارتش (از جمله فرمانده کل ارتش) را راسا عزل نموده و درجه آنها را سلب نماید.

بند ۲) ستاد نظارتی ارتش مجاز است تا اختیارات وزیر دفاع را برای مدت دو هفته به حالت تعلیق درآورده، و راسا از مجلس ملی بخواهد تا ضمن بررسی عملکرد وزیر دفاع، از دوباره به وی رای اعتماد دهند.

بند ۳) ریاست ستاد نظارتی ارتش را ریاست کشور تعیین می‌کند، لیکن ریاست این ستاد، در جلسات و تصمیم‌گیری‌ها به صورت بی‌طرف عمل کرده و حق رای ندارد.

بند ۴) تنزیل و یا ارتقا درجه افسران ارتش توسط فرمانده ارتش پیشنهاد می‌گردد، لیکن ستاد نظارتی ارتش ایران می‌بایست این پیشنهادات را تصویب نماید.

بند ۵) نهادهای که اعضای ستاد نظارتی ارتش را انتخاب می‌کنند، مجاز هستند تا هر زمان که بخواهند، نماینده خود را جایگزین نمایند.

بند ۶) این ستاد از افراد زیر تشکیل می‌گردد:

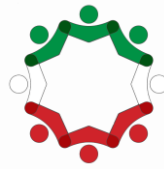
- ۱) دو نماینده از سوی نخست‌وزیر،
- ۲) دو نماینده از سوی شورای عالی قضایی (که عضو این شورا نیستند)،
- ۳) یک نماینده از سوی مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیست)،
- ۴) دو نماینده از سوی مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیست)،
- ۵) دو نماینده از سوی ریاست دیوان قانون اساسی (که قانونبان نیستند)،
- ۶) یک نماینده از کانون وکلای دادگستری،
- ۷) یک نماینده از انجمن ملی قضات،

اصل ۲۲۳) ریاست و اعضای ستاد نظارتی ارتش ملی از مصونیت قانونی برخوردار هستند.

بند ۱) هیچ یک از افراد ارتش یا پلیس یا وزارت اطلاعات حق دستگیری اعضای ستاد نظارتی ارتش ملی را ندارد.

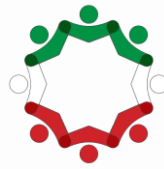
بند ۲) چنانچه یک نیروی پلیس، نیروی امنیتی یا ارتش، دستوری مبنی بر دستگیری یکی از اعضای این ستاد دریافت نمود، می‌بایست آن دستور را غیر قانونی تلقی کرده، و فوراً بدون توجه به مقام و یا درجه فرد دستور دهنده، وی را بازداشت نموده و در اختیار دادستان نظامی قرار دهد.

اصل ۲۲۴) ارتش ایران دارای دژبانی و دستگاه‌های نظارتی مستقل و مجزا از ستاد نظارتی ارتش است.



پلیس:

- اصل ۲۲۵)** پلیس ایران، مجری حفظ نظم و امنیت در کشور است، و زیر نظر وزیر کشور فعالیت می‌کند.
- تبصره ۱) وزیر کشور، نامزد مورد نظر خود برای فرماندهی پلیس کل کشور را تعیین می‌کند، لیکن نخست‌وزیر است که انتصاب آن فرد را تصویب خواهد نمود.
- اصل ۲۲۶)** وزیر کشور در مقابل مجلس ملی، پاسخگوی تمامی اعمال پلیس در اقصی نقاط کشور می‌باشد.
- اصل ۲۲۷)** فرمانده پلیس کشور، فرمانده پلیس در هر استان را تعیین می‌نماید.
- اصل ۲۲۸)** شورای عالی قضایی، برای هر اداره پلیس، یک ناظر حقوقی منصوب و مشخص خواهد نمود.
- بند ۱)** ناظر حقوقی، می‌تواند بر حسب گستردگی اداره تحت‌نظر خود، دستیارانی را از میان دادستان‌های خصوصی، برگزیند.
- بند ۲)** ناظر حقوقی و دستیاران وی، بر عملکرد پلیس نظارت کرده، و از اجرای آیین‌نامه‌ها و قوانین کشوری، اطمینان حاصل می‌نمایند، و تخلفات را به مراجع ذی ربط گزارش می‌نمایند.
- بند ۳)** ناظر حقوقی و دستیاران وی، وظیفه دارند تا از حفظ حقوق بشری متهمان دستگیر شده اطمینان حاصل نمایند.
- اصل ۲۲۹)** ستاد پلیس ایران بر کار فرمانده پلیس نظارت کرده، و مجاز است تا فرمانده پلیس و یا هر یک از اعضای پلیس را برکنار نماید.
- بند ۱)** ریاست ستاد پلیس ایران را ریاست کشور تعیین می‌کند، لیکن ریاست این ستاد، در جلسات و تصمیم‌گیری‌ها به صورت بی‌طرف عمل کرده و حق رای ندارد.
- بند ۲)** این ستاد از افراد زیر تشکیل می‌گردد:
- ۱) دو نماینده از سوی نخست‌وزیر،
 - ۲) دو نماینده از سوی شورای عالی قضایی (که عضو این شورا نیستند)،
 - ۳) یک نماینده از سوی مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیست)،
 - ۴) یک نماینده از سوی مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیست)،
 - ۵) دو نماینده از سوی ریاست دیوان قانون اساسی (که قانون‌بان نیستند)،
 - ۶) یک نماینده از کانون وکلای دادگستری،
 - ۷) یک نماینده از انجمن ملی قضا،
- اصل ۲۳۰)** اعضای ستاد پلیس از مصونیت قانونی برخوردار هستند.



بند ۱) هیچ یک از افراد ارتش یا پلیس یا وزارت اطلاعات حق دستگیری اعضای ستاد پلیس را ندارد.

بند ۲) چنانچه یک نیروی پلیس، نیروی امنیتی یا ارتش، دستوری مبنی بر دستگیری یکی از اعضای این ستاد دریافت نمود، می‌بایست آن دستور را غیر قانونی تلقی کرده، و فوراً فرد دستور دهنده را بدون توجه به درجه وی، بازداشت نموده و در اختیار دادستان نظامی قرار دهد.

بند ۳) هر یک از نهادهای انتخاب کننده مجاز است تا هر زمان که بخواهد، نماینده خود را در ستاد فوق، جایگزین نماید.

شورای عالی امنیت ملی:

اصل ۲۳۱) شورای عالی امنیت ملی، سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور را تدوین می‌کند. شورای عالی امنیت ملی ایران، با حضور افراد زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱) نماینده ریاست مجلس ملی (که در این شورا نماینده ناظر بوده و حق رای ندارد)،
- ۲) رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس (که در این شورا نماینده ناظر بوده و حق رای ندارد)،
- ۳) نماینده ریاست مجلس سنا (که در این شورا نماینده ناظر بوده و حق رای ندارد)،
- ۴) نماینده ریاست کشور (که در این شورا نماینده ناظر بوده و حق رای ندارد)،
- ۵) وزیر خارجه که در این شورا حق رای دارد،
- ۶) وزیر کشور که در این شورا حق رای دارد،
- ۷) وزیر اطلاعات که در این شورا حق رای دارد،
- ۸) رئیس پلیس که در این شورا حق رای دارد،
- ۹) فرمانده ارتش که در این شورا حق رای دارد،
- ۱۰) مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر که در این شورا حق رای دارد،
- ۱۱) نخست‌وزیر که در این شورا حق رای دارد.

اصل ۲۳۲) ریاست شورای عالی امنیت ملی با شخص نخست‌وزیر بوده و وی در مقابل مجلس در قبال عملکرد این شورا، مسؤول می‌باشد.

کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت:

اصل ۲۳۳) کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت، مسوولیت برگزاری انتخابات و همه‌پرسی را بر عهده دارد؛ همچنین وظیفه تایید سلامت برگزاری انتخابات و همه‌پرسی در ایران را بر عهده این کمیته می‌باشد.



بند ۱) وزارت کشور و تمامی نهادهای کشور، زیر نظر این کمیته، انتخابات و همه‌پرسی در ایران را برگزار خواهد نمود.

بند ۲) دستورات «کمیته برگزاری انتخابات و جا به جایی قدرت» در امور مرتبط با انتخابات، مقدم بر دستورات نخست‌وزیر، رییس پلیس، وزیر کشور و یا هر مقام حکومتی یبیدیگری است.

اصل ۲۳۴) «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» وظیفه تقسیم‌بندی هر شهرستان به پاره‌های گوناگون، برای انتخاب نمایندگان مجلس محلی، بر عهده دارد.

اصل ۲۳۵) «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» اعتبارنامه فرمانداران منتخب و همچنین نمایندگانی که به عضویت مجالس سه‌گانه درآمده را تایید می‌کند؛ چنانچه در برگزاری انتخابات در آن حوزه انتخابیه خللی بوده باشد، این کمیته مجاز است تا دستور به برگزاری مجدد انتخابات در آن حوزه را صادر نماید.

اصل ۲۳۶) «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» بر رابطه احزاب و «مقامات مشغول به خدمت» نظارت می‌نماید، و چنانچه ملاحظه نمود که یک مقام، از امکانات نهاد تحت نظارت خود به نفع یا به ضرر یک حزب بهره می‌جوید، آنگاه این کمیته پرونده فرد متخلف را به دادستان ویژه استان ارجاع خواهد داد.

اصل ۲۳۷) «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت» فعالیت مالی تمامی احزاب را زیر نظر دارد، و چنانچه تخلف ملاحظه نماید، یکی از اقدامات زیر را انجام خواهد داد:

- ۱) حزب متخلف را موظف به پرداخت جریمه خواهد نمود. این مبالغ به خزانه کشور واریز خواهد شد.
- ۲) پرونده افرادی که سو استفاده کرده اند را به دادستان ویژه استان ارجاع دهد،
- ۳) پرونده تخلف را به مجلس ملی ارسال نماید، و به مجلس ملی توصیه کند که ممنوعیت فعالیت حزب را بررسی کند (قانون شرح تفصیلی این اقدامات را مشخص خواهد نمود).

اصل ۲۳۸) اعضای این کمیته هر سه سال یکبار، از نو برگزیده می‌شوند.

بند ۱) می توان اعضای قبلی را مجدداً به همان سمت منصوب نمود.

بند ۲) ریاست این کمیته را ریاست کشور تعیین می‌نماید، لیکن فرد یادشده در جلسات حق رای نداشته و به صورت بی‌طرف عمل می‌کند.

بند ۳) کمیته ملی برگزاری انتخابات و جا به جایی قدرت، از افراد زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱) یک تن به نمایندگی از ریاست کشور (که ریاست کمیته را بر عهده خواهد داشت)،
- ۲) پنج تن به نمایندگی از کابینه (این افراد نباید عضو کابینه باشند).



- ۳) پنج تن به نمایندگی از انجمن عالی فرمانداران کشور (که نباید فرماندار یا استاندار باشند)،
- ۴) ده تن به نمایندگی از مجلس ملی (این افراد نباید عضو مجلس ملی باشند).
- ۵) پنج تن به نمایندگان از مجلس سنا (این افراد نباید عضو مجلس سنا باشند)،
- ۶) سه تن به نمایندگی از کانون وکلا،
- ۷) نه تن به نمایندگی از انجمن ملی قضاات (این افراد از میان قضاات دادگاه های عالی انتخاب می شوند).
- ۸) سه تن به نمایندگی از شورای عالی قضایی (این افراد نباید در زمان انتصاب در شورای عالی قضایی عضویت داشته باشند)
- ۹) سه تن به نمایندگی دیوان قانون اساسی (این افراد نباید در زمان انتصاب در دیوان قانون اساسی عضویت داشته باشند)

اصل ۲۳۹) این کمیته همیشه فعال بوده و به صورت ماهیانه جلسه برگزار خواهد نمود. تمامی جلسات این کمیته می بایست علنی برگزار شده، و امکان پخش زنده آن برای رسانه ها، موجود باشد.

اصل ۲۴۰) سازمان های بین المللی و کشورهای زیر، در زمان برگزاری انتخابات، هر کدام یک نماینده ناظر به این کمیته معرفی می کنند. این نماینده حق شرکت در تمامی جلسات را دارد، لیکن تنها ناظر بوده و حق رای ندارد:

- ۱) یک نماینده از سوی دبیرکل سازمان ملل،
- ۲) یک نماینده از سوی ریاست اتحادیه بین المجالس،
- ۳) ریاست کشور ایران، پنج کشور را مشخص نموده و به وزیر امور خارجه معرفی می کند، تا از آن کشورها خواسته شود هر کدام یک نماینده به عنوان ناظر به ایران ارسال نمایند.

اصل ۲۴۱) اعضای این کمیته از مصونیت قانونی برخوردار هستند.

بند ۱) هیچ یک از افراد ارتش یا پلیس یا نیروهای امنیتی حق دستگیری اعضای «کمیته برگزاری انتخابات و جا به جایی قدرت» را ندارند.

بند ۲) چنانچه یک نیروی پلیس، نیروی امنیتی یا ارتش، دستوری مبنی بر دستگیری یکی از اعضای این کمیته دریافت نمود، می بایست آن دستور را غیر قانونی تلقی کرده، فرد دستور دهنده را بدون توجه به درجه وی، بازداشت کرده و تحویل دادستان نظامی دهد، و فوراً موضوع را به اطلاع اعضای این کمیته برساند.

اصل ۲۴۲) تمامی انتخابات در ایران آزاد و منصفانه برگزار می گردد.

بند ۱) حکومت موظف است تا از امنیت شرکت کنندگان در انتخابات (قبل و بعد از انتخابات)، اطمینان حاصل نماید.

بند ۲) هیچ کسی نباید به دلیل شرکت در انتخابات، عدم شرکت و یا اینکه رای وی چه بوده، مورد پیگرد و یا آزار واقع شود.



تبصره ۱) مشارکت آگاهانه و فعالانه در تعیین سرنوشت، وظیفه تمامی شهروندان ایران است؛ از این رو، مجلس ملی مجاز است تا مالیات دریافتی از آن شهروندانی که در انتخابات شرکت نکرده اند را افزایش دهد.

بند ۳) می‌بایست قبل از انتخابات، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها وجود داشته باشد تا شهروندان و رسانه‌ها بتوانند تمامی گزینه‌های موجود در انتخابات را نقد کنند.

بند ۴) قبل از انتخابات، احزاب می‌بایست مطابق اصول مطروحه در این قانون اساسی، به شکلی آزادانه فعالیت نموده باشند،

بند ۵) می‌بایست قبل از انتخابات، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها وجود داشته باشد تا شهروندان و رسانه‌ها بتوانند تمامی گزینه‌های موجود در انتخابات را نقد کنند.

بند ۶) هر شهروندی مطابق با شرایط ذکر شده در این قانون اساسی، می‌بایست حق نامزدی در انتخابات را داشته باشد.

بند ۷) حق رای برای تمامی شهروندان ایران محفوظ می‌باشد. وظیفه حکومت است تا از دسترسی آسان تمامی شهروندان به صندوق رای (در حد متعارف)، اطمینان حاصل نماید.

بند ۸) خرید و فروش رای (چه در ازای پول و چه در ازای یک کالای دیگر)، ممنوع می‌باشد.

بند ۹) آرا می‌بایست به صورت مخفی به صندوق‌ها ریخته شود،

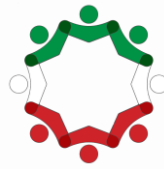
بند ۱۰) روند برگزاری انتخابات، و شیوه اعتراض به شیوه شمارش آرا می‌بایست پیش از برگزاری انتخابات، کاملاً شفاف و مشخص اعلام شود.

سلامت دستگاه قضا و نظام دیوانی کشور:

اصل ۲۴۳) به منظور ارتقا سلامت در سامانه قضایی و نظام دیوانی کشور، برخی از مقامات حکومتی به عنوان «مقام حفاظت‌شده» در نظر گرفته شده، و رفاه آنها توسط حکومت به صورت مادام‌العمر تامین می‌گردد. [ن.ک. به نکته شماره: ۲۵، در ضمیمه]

بند ۱) مقامات زیر، به عنوان «مقام حفاظت‌شده»، در نظر گرفته می‌شوند:

- ۱) اعضای «کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت»
- ۲) اعضای شورای عالی قضایی،



- (۳) قضات تمامی دادگاه‌های کشور،
- (۴) قانونبان‌های دیوان قانون اساسی،
- (۵) اعضای ستاد نظارتی ارتش ایران،
- (۶) اعضای ستاد پلیس ایران،

بند ۲) «مقام حفاظت‌شده» از حق خود برای کسب ثروت و فعالیت‌های اقتصادی سودآور چشم‌پوشی می‌کنند، و تعهد می‌کنند که تا پایان حیات خود، به صورتی شرافتمندانه، وظایف خود را به انجام برسانند؛ و در ازای آن، حکومت موظف است تا رفاه زندگی «مقام حفاظت‌شده» را تا زمان حیات آنها، تامین نماید.

تبصره ۱) رفاه اقتصادی «مقام حفاظت‌شده»، شامل رفاه شریک زندگی آن فرد، و همچنین فرزندان آن فرد تا سن هژده سالگی نیز می‌شود. آیین‌نامه مربوطه، رفاه اقتصادی را تعریف خواهد نمود.

تبصره ۲) شورای نگهبان عدالت به صورت متناوب، داشته‌ها و اموال «مقام حفاظت‌شده» را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بند ۳) «مقام حفاظت‌شده» حق فعالیت اقتصادی ندارند، حق ثبت شرکت یا داشتن سهام در هیچ شرکتی را ندارند، حق پذیرفتن شغل در یک شرکت خصوصی داخلی یا خارجی را نیز ندارند.

تبصره ۱) فعالیت‌های دانشگاهی و انتشار کتاب برای این افراد بلامانع می‌باشد.

حق نظارت برای باشندگان ایران:

اصل ۲۴۴) برای اطمینان از اینکه باشندگان ایران مجاز هستند تا اعتراضات و شکایات خود را به راحتی مطرح کرده، و وزارت‌خانه‌ها و ادارات حکومتی، بر طبق یک روند مشخص، پاسخگو باشند، سازمان ملی دیدوری ایجاد می‌گردد.

بند ۱) هیات مدیره سازمان ملی دیدوری متشکل از افراد زیر می‌باشد:

- (۱) دو تن به نمایندگی از سوی مجلس ملی،
- (۲) یک تن به نمایندگی از سوی نخست‌وزیر،
- (۳) یک تن به نمایندگی از سوی ریاست کشور،
- (۴) یک تن به نمایندگی از سوی مجلس سنا.
- (۵) یک حقوق‌دان به نمایندگی از سوی انجمن ملی قضات،
- (۶) یک حقوق‌دان به نمایندگی از سوی کانون وکلای دادگستری.

بند ۲) برای هر وزارت‌خانه، یک «سازمان دیدوری ویژه آن وزارت‌خانه» تاسیس خواهد شد، که شعبه‌ای از سازمان ملی دیدوری خواهد بود.

بند ۳) غیر از «سازمان دیدوری ویژه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌های دیدوری زیر نیز تاسیس می‌گردد:



۱) «سازمان دیدوری ویژه پلیس» برای نظارت بر کار پلیس،

۲) «سازمان دیدوری ویژه ارتش» برای نظارت بر کار ارتش

بند ۴) همچنین یک «سازمان دیدوری ویژه قوه قضایی» برای نظارت بر کار قوه قضاییه نیز ایجاد می‌گردد.
تبصره ۱) «سازمان دیدوری ویژه قوه قضایی» مجاز نیست در خصوص احکام صادره توسط قضات یا دستوراتی که قضات در طی دادرسی صادر نموده و یا می‌نماید، دخالت نموده و یا پرسش طرح نماید.
تبصره ۲) این سازمان تنها مجاز است در خصوص سیر اداری یک پرونده در دادگاه، شامل چگونگی ثبت، بایگانی و یا نحوه واگذاری یک پرونده به یک شعبه از دادگاه، و همچنین نحوه تعیین زمان دادرسی به تحقیق یا پرس و جو بپردازد.

بند ۵) هیات مدیره سازمان ملی دیدوری، ریاست هر «سازمان دیدوری ویژه» را تعیین کرده و بر کار آن سازمان دیدوری ویژه، نظارت می‌کند.

بند ۶) هر یک از باشندگان ایران مجاز است تا شکایت خود را از عملکرد یکی از بخش‌های حکومت، به دبیرخانه سازمان ملی دیدوری ارسال کند، سازمان ملی دیدوری موظف است ضمن تایید دریافت شکایت، به شاکی اطلاع دهد که کدام یک از سازمان‌های دیدوری ویژه، به شکایت او رسیدگی خواهد کرد.

بند ۷) سازمان دیدوری ویژه، موظف است تا شکایت را بررسی کرده، و بر اساس قوانین و آیین‌نامه‌های موجود، اعلام کند که آیا تخلفی صورت گرفته یا خیر، و پاسخ خود را به صورت کتبی به فرد شاکی تقدیم نماید؛ همچنین در صورت مشاهده تخلف، اقدامات لازم را انجام دهد.

تبصره ۱) چنانچه تخلفی یا اشتباهی صورت گرفته باشد، سازمان دیدوری به نهاد متخلف، فرصت تصحیح اشتباه خود را خواهد داد.

تبصره ۲) چنانچه نهاد متخلف از تصحیح اشتباه خود سرباز زند، آنگاه سازمان دیدوری، موظف است تا به نمایندگی از سوی شاکی، با تشکیل پرونده در دادگاه بازرسی قضایی، از دادگاه بخواهد تا به نهاد متخلف دستور تصحیح اشتباه خود را بدهد.

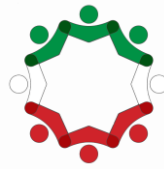
تبصره ۳) هر سازمان دیدوری، در صورت مشاهده تخلفی که ناشی از جرم است، می‌توانند از طریق دادستان خصوصی مستقر در سازمان، تخلفات کشف شده را به دادگاه ارجاع دهند.

بند ۸) چنانچه فرد شاکی از پاسخ سازمان ملی دیدوری رضایت نداشته باشد، می‌تواند موضوع را به نماینده مجلس ملی از حوزه انتخابیه خود ارجاع داده و خواستار بررسی موضوع در سازمان بازرسی ایران گردد.
تبصره ۱) نماینده مجلس در قبول یا رد این درخواست مختار می‌باشد.



اصل ۲۴۵) مراجعه به یک نهاد نظارتی (همچون سازمان ملی دیدوری) باعث نمی شود که شاکی، حق خود را برای مراجعه به یک نهاد نظارتی دیگر، از دست بدهد.

تبصره ۱) علیرغم محفوظ بودن حق مراجعه به چند نهاد نظارتی، لیکن نمی توان همزمان در چند نهاد گوناگون، در خصوص یک پرونده یکتا، شکایت طرح نمود.



فصل ششم - اقتصاد و تامین اجتماع:

قوانین عمومی

اصل ۲۴۶ تمامی درآمدهای کشور (از جمله مالیات، سود حاصل از فروش نفت و گاز و یا دیگر منابع طبیعی) می‌بایست به خزانه کشور واریز گردد.

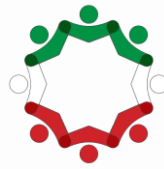
اصل ۲۴۷ برای تدوین و تصویب قوانین اقتصادی کشور، مجلس ملی می‌بایست صرفاً قانون اساسی و منافع جمعی مردم ایران را مد نظر قرار دهد.

اصل ۲۴۸ حکومت ایران بر اقتصاد حکمرانی نخواهد داشت، لیکن حکومت ایران مجاز است تا بنا به یکی از دلایل زیر، با تصویب قوانین در اقتصاد کشور دخالت نماید:

- (۱) تعیین سیاست‌های پولی و حفظ اعتبار پول کشور،
- (۲) اعمال کنترل بر تورم و یا نرخ بیکاری،
- (۳) تضمین حقوق کارگران، و ایجاد شرایط کاری منصفانه برای آنها،
- (۴) دفاع و تضمین منافع جمعی مردم ایران،
- (۵) به منظور اطمینان یافتن از رفتار منصفانه کنشگران اقتصادی،
- (۶) اطمینان از رقابت عادلانه و جلوگیری از انحصار،

اصل ۲۴۹ وظیفه حکومت، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای شکوفایی اقتصادی (همچون راه‌آهن یا بنادر و یا زیرساخت‌های مخابراتی) است؛ همچنین حکومت وظیفه نظارت بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی، دریافت مالیات و عوارض، و تدوین و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی را نیز بر عهده دارد.

اصل ۲۵۰ حکومت موظف است اقتصاد دولتی را تا حد ممکن کوچک نگه دارد، و زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم سازد.



تبصره ۱) حکومت تنها در صورتی حق دارد به سرمایه‌گذاری در یک زمینه خاص (به عنوان نمونه تاسیس کارخانه یا ارائه خدمات) بپردازد که یا منافع ملی چنین ایجاب کند و یا برای شکستن انحصار، نیاز به حضور حکومت در آن بخش باشد.

اصل ۲۵۱) مطابق قوانین مصوب مجلس ملی، حکومت ایران به بنگاه‌های اقتصادی ایرانی و خارجی، اجازه سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران را خواهد داد.

اصل ۲۵۲) حق فعالیت اقتصادی آزادانه برای تمامی باشندگان ایران و بنگاه‌های اقتصادی ثبت شده در ایران محفوظ است، از جمله:

- ۱) آزادی داشتن قرارداد با دیگران،
- ۲) آزادی انتخاب کارفرما،
- ۳) برای تمامی باشندگان ایران نیز، حق ادامه تحصیل و یادگیری مهارت‌ها محفوظ است،
- ۴) بهره‌مندی از حق سرمایه‌گذاری آزادانه در هر نقطه‌ای از ایران،
- ۵) حق برقراری تعاملات اقتصادی و بازرگانی با بنگاه‌ها و یا موسسات خارجی.

اصل ۲۵۳) حق مالکیت شخصی برای تمامی باشندگان ایران، و بنگاه‌های اقتصادی ثبت شده در ایران، محفوظ می‌باشد.

بند ۱) شعبه هر شرکت خارجی در ایران می‌تواند از حق مالکیت بهره‌مند گردد.
تبصره ۱) هیچ بنگاه اقتصادی ایرانی یا خارجی، مجاز نیست از حق مالکیت خود، برای خدشه به تمامیت ارضی ایران و یا حاکمیت ملی، بهره جوید.

بند ۲) حکومت مجاز است تا برای حق مالکیت اشخاص غیر ایرانی (چه حقیقی و چه حقوقی) در موارد خاص و پس از تأیید مجلس ملی، محدودیت ایجاد نماید.

اصل ۲۵۴) هر یک از باشندگان ایران و یا هر بنگاهی حقوقی ثبت شده در ایران، مجاز است تا قیمت کالا و یا خدماتی که ارائه می‌کند را خود تعیین نماید.

بند ۱) حکومت مجاز است تا بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی قدرتمند نظارت کرده، و از ایجاد نشدن انحصار توسط چنین بنگاه‌هایی، اطمینان حاصل نماید.

بند ۲) قوانین و آیین‌نامه‌های کشور می‌بایست به نحوی تصویب شوند که زمینه انحصار را برای هیچ شخص، گروه و یا بنگاه اقتصادی فراهم نسازند.

بند ۳) هیچ یک از باشندگان ایران یا بنگاه‌های اقتصادی ثبت شده در ایران، حق این را ندارند تا با سواستفاده از قدرت اقتصادی خود، اعمال زیر را انجام دهد:

- ۱) برای رسیدن به سود بیشتر، رقبا را حذف یا ناتوان کند،



- ۲) جلوی ورود دیگران به بازار را بگیرد،
- ۳) یا به منظور حذف دیگران، کالا یا خدمات خود را به قیمتی غیر واقعی عرضه کند،
- ۴) و یا برای خود انحصار ایجاد کرده و رقابت در یک عرصه را از بین ببرد،
- ۵) و یا از قدرت اقتصادی خود به عنوان اهرم فشار در تعاملات سیاسی بهره بگیرد

اصل ۲۵۵) بخش خصوصی نیز می‌تواند به ایجاد مراکز تحصیلات تکمیلی، بنگاه‌های آموزش حرفه‌ای، و یا دانشگاه‌های خصوصی روی آورند، لیکن حکومت موظف است با تاسیس و اداره دانشگاه‌های دولتی، از دسترسی باشندگان ایران به آموزش عالی اطمینان حاصل نماید.

بند ۱) تحصیل در علوم دینی به مانند دیگر رشته‌های دانشگاهی بوده و همانند دیگر رشته‌ها، هزینه تحصیل در رشته‌های مرتبط با علوم دینی تامین خواهد شد.

بند ۲) حکومت مجاز نیست تا مراکز آموزش علوم دینی تاسیس نماید، اما بخش خصوصی مطابق با قوانین و آیین‌نامه‌های کشور، مجاز به چنین امری است.

اصل ۲۵۶) حکومت و مجلس ملی موظف هستند تا بودجه کشور را به شکلی تدوین نمایند که در تمامی نقاط کشور، امکانات به نحوه منصفانه‌ای توزیع گردد.

اصل ۲۵۷) حداقل کارمزد را مجلس ملی بر اساس پیشنهاد دریافتی از سوی نخست‌وزیر مشخص می‌کند. هیچ کارگری در ایران نباید کمتر از «حداقل کارمزد مصوب»، دستمزد دریافت نماید.

اصل ۲۵۸) تمامی بنگاه‌های اقتصادی در ایران، به استثنای آن دسته از بنگاه‌هایی که قانون صراحتاً مشخص نموده، موظف به پرداخت مالیات می‌باشند.

اصل ۲۵۹) هیچ یک از باشندگان ایران از پرداخت مالیات معاف نمی‌باشد، و همگان موظفند بخشی از درآمد خود را به عنوان مالیات پرداخت نمایند.

بند ۱) مقدار مالیات به ازای درآمد هر یک از باشندگان ایران کم یا زیاد خواهد شد؛ قانون تفصیل آنرا مشخص خواهد نمود.

بند ۲) تمامی کسانی که در امور مرتبط با دین به ارایه خدمات پرداخته و درآمد کسب می‌کنند (دینکارانی همچون کشیش، آخوند، مداح، روضه‌خوان، مبلغان مذهبی، و ...) نیز موظف هستند تا مانند دیگر باشندگان ایران مالیات پرداخت نمایند.

تبصره ۱) منظور از درآمد، تنها دریافت حقوق نیست، و شامل دریافت مستقیم پول و یا دریافت دیگر منافع مالی نیز می‌شود.



تبصره ۲) تمامی دینکاران موظفند مانند دیگر باشندگان ایران، مقدار درآمد و پول دریافتی، و شخص پرداخت کننده را به وزارت اقتصادی و مالیات اعلام نمایند.

تبصره ۳) چنانچه یک دینکار، به دلیل شغل و موقعیت مذهبی خود، هدیه‌ای دریافت نماید، آن هدیه نیز به عنوان درآمد محسوب می‌گردد.

بنیاد ملی نیکوکاری:

اصل ۲۶۰) به منظور پیشگیری از سواستفاده و همچنین بهره‌برداری بهینه از اموال وقف شده و یا اموال فاقد مالک، بنیاد ملی نیکوکاری تاسیس می‌گردد.

اصل ۲۶۱) با تصویب این قانون اساسی، تمامی اموال نهادهای زیر به بنیاد ملی نیکوکاری واگذار می‌گردد:

- ۱) تمامی اموال متعلق به آستان قدس رضوی، اموال متعلق به آستان شاه عبدالعظیم و تمامی امامزاده‌ها در ایران،
- ۲) تمامی اموال سازمان اوقاف و امور خیریه،
- ۳) تمامی اموال متعلق به حوزه‌های علوم مذهبی و مدارس دینی،
- ۴) تمامی اموال غیر دولتی که مالک آن مشخص نیست،
- ۵) تمامی اموالی که مقامات حکومت ج.ا. به شکل مفسدانه ای به دست آورده‌اند و دادگاه دستور با بازگرداندن آنها داده است.

اصل ۲۶۲) بنیاد ملی نیکوکاری موظف است تا با بهره‌برداری از این اموال، درآمد حاصله را در امور زیر صرف نماید:

- ۱) تامین بخشی از بودجه سازمان ملی بهداشت،
- ۲) تامین بخشی از بودجه سازمان بهزیستی کشور،
- ۳) تامین بخشی از بودجه بنیاد خدمات حقوقی،
- ۴) هزینه اداره آن دسته از اماکن مذهبی که اموال آنها به بنیاد ملی نیکوکاری واگذار شده، توسط بنیاد ملی نیکوکاری، تامین می‌گردد.

اصل ۲۶۳) مسوولین تمامی اماکن مذهبی (همچون آستان قدس رضوی) توسط هیات مدیره بنیاد ملی نیکوکاری، تعیین می‌شوند. تبصره ۱) مسوولیت اداره اماکن مذهبی موظف هستند تا با مشورت آن دسته از شهروندانی که به آن مکان مذهبی اعتقاد دارند، این اماکن را اداره نمایند.

اصل ۲۶۴) ریاست بنیاد ملی نیکوکاری زیر نظر هیات مدیره، این سازمان را اداره می‌نماید.

بند ۱) رئیس بنیاد ملی نیکوکاری، توسط هیات مدیره این سازمان هر سه سال یکبار، برگزیده می‌شود.

بند ۲) اعضای هیات مدیره به شرح ذیل می‌باشند:

۱) نماینده وزیر اقتصاد،



- ۲) پنج نماینده از سوی ریاست مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیستند)،
- ۳) پنج نماینده از سوی ریاست مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیستند)،
- ۴) نماینده از سوی ریاست کشور،
- ۵) یک نماینده از سوی انجمن اقتصاددانان،
- ۶) یک نماینده از سوی نخست‌وزیر.

اصل ۲۶۵) «سازمان نظارت بر بنیاد ملی نیکوکاری»، یک سازمان نظارتی مستقل است که بر فعالیت‌های بنیاد ملی نیکوکاری نظارت می‌کند. وظیفه این سازمان نظارت دائمی و اطمینان از سلامت عملکرد بنیاد ملی نیکوکاری است.

بند ۱) ریاست «سازمان نظارت بر بنیاد ملی نیکوکاری» توسط هیات مدیره سازمان ملی نیکوکاری تعیین می‌شود.

سازمان ملی بهداشت:

اصل ۲۶۶) سازمان ملی بهداشت یک نهاد ملی است که وظیفه ارائه خدمات بهداشتی حداقلی (به صورت رایگان) به باشندگان ایران را بر عهده خواهد داشت.

بند ۱) بودجه سازمان ملی بهداشت از طریق مالیات کشور و درآمدهای بنیاد ملی نیکوکاری تامین می‌گردد.

بند ۲) این سازمان بخشی از وزارت بهداشت است.

بند ۳) هر یک از باشندگان ایران مجاز است تا از خدمات بهداشتی بخش خصوصی نیز بنا به میل خود، بهره جوید.

بند ۴) خدمات بهداشتی می‌بایست با کیفیت یکسان برای تمامی باشندگان ایران در تمامی نقاط کشور، ارائه گردد.

بانک مرکزی و سازمان ملی بانکداری:

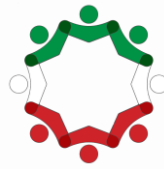
اصل ۲۶۷) بانک مرکزی وظیفه چاپ پول ملی، ضرب سکه، تعیین نرخ بهره رسمی را بر عهده دارد.

اصل ۲۶۸) ریاست بانک مرکزی، زیر نظر هیات مدیره، این نهاد را اداره می‌کند.

بند ۱) رئیس بانک مرکزی توسط هیات مدیره این بانک برگزیده می‌شود.

بند ۲) اعضای هیات مدیره به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱) یک نماینده از سوی ریاست کشور،



(۲) سه نماینده از سوی نخست‌وزیر.

(۳) وزیر اقتصاد،

(۴) دو نماینده از سوی مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیستند)،

(۵) یک نماینده از مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیستند)،

(۶) یک نماینده از سوی انجمن اقتصاددانان،

سازمان ملی تجارت:

اصل ۲۶۹) سازمان ملی تجارت، یک نهاد ملی است که وظیفه نظارت بر کار شرکت‌های تجاری، بانک‌ها، و موسسه‌های مالی و بورس را بر عهده دارد.

بند ۱) تعیین آیین‌نامه‌های اجرایی برای موسسه‌های مالی، بورس، و بانک‌های کشور، و یا نظارت بر شعب خارجی بانک‌ها در کشور، در زمره وظایف این سازمان ملی می‌باشد.

بند ۲) سازمان ملی تجارت موظف است ضمن جلوگیری از ایجاد انحصار برای یک بنگاه اقتصادی، زمینه تجارت آزاد و منصفانه در کشور را فراهم سازد.

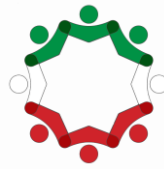
اصل ۲۷۰) ریاست سازمان ملی تجارت زیر نظر هیات مدیره آن سازمان فعالیت می‌کند.

بند ۱) رئیس سازمان ملی تجارت توسط هیات مدیره آن تعیین می‌گردد.

بند ۲) اعضای هیات مدیره به شرح ذیل می‌باشند:

- (۱) دو نماینده از سوی نخست‌وزیر،
- (۲) وزیر اقتصاد،
- (۳) یک نماینده به انتخاب ریاست مجلس ملی (که عضو مجلس ملی نیست)،
- (۴) یک نماینده به انتخاب ریاست مجلس سنا (که عضو مجلس سنا نیست)،
- (۵) یک نماینده از سوی ریاست کشور،
- (۶) یک نماینده از سوی انجمن اقتصاد دانان ایران،
- (۷) نماینده ریاست بانک مرکزی،

اصل ۲۷۱) انجمن اقتصاددانان ایران، یک نهاد غیردولتی است که در آن پژوهشگران رشته اقتصاد و همچنین دانش آموختگان این رشته (با حداقل تحصیلات کارشناسی) عضویت دارند؛ مسوولان این سازمان در انتخاباتی آزاد از بین اعضای آن تعیین می‌گردد.



فصل هفتم - مشخصات قوانین کشور و نحوه تصویب:

اصل (۲۷۲)

به جز موارد استثنایی، قوانین مصوب مجلس ملی نسبت به گذشته اثر نداشته و قوانین مصوب، عطف به ماسبق نمی‌شوند.

تبصره (۱) چنانچه در مواردی استثنایی، مجلس ملی تصمیم به تصویب لایحه یا طرحی بگیرد که عطف به ماسبق می‌شود، آنگاه برای تصویب چنین لایحه یا طرحی، می‌بایست تمامی شرایط زیر حاکم باشد:

- (۱) قبل از اینکه چنین لایحه یا طرحی در مجلس مطرح شود، اکثریت شورای عالی قضایی با طرح چنین لایحه‌ای موافقت نمایند.
- (۲) در مصوبه، به صورت مشخص ذکر شود که این قانون، استثنا بوده و عطف به ماسبق می‌شود. [ن.ک. به نکته شماره: ۳۴، در ضمیمه]
- (۳) لایحه یا طرح (ذکر شده در بند فوق)، می‌بایست با موافقت حداقل دو سوم از نمایندگان مجلس ملی، رای آورد.
- (۴) این مصوبه (موضوع بند فوق) می‌بایست مستقیماً توسط رئیس مجلس ملی به دیوان قانون اساسی ارسال شود، و در آنجا نیز مورد تصویب واقع گشته و سپس ریاست دیوان قانون اساسی به نمایندگی از ریاست کشور، آنرا امضا کند.

اصل (۲۷۳)

تمامی قوانین باید «همه‌فهم» و «شفاف» بوده، به زبانی ساده نوشته شود.

اصل (۲۷۴)

تمامی قوانین کشور پس از امضای ریاست کشور یا رییس دیوان قانون اساسی، می‌بایست به صورت عمومی منتشر شده و می‌بایست در تمامی کتابخانه‌های عمومی کشور، در دسترس همگان قرار گیرد.

اصل (۲۷۵)

پذیرش فوریت هر لایحه یا طرح، تنها در صلاحیت مجلس می‌باشد. تنها ارگان‌های زیر، مجاز هستند تا لایحه خود را تقدیم مجلس ملی نمایند:

- (۱) کابینه،
- (۲) مجلس سنا،
- (۳) شورای عالی قضایی،
- (۴) انجمن عالی فرمانداران کشور.



اصل ۲۷۶) هر نماینده مجلس ملی می‌تواند طرح پیشنهادی خود را تقدیم مجلس نماید، مشروط بر اینکه پنج درصد از دیگر نمایندگان مجلس ملی، از آن طرح به صورت کتبی حمایت کرده باشند.

اصل ۲۷۷) تمامی لوایح و طرح‌ها با اکثریت نصف به علاوه یک نمایندگان مجلس ملی تصویب می‌شود.

اصل ۲۷۸) پس از تصویب هر لایحه یا طرح در مجلس ملی، آن مصوبه می‌بایست توسط ریاست کشور و یا ریاست دیوان قانون اساسی امضا شود تا عنوان قانون به خود بگیرد.

بند ۱) تمامی مصوبه‌های مجلس ملی ظرف مدت بیست و چهار ساعت پس از تصویب، توسط ریاست مجلس ملی یا جانشین وی، به نخست‌وزیر ارسال می‌گردد.

بند ۲) نخست‌وزیر تنها دو روز زمان دارد تا یکی از دو اقدام زیر را انجام دهد: (الف) آن مصوبه را بررسی کرده و در صورت موافقت آنرا تقدیم ریاست کشور کرده و تقاضا کند تا ریاست کشور آنرا امضا نماید؛ (ب) یا آنرا در تناقض با قانون اساسی بداند، خواستار بررسی آن مصوبه در مجلس سنا شود.

بند ۳) چنانچه نخست‌وزیر درخواست خود را برای بررسی مصوبه مجلس ملی به مجلس سنا ارسال نمود، آنگاه مجلس سنا ظرف مدت سه روز می‌تواند یکی از اقدامات زیر را انجام دهد: (الف) تعلیق آن مصوبه را نپذیرد و خواستار امضای آن توسط ریاست کشور شود؛ یا (ب) تعلیق مصوبه را بپذیرد، و آنرا برای بررسی بیشتر به «دیوان قانون اساسی» بفرستد،

بند ۱) چنانچه ریاست کشور تقاضای امضای یک مصوبه مجلس ملی را از سوی نخست‌وزیر و یا مجلس سنا دریافت نماید، آنگاه او موظف است تا یکبار دیگر آن مصوبه را ارزیابی نماید، و ظرف مدت دو روز، یکی از دو اقدام زیر را انجام دهد: (الف) مصوبه را در تناقض با قانون اساسی نداند، آنگاه آنرا امضا کرده و برای انتشار به روزنامه رسمی بفرستد؛ (ب) اما چنانچه ریاست کشور یک مصوبه مجلس ملی را در تناقض با قانون اساسی بیابد، مجاز است تا آن را برای بررسی بیشتر به دیوان قانون اساسی ارسال نماید.

بند ۲) چنانچه مجلس سنا یا ریاست کشور، مصوبه مجلس را به دیوان قانون اساسی ارسال نمایند، آنگاه دیوان قانون اساسی ظرف مدت چهار روز، می‌تواند یکی از دو اقدام زیر را انجام دهد:

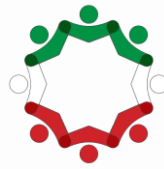
اقدام اول: آن مصوبه را در تناقض با قانون اساسی نداند، که در اینصورت، ریاست دیوان قانون اساسی راسا به امضای آن مصوبه اقدام خواهد نمود و آنرا برای انتشار به روزنامه رسمی کشور ارسال می‌کند،



اقدام دوم: دیوانِ قانونِ اساسی می‌تواند آن مصوبه را در تناقض با قانونِ اساسی دانسته و آنرا لغو نماید. پس از لغو، دیوانِ قانونِ اساسی موظف است دلایل لغو آن مصوبه را رسماً به اطلاع ریاست مجلس ملی برساند.

بند ۳) در صورت لغو یک مصوبه در دیوانِ قانونِ اساسی، دلایل لغو آن در اختیار نمایندگان مجلس قرار خواهد گرفت، و در این صورت است که نمایندگانِ مجلس ملی مجاز هستند درباره برگزاری همه‌پرسی در کشور در باره تصویب آن مصوبه، تصمیم‌گیری نمایند.

اصل ۲۷۹) شورای عالی قضایی می‌تواند هر زمانی که بخواهد، هر یک از مصوبات مجلس یا قوانین کشور را در تناقض با قانونِ اساسی بداند، و خواستار بررسی آن در دیوانِ قانونِ اساسی گردد.



فصل هشتم - رسانه‌ها و گروهی:

اصل ۲۸۰) این قانون اساسی، نقش رسانه‌های گروهی آزاد و مستقل را به عنوان یکی از بنیان‌های لازم برای پاکیزگی حکومت، جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، و همچنین پاسداری از حقوق بشری باشندگان ایران به رسمیت می‌شناسد.

بند ۱) حق رسانه‌های گروهی برای انتشار آزادانه اخبار و نقد عملکرد مقامات حکومتی (از جمله نخست‌وزیر، وزراء، نمایندگان مجلس ملی، سناتورها، و ریاست کشور) محفوظ بوده و تحت هیچ شرایطی نباید خدشه‌دار گردد.

بند ۲) منظور از رسانه‌های گروهی، نشریات (از قبیل روزنامه‌ها، مجله یا و کتاب)، شبکه‌های رادیویی، شبکه‌های تلویزیونی، و یا شبکه‌های اینترنتی است که «انجمن فعالین رسانه‌ای ایران-افرا» آنها را به عنوان رسانه گروهی، به رسمیت می‌شناسد.

اصل ۲۸۱) یک شخصیت حقیقی، رسانه‌پرداز نامیده می‌شود، مشروط بر اینکه تمامی شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱) آن رسانه‌پرداز، به صورت حرفه‌ای، به تهیه و انتشار اخبار و اطلاعات به صورت عمومی، مشغول باشد؛
- ۲) آن شخص رسانه‌پرداز، شخصیت حقیقی مشخصی داشته باشد، و نشانی او مشخص و موجود باشد؛
- ۳) آن شخص، با موفقیت آزمون تخصصی در زمینه رسانه‌پردازی را سپری کرده باشد؛
- ۴) محتوای تولید شده توسط آن رسانه‌پرداز، به قصد آرایه به افکار عمومی باشد؛
- ۵) آن شخص، از ابزارهای نشر اطلاعات (همچون انتشار، اینترنت یا امواج رادیویی) بهره گیرد،
- ۶) آن رسانه‌پرداز، منافع پنهانی برای تولید محتوا و تولید خبر نداشته باشد؛ البته دریافت منافع مالی همچون حق چاپ یا تبلیغات، مجاز است.

اصل ۲۸۲) یک رسانه، رسانه گروهی نامیده می‌شود، مشروط بر اینکه تمامی شرایط زیر را داشته باشد:

- ۷) آن رسانه، به صورت حرفه‌ای، به تهیه و انتشار اخبار و اطلاعات به صورت عمومی، مشغول باشد؛
- ۸) آن رسانه می‌بایست یک شخصیت حقوقی ثبت شده باشد، و مدیر مسوول آن نیز مشخص باشد؛
- ۹) مدیر مسوول آن رسانه می‌بایست با موفقیت آزمون تخصصی «رسانه‌پردازی» را سپری کرده باشد؛
- ۱۰) محتوای تولید شده توسط آن رسانه، به قصد آرایه به افکار عمومی باشد؛



(۱۱) آن رسانه از ابزارهای پخش اطلاعات (همچون انتشار، اینترنت یا امواج رادیویی) بهره گیرد،
(۱۲) آن رسانه، منافع پنهانی برای تولید محتوا و تولید خبر نداشته باشد؛ البته دریافت منافع مالی همچون حق چاپ یا تبلیغات، مجاز و پذیرفته شده است.

اصل ۲۸۳) «انجمن فعالین رسانه‌ای ایران-افرا» یک نهاد غیردولتی است که وظیفه نظم‌بخشی و تقویت رسانه‌های گروهی و رسانه‌پردازان در ایران را بر عهده دارد.

بند ۱) هیات مدیره این انجمن در طی یک انتخابات آزاد، از میان رسانه‌پردازانی که شهروند ایران باشند، برگزیده می‌شوند.

بند ۲) نخست وزیر و ریاست کشور در این انجمن، یک نماینده ویژه خواهند داشت، تا ارتباط بین این انجمن و مقامات کشوری تسهیل شود.

بند ۳) هیات مدیره موقت به منظور آغاز به کار، و همچنین اساس‌نامه تشکیل این انجمن و آیین‌نامه فعالیت آن، توسط شورای عالی قضایی تعیین و تدوین می‌گردد.

بند ۴) این انجمن، تنها نهادهای است که آزمون رسانه‌پردازی را برگزار می‌کند.

بند ۵) تنها این انجمن است که تعیین می‌کند چه کسی رسانه‌پرداز محسوب می‌شود.

تبصره ۱) در خصوص تصمیم این انجمن مبنی بر عدم پذیرش یک شخص به عنوان رسانه‌پرداز، فرد معترض می‌تواند در دادگاه بازرینی قضایی، تقاضای بازرینی آن تصمیم را مطرح نماید.

بند ۶) وظیفه حمایت از رسانه‌پردازان ایران بر عهده این انجمن می‌باشد.

بند ۷) سرمایه اولیه برای تشکیل این نهاد توسط مجلس ملی و از بودجه کشور پرداخت خواهد شد. لیکن پس از تشکیل، این نهاد به شکل مستقلی ادامه فعالیت خواهد داد و قوای سه‌گانه کشور مجاز به دخالت در کار این نهاد نیستند.

اصل ۲۸۴) هیچ نهادی جز دادگاه، حق این را ندارد تا یک رسانه‌پرداز یا یک رسانه گروهی را مجبور کند تا یک منبع خبری یا یک منبع یک «داده» را افشا نماید.

بند ۱) منظور از داده، هر نوع اطلاعات (صوتی، ویدیویی، تصویری یا نوشتاری) است که فرد به دلیل حرفه رسانه‌پردازی خود کسب کرده باشد.



بند ۲) منظور از منبع خبری، فرد یا افرادی است که به منظور افشای اطلاعات خود، به یک رسانه‌پرداز مراجعه کرده و مایل هستند تا نام آنها جایی مطرح نشود.

بند ۳) دادگاه می‌تواند به یک رسانه گروهی یا یک رسانه‌پرداز دستور دهد تا منبع خبری یا یک داده را افشا کند، به شرط اینکه عدم افشای آن منبع خبری یا داده، باعث شود امنیت ملی در مخاطره واقع گردد.

بند ۴) دادگاه می‌تواند به یک رسانه گروهی یا رسانه‌پرداز دستور دهد تا منبع خبری یا یک داده را افشا کند، مشروط بر اینکه تمامی شروط زیر برقرار باشد:

- ۱) انتشار آن خبر، حقوق بشر یکی از باشندگان ایران را نقض کرده باشد،
- ۲) آن باشندده شاکی، مدعی باشد که خبر منتشره، دروغ است،
- ۳) هیچ روش دیگری وجود نداشته باشد تا بتوان با قاطعیت گفت که آیا آن خبر دروغ یا راست است.

بند ۵) دادگاه می‌تواند به یک رسانه گروهی یا رسانه‌پرداز دستور دهد تا منبع خبری خود را افشا کند، مشروط بر اینکه تمامی شرایط زیر فراهم شود:

- ۱) برای اجرای عدالت، در یک پرونده دیگری که در دادگاه مطرح شده، نیاز به افشای آن منبع باشد؛
- ۲) آن منبع و یا اطلاعات آن منبع، به صورت مستقیم به آن پرونده دیگر، مرتبط باشد،
- ۳) عدم افشای آن منبع خبری، باعث شود که یکی از باشندگان ایران از دسترسی به عدالت محروم شود؛
- ۴) تمامی تلاش‌های پیشین برای کشف حقیقت بی‌نتیجه بوده باشد؛ و افشای آن منبع، تنها شیوه دسترسی به عدالت در پرونده دیگر است.

بند ۶) هرگاه یک دادگاه، به یک رسانه‌پرداز یا رسانه گروهی دستور دهد تا منبع خبری یا داده‌ای را افشا کند، آنگاه آن دستور قابل استیناف در دیوان قانون اساسی است.

تبصره ۱) در این حالت، برای طرح پرونده در دیوان قانون اساسی، نیاز به مجوز نیست، و هر یک از طرفین می‌توانند مستقیماً پرونده را در دیوان قانون اساسی طرح نمایند.

اصل ۲۸۵) شبکه ملی رادیویی و تلویزیونی کشور زیر نظر دفتر ریاست کشور فعالیت خواهد نمود.

بند ۱) این شبکه ملی، مجاز است در زمینه انتشار اخبار فعالیت‌های نهادهای گوناگون حکومت، و یا مسایل مرتبط با ریاست کشور فعالیت نماید.

بند ۲) وظیفه اصلی این شبکه خبری، موارد زیر می‌باشد:

- ۱) اطلاع رسانی در زمینه قوانین کشور،
- ۲) اخبار مرتبط با نحوه اداره کشور،



- ۳) وقایع مرتبط با قوه قضایه،
- ۴) افزایش آگاهی شهروندان در خصوص حقوق آنها،
- ۵) تلاش برای افشا و انتشار اخبار مرتبط با فساد،

بند ۳) این شبکه توسط یک هیات پنج نفره، متشکل از نماینده ریاست کشور، نماینده شورای عالی قضایی، نماینده مجلس سنا، نماینده مجلس ملی و نماینده «انجمن فعالین رسانه‌ای ایران»، اداره خواهد شد.

بند ۴) این شبکه موظف است با بی‌طرفی به انتشار اخبار، اقدام نماید.

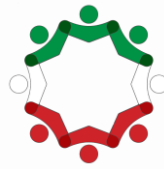
اصل ۲۸۶) وزارت ارتباطات وظیفه تخصیص منصفانه امواج رادیویی (جهت پخش برنامه های رادیویی و تلویزیونی) بر عهده خواهد داشت و این تخصیص می بایست به نحوی باشد که انحصار برای هیچ گروه خاصی ایجاد نگردد. شرح آنرا قانون مشخص خواهد نمود.

اصل ۲۸۷) نمایندگان رسانه‌های گروهی می‌بایست به شکل منصفانه ای به مقامات حکومتی دسترسی داشته باشند.

بند ۱) نمایندگان رسانه‌ها می‌بایست به صورت دوره‌ای و منظم، به تمامی اعضای کابینه و یا سخنگویان آنها، دسترسی داشته باشند.

بند ۲) رئیس مجلس ملی و رئیس مجلس سنا، نخست‌وزیر، تمامی وزراء، شورای عالی قضایی و ریاست کشور می‌بایست که شخص یا اشخاصی را به عنوان سخنگوی مطبوعاتی انتخاب کرده، و آن شخص به صورت هفتگی در طی نشست خبری، به پرسش‌های رسانه ها پاسخ دهند.

بند ۳) قانون تفصیل برگزاری این نشست‌های خبری و نحوه دسترسی خبرنگاران را مشخص خواهد نمود.



فصل نهم- سیاست خارجی حکومت:

اصل ۲۸۸) هر گونه تغییر در مرزهای کشور ممنوع می‌باشد، مگر پس از برگزاری همه پرسی و تایید اکثریت مردم ایران.

اصل ۲۸۹) حکومت ایران موظف است تا در سیاست خارجی خود، دستیابی به اهداف زیر را مد نظر قرار دهد:

- ۱) صلح عادلانه در تمامی نقاط جهان،
- ۲) نظم جهانی دربرگیرنده همه ملت‌ها،
- ۳) همکاری برای بهزیستی جهانی،
- ۴) اعتلای حقوق بشر در تمامی نقاط دنیا،
- ۵) ایجاد حکمرانی مطلوب در سازمان‌های بین‌المللی.

اصل ۲۹۰) اولویت‌های سیاست خارجی حکومت ایران به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) مشارکت در ایجاد و گسترش صلح و امنیت بین‌المللی،
- ۲) مشارکت در امور بشر دوستانه بین‌المللی،
- ۳) تقویت روابط با دیگر کشورهای همسایه با رعایت حسن همجواری به منظور استقرار و استحکام صلح منطقه‌ای،
- ۴) تعهد به مشارکت برای پیشبرد بهزیستی جهانی از طریق دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه،
- ۵) تعهد برای پیشبرد سازنده و عادلانه حقوق بین الملل، نهادها و رژیم‌های بین المللی، و نیز حقوق بشر بین‌الملل،
- ۶) همکاری و تعهد برای برقراری برابری اقتصادی و یاری رساندن به ملل در حال توسعه با هدف توانا ساختن آنان برای توسعه همه جانبه خویش،

اصل ۲۹۱) حکومت ایران موظف است در حوزه سیاست خارجی نیز، با توجه به موارد زیر، به شکل شفاف و مسوولانه‌ای رفتار نماید:

- ۱) قوه مجریه موظف است تا حوزه و نحوه فعالیت سیاست خارجی خود را با هماهنگی با مجلس ملی تعیین نماید،
- ۲) رئیس سیاست خارجی، دلایل آن، و نیز معاهدات دوجانبه و چند جانبه در معرض سنجش و نقد افکار عمومی قرار داده شود،



۳) مکانیزم‌های لازم برای دریافت نقطه نظرات شهروندان ایران برقرار گردد،

۴) تمامی معاهدات نظامی، مشارکت‌ها، اتحادها، و ماموریت‌های برون مرزی نظامی منطبق با اصول حقوق بین الملل و فقط با هدف مشارکت در صلح جهانی انجام خواهد شد، و می‌بایست به تصویب مجلس ملی برسد،

۵) کمک‌های بین‌المللی که حکومت ایران قصد پرداخت آنرا دارد، باید قبلاً به تصویب مجلس ملی برسد، یا اینکه مجلس ملی به کابینه، اختیار داده باشد تا راساً در این خصوص تصمیم‌گیری کند.

اصل ۲۹۲) حکومت ایران تلاش خواهد نمود تا اختلافات با کشورهای دیگر را از طریق مسالمت‌آمیز و با مراجعه به مراجع بین‌المللی، حل و فصل نماید.

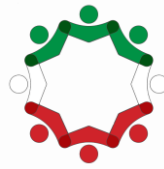
اصل ۲۹۳) حکومت ایران موظف است برای اعتلای اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل) در تمامی نقاط دنیا تلاش نماید.

اصل ۲۹۴) تمامی امور دیپلماتیک کشور، می‌بایست از طریق وزارت امور خارجه و مجاری قانونی و مجاز انجام شود؛ هرگونه مذاکره خصوصی به نیابت از حکومت ایران بدون هماهنگی با وزارت امور خارجه ممنوع بوده و جرم تلقی می‌گردد.

اصل ۲۹۵) هر یک از شهروندان ایران که در خارج از ایران سکونت دارد، می‌بایست از حمایت‌های سفارت‌خانه‌های حکومت ایران برخوردار باشد. شرح آنرا قانون تعیین خواهد نمود.

اصل ۲۹۶) حکومت ایران درخواست حکومت کشورهای دیگر برای استرداد متهمین را رد خواهد کرد، چنانچه:

- ۱) در صورت استرداد آن متهم، وی با مجازات غیرانسانی یا اعدام روبرو گردد،
- ۲) آن متهم به دلیل باور، دین، جنسیت، و یا فعالیت سیاسی/اجتماعی خود تحت تعقیب قرار گرفته باشد.



فصل دهم - حق تغییر نوع نظام و تغییر قانون اساسی:

اصل ۲۹۷) هر یک از شهروندان ایران مجاز است تا تنها از طریق صلح آمیز و از طریق انتخابات، برای تغییر این قانون اساسی تلاش کند، ولی تا زمانی که این تغییر از طریق قانونی (همه پرسی) حاصل نشود، تبعیت از این قانون وظیفه تمامی باشندگان ایران است.

اصل ۲۹۸) این قانون اساسی تنها از طریق همه پرسی قابل تغییر می باشد.

اصل ۲۹۹) یک طرح برای تغییر قانون اساسی را می توان به همه پرسی گذاشت، مشروط بر اینکه آن طرح، به یکی از روش های زیر ارایه شود:

روش اول: طرح برای تغییر قانون اساسی، به تصویب مجلس ملی برسد.
روش دوم: یک طومار، با امضای ده درصد از شهروندان ایران برای تغییر قانون اساسی به ریاست کشور ارسال شود.
روش سوم: یک طرح برای تغییر قانون اساسی ابتدا توسط انجمن عالی فرمانداران تصویب شود، و سپس به تایید مجلس سنا برسد.

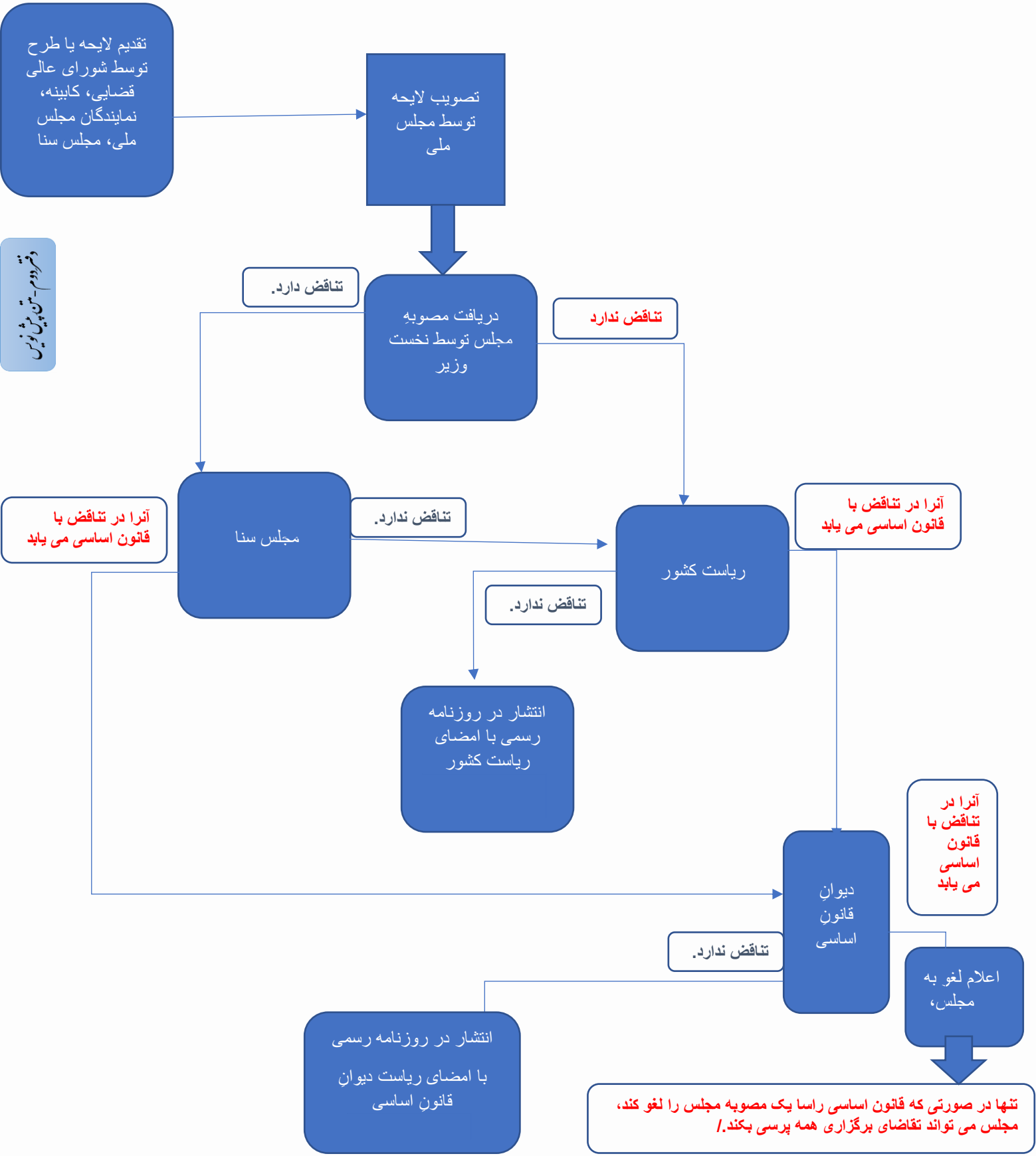
اصل ۳۰۰) تغییر نوع نظام از جمهوری به پادشاهی (یا از پادشاهی به جمهوری) تنها با برگزاری همه پرسی ممکن است.

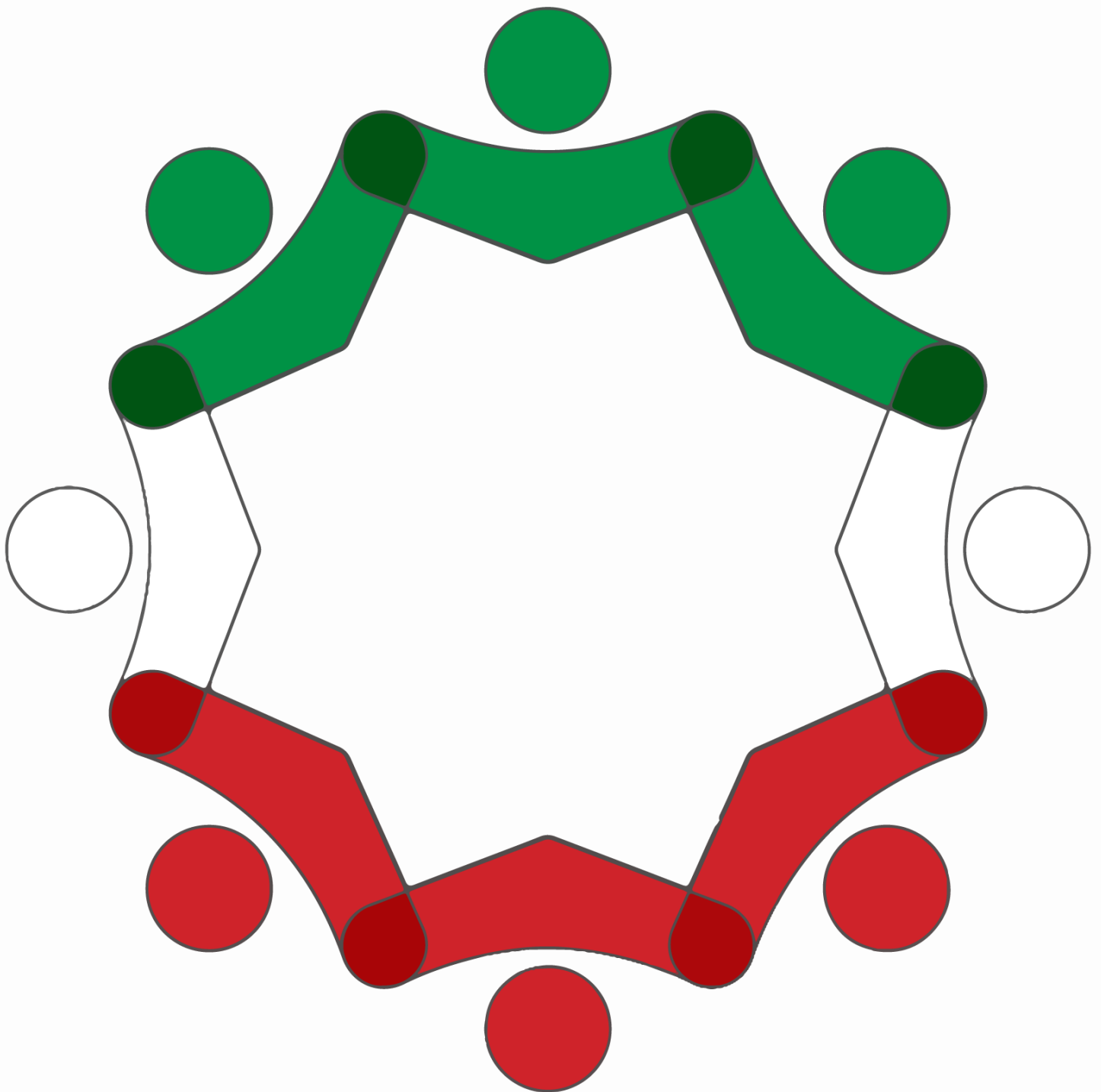
بند ۱) مجلس ملی مجاز است تا برگزاری چنین همه پرسی را تصویب نماید.

بند ۲) برگزاری همه پرسی در این مورد خاص، بی نیاز از تصویب نهادهای دیگر (از جمله ریاست کشور است).

بند ۳) « کمیته ملی برگزاری انتخابات و گردش قدرت » موظف به تبعیت از مصوبه مجلس در این خصوص بوده، و موظف است این همه پرسی را برگزار نماید.

اصل ۳۰۱) این قانون اساسی مشتمل از ۱۰ فصل، ۲۹۹ اصل، ۴۶۶ بند و ۱۳۲ تبصره می باشد.







نکات ضمیمه شده

پیش نویس قانون اساسی

نکته یک

با توجه به نظرات جان رابلز (۱۹۷۱، صفحات ۶۵ الی ۶۰)^۱ برابری در برابر قانون، به عنوان محور اصلی این قانون اساسی در نظر گرفته شده است،

نکته دو

برای نگارش این بخش، به نکات ذیل توجه شده است:

- ماده ۲۱ از اعلامیه جهانی حقوق بشر،
- اعلامیه ۱۵۴ شورای بین المجالس که شرح انتخابات آزاد و منصفانه را تعیین می کند، و در هنجارهای بین المللی،
- یک سند شناخته شده و قابل استناد است،

^۱ Rawls, J. (1971). A theory of justice. [electronic resource]. Cambridge, MA : Belknap Press of Harvard University Press.



- تلاش شده تا مشخصات یک «دمکراسی لیبرال مبتنی بر قانون اساسی Liberal democracy» تعریف ارایه شده توسط داهل^۲ (۲۰۱۶) در این ماده آورده شود.

نکته سه

بدون شک، قانون خوب، یک قانون پویا است. مشروعیت یک قانون اساسی، مشروط است به تعهد جامعه به آن و برای حفظ این مشروعیت، نیاز است تا این قانون اساسی، حمایت دائم ملت ایران را داشته باشد.

نکته چهار

آنچنان که تایلور به درستی اشاره می کند، عدم احترام به فرهنگ های دیگر موجود در جامعه، باعث خواهد شد تا این زمینه شکل گیرد که گروه های مختلف احساس کنند که هر یک، از حقوق برابری با دیگری برخوردار نیستند، و این خود زمینه فروپاشی را فراهم می سازد (رجوع کنید به تایلور، ۱۹۹۴).^۳ از این رو است که تایلور، به درستی تاکید می کند که لازم است تا به صورت رسمی اعلام شود که فرهنگ های گوناگون، ارزشی برابر در جامعه دارند، اجازه داده شود آنها در جامعه وجود داشته باشند، و همچنین، ارزش آنها نیز تصدیق شود.

آنچنان که تایلور به درستی تاکید می کند، می بایست از «برابری ناشی از نبود تفاوت» به سوی «برابری متفاوت ها» حرکت نمود، چه آنکه این عدم شناخت دیگران، یکی از اشکال سرکوب است.^۴

^۲ Dahl, R. A. (2015). On democracy. New Haven : Yale University Press.

^۳ Taylor, C. G. A. A. K. (1994). Multiculturalism. Princeton: Princeton University Press

^۴ Taylor, C., (1992) Multiculturalism and "the Politics of Recognition", New Jersey: Princeton University Press



نکته پنج)

لازم است بر آشتی ملی، به عنوان یک سیاست کلان برای گذار عادلانه از فجایع رخ داده در طی حکومت ج.ا، تاکید شود.

آشتی ملی چنین تعریف می شود:

«آشتی ملی یک روند اجتماعی است تا ضمن به رسمیت شناختن و پذیرش حقیقت درباره آزارهای روا شده، عقاید مرسوم جامعه را که باعث به وجود آمدن این آزارها بوده اند را تغییر می دهد، و همچنین تلاش می کند تا بازیگران اجتماعی را تشویق نماید تا با پیشه نمودن رفتاری توأم با گذشت در قبال افراد خطاکار، از تکرار خشونت و انتقام گیری در جامعه جلوگیری نماید. آشتی ملی یک راهکار عملی برای رسیدن به صلح پایدار، و ایجاد شرایط همزیستی مسالمت آمیز در آتیه است. آشتی ملی تلاشی از سوی شهروندان است تا به ارایه تعریفی نوین از قرارداد حاکم بر جامعه دست یازند. آشتی ملی روندی زمان بر، عمیق و چند بعدی است.»

همچنین می بایست به یاد داشت که عدم تاکید بر آشتی، می تواند خطرات بسیاری را به همراه داشته باشد. پژوهش های گوناگون نشان می دهد که اگر در یک جامعه، «جو ستیزه» گسترش یابد، یک حلقه معیوب ایجاد می شود که در آن، شاهد خشونت دایمی هستیم، و تنها هر از گاهی جای فرد قربانی و خاطی عوض می شود. به عبارتی، وقتی قربانی به قدرت رسید، به خشونت دست می زند، آنگاه فرد خاطی اینبار تبدیل به قربانی می شود، و سپس برای بازگشت به جایگاه سابقش تلاش می کند. از این شرایط به نام «تله ستیزه» یاد می شود. هلن فین از این چرخه معیوب، به نام چرخه «جنگ-انتقام-جنگ» یاد می کند. (ر.ک. به: آشتی ملی در سایه گذار عادلانه).^۵

نکته ششم)

آنچنان که جان استورات میل تاکید می کند، آنانی که اکثریت را بدست می آورند، گاه ممکن است هوس این را داشته باشند تا اقلیت را سرکوب کنند، و استورات میل، این عمل را سو استفاده از قدرت می داند (میل ۱۸۷۰).^۶

^۵ پارسا، ی (۲۰۱۶)، آشتی ملی در سایه گذار عادلانه، قابل دسترسی در: <https://goo.gl/E1nHHf>

^۶ Mill, On Liberty, CW XVIII, p. 219



همانگونه که در نکته پیشین شرح داده شد، خطر و دامی به عنوان دست یازیدن به خشونت، آینده ایران را تهدید می کند. از این رو، لازم است تا به حقوق بشر، توجه ویژه ای شود، اجازه داده نشود که حتی اکثریت نیز بتواند حقوق اقلیت را زیر پا بگذارد.

هر چند که بین دموکراسی و اعتلای حقوق بشر، در اکثر موارد رابطه مستقیمی وجود دارد (پاو و همکاران ۱۹۹۹)^۷؛ لیکن این رابطه الزامی نیست (نتو ۱۹۹۹) و کشور برزیل مثال مناسبی است، چه آنکه بعد از برقراری دوباره دموکراسی، این اختیار به دست اکثریت افتاد تا با بهره جویی از رای خود، شرایطی را فراهم سازند تا سیاست های ناقض حقوق بشر، تدوین و اجرا شود، و برای یک بازه زمانی شاهد وخیم شدن حقوق بشر در این کشور بوده ایم (آهنن ۲۰۰۳).^۸

در شرایط کنونی ایران، و با توجه به ظلم و جنایتی که حکومت ج.ا. انجام داده است، خطر مشابهی (با آنچه در برزیل رخ داد) ایران را تهدید نماید. از این رو، در پیش نویس پیشنهادی، تلاش شده تا نخست وزیر، مجلس سنا، و ریاست کشور بتوانند قوانین مصوب مجلس را به دادگاه قانون اساسی ارجاع دهند تا از عدم تناقض قوانین با حقوق بشر، اطمینان حاصل شود.

نکته هفتم:

این ماده بر اساس بند ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاشته شده است.

نکته هشتم:

ابتدا دو نکته ذکر می گردد:

الف) می توان استدلال های متعدد دیگری نیز برای لزوم جدایی دین از حکومت ذکر نمود.

ب) از طرفی، در قانون های اساسی، رسم نیست که دلیل تدوین قانون ذکر شود،

^۷ Poe, S. C., Tate, C. N., & Camp Keith, L. (1999). Repression of the Human Right to Personal Integrity Revisited: A Global Cross-National Study Covering the Years 1976-1993. *International Studies Quarterly*, 43, 291±313

^۸ Ahnen, R. (2003). Between Tyranny of the Majority and Liberty: The Persistence of Human Rights Violations under Democracy in Brazil. *Bulletin Of Latin American Research*, 22(3), 319.



علیرغم آگاهی از دو نکته فوق، تصور نگارنده بر این است که می بایست اصل عدالت، به عنوان مهمترین اصل دفاع از سکولاریسم، در این قانون اساسی ذکر گردد.

نکته نهم:

دکتر نوید فاضل، در اینباره چنین می نویسد:

« زبان رسمی ایران، آن زبانی که در اخبار و در آموزش و پرورش می بینیم، زبان مادری هیچ کسی نیست. در هیچ گوشه از کشور نه در خانواده این نخستین زبانی است که آموخته می شود و نه زبان کوچه و بازار شهر و روستایی از این کشور است. گمان نمی رود که حافظ و سعدی نیز در شهر شیراز به این زبان گفتگو می کرده باشند. این زبان همپای زبان لاتین سده های پیاپی نقش زبان میانجی (Lingua Franca) را میان شهروندانی بازی کرده که زبان مادری شان چیز دیگری بوده. این که با همه فشارهای ایدئولوژیک سده های آغازین اسلامی برای جا انداختن زبان عربی به عنوان زبان معیار، زبان پارسی در این بخش از جهان و در درازای راه ابریشم زبان داد و ستد و زبان میانجی بوده، خود نشان می دهد که این زبان به خودی خود و بی هیچ فشاری از بالا توانمند بوده و نیازی به سرکوب زبان های بومی نداشته است. برخورد تنشی با زبان های بومی ولی به احساس تحمیلی بودن زبان رسمی می انجامد و شهروندان را به جای این که به هم نزدیک تر کند از هم دیگر می راند. از دید ما، آموزش زبان های بومی ایران باید از سر گرفته شود. این ها میراث فرهنگی زبانی کشور ما هستند و از دست دادن شان به هیچ روی بایسته نیست... باید به تک تک شهروندان کشور و ویژگی های فرهنگی شان ارج نهاد. در زمینه آموزش به زبان های بومی، از دید ما باید دست شهروندان و شهرستان های خودگردان در این زمینه هم باز باشد. لیک آزمون های سراسری باید به زبان رسمی انجام بگیرند تا مدرک های دبستانی و دبیرستانی هم ارضی شان را در سراسر کشور از دست ندهند. گمان نمی کنیم که هیچ پدر و مادری که ایدئولوژیک با این پرسش برخورد نکنند آرزو داشته باشند که فرزندشان در آینده با مدرکش تنها در منطقه زبانی خود امکان رشد و ترقی داشته باشد.» (فاضل، ۱۳۹۵).^۹

^۹ زبان رسمی و یا زبان بومی؟ دکتر نوید فاضل، پیوند به این نوشته: <http://www.seculariran.org/?p=1137>



نکته دهم:

علت پیشنهاد شیر و خورشید، قدمت تاریخی آن و تاثیر آن از فرهنگ های گوناگون است.

ویکیپدیا از قول یکی از پژوهشگران چنین می نویسد: «نشان شیر و خورشید موفقیت بی نظیری در میان نشان های موجود در ایران برای نشان دادن هویت امروزی ایرانی داشته است. این نشان از تمام فرهنگ های مطرح در تاریخ ایران تأثیر گرفته است، به طوری که نشان ها و تعبیرهای زرتشتی، شیعه، ترکی، یهودی را یکجا جمع نموده است» (نجم آبادی ۲۰۰۲)^{۱۰}

قانون اساسی کنونی ج.ا، علت وجود رنگ سبز را اعتقاد اکثریت ملت ایران به اسلام عنوان می کند. از آنجایی که اختصاص یک رنگ به یک دین خاص، با عدالت بین شهروندان ایران و همچنین اصل جدایی دین از دولت در تناقض است، از این رو، در این پیشنهاد، به جای اسلام، زندگی و طبیعت جایگزین شده است.

نکته یازده:

یکی از پدیده هایی که اکنون کشور ایران با آن دست به گریبان است، وجود تعداد زیادی از شهروندان کشور افغانستان است که در ایران زندگی می کنند. از طرفی، چنانچه در ایران یک نظام مردم سالار حاکم شود، و شاهد رشد اقتصادی کشور باشیم، آنگاه بسیاری از شهروندان کشورهای دیگر به میل خود یا به ضرورت شغلی، برای زندگی به ایران خواهند آمد (که یک رخداد گریز ناپذیر در دوران معاصر است).

از این رو، در این پیشنهاد تلاش شده تا به صورت مشخص، جایگاه و رابطه این افراد با دیگر باشندگان ایران مشخص شود.

^{۱۰} Joseph, Suad; Najmabadi, Afsaneh (2002), Encyclopedia of Women & Islamic Cultures: Family, law, and politics, Netherlands: Brill Academic Publisher, p. 524



نکته دوازده:

تعداد افرادی که اکنون غیر قانونی در ایران زندگی می کنند، بسیار چشمگیر است و از آنجایی که حقوق انسانی افراد بسیاری با این مساله تحت شعاع قرار می گیرد، لذا پیشنهاد نویس قانون اساسی، می بایست به صورت مشخص به این مساله بپردازد.

نکته سیزده:

- کشور ایران از امضا کنندگان میثاق ژنو ۱۹۵۱ می باشد:

The Convention Relating to the Status of Refugees (the 1951 Refugee Convention)

- میلیونها ایرانی در طی حکومت ج.ا. به عنوان پناهنده به کشورهای مختلف رفته اند، و این یک تعهد اخلاقی برای مردم ایران ایجاد می کند تا اجازه دهند که در زمان برقراری دموکراسی، از خاک ایران برای نجات جان انسان های درخطر بهره گرفته شود.

نکته چهارده:

تلاش شده تا پاره ای از حقوق اساسی و بنیادین انسان، که می تواند ضمانت اجرایی بیابد، در این پیشنهاد نویس ذکر شود. برای تدوین این منشور حقوق بشر، از نظرات خانم نوسبام، بهره جسته شده است (نوسبام ۲۰۰۷).^{۱۱}

نکته پانزده:

پذیرش ارجمندی انسان برای تمامی افرادی که در ایران زاده شده اند، زمینه ساز اعتلای حقوق بشر خواهد شد، و بدون شک، تمامی انسان ها، به شکل برابری، ارزش آنها دارند تا از کرامت انسانی بهره مند شوند (تایلور، ۱۹۹۴، ص ۳۰).^{۱۲}

^{۱۱} Nussbaum, M. (2007). Human Rights and Human Capabilities. Harvard Human Rights Journal, 2021-24. wtf.tw/ref/nussbaum.pdf

^{۱۲} Taylor, C. G. A. A. K. (1994). Multiculturalism. Princeton: Princeton University Press.



نکته شانزده:

متأسفانه در سی و چند سال گذشته، حکومت ج.ا.، تفسیر بسیار غلطی را از آزادی بیان ارایه نموده اند، و لازم است در این پیشنویس، به شکل صحیحی، حق آزادی بیان تدوین و تشریح گردد.

نکته هفده:

برای نگارش این تبصره، از این پرونده حقوقی در دیوان عالی آمریکا، بهره گرفته شده است:

Gertz v. Robert Welch, Inc., 418 U.S. 323 (۱۹۷۴)

نکته هجده:

برای نگارش این بخش از قانون کیفری کانادا بهره گرفته شده است: Criminal Code (R.S.C., 1985, c. C-46); s. 319

نکته نوزده:

برای نگارش این تبصره، از این حکم دیوان عالی آمریکا الهام گرفته شده است: Schenck v. United States, 249^{۱۳}

U.S. 47

^{۱۳} <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/249/47> قابل دریافت از پیوند زیر



نکته بیست:

آنچنان که جان رایلز در نظریه خود (عدالت مبتنی بر انصاف) استدلال می کند، تقسیم نابرابر امکانات تنها به شرطی مجاز است که این تقسیم نابرابر، منصفانه و در جهت منافع جمع باشد.^{۱۴}

نکته بیست و یک:

در این ماده تلاش شده تا با بهره جویی از دادگاه های مدنی و دادگاه های کیفری، ضمانت اجرایی برای حقوق بشر ایرانی ایجاد گردد.

نکته بیست و دو:

نتایج پژوهشهای گریسو و همکارانش (۲۰۰۲)^{۱۵} نشان می دهد که یک سوم افراد متهم زیر سیزده سال، از نحوه عملکرد دادگاه های کیفری و دفاع از پرونده خود، برداشت درستی ندارند.

نکته بیست و سه:

پژوهش های ردیینگ و همکارانش (۲۰۰۴)^{۱۶} نشان می دهد هنگامی که کودکانی که در زندان های معمولی نگه داری می شوند، احتمال دست زدن به خشونت و جرم برای آنها در آینده افزایش می یابد.

^{۱۴} RAWLS, J. (1971). A THEORY OF JUSTICE, Harvard university press

^{۱۵} Grisso, T., Steinberg, L., Woolard, J., Cauffman, E., Scott, E., Graham, S., Lexcen, F., Reppucci, N. D., & Schwartz, R. (2003). "Juveniles' competence to stand trial: A comparison of adolescents' and adults' capacities as trial defendants". Law and human behavior. 27 (4): 333–63

^{۱۶} Redding, R. E., & Fuller, E. J. (2004). "What do juvenile offenders know about being tried as adults? Implications for deterrence". Juvenile and Family Court Journal.



یکی از معضلات پیش روی جامعه ایران پس از سرنگونی ج.ا.، شیوع فساد خواهد بود. در اینجا بخش هایی از کتاب ریشه فساد، ذکر می گردد:

لمبدرزف^{۱۷} در کتاب «فساد در نهادهای اقتصادی و بازسازی آنها، تئوری، شواهد و سیاست گذاری» بر اساس شواهد نشان می دهد که در دراز مدت، دموکراسی به کاهش فساد می انجامد. البته لمبدرزف، به این نکته اذعان می کند که در کوتاه مدت، در کشورهایی که «دموکراسی نیمه جان medium-democratic» دارند، ممکن است که فساد بیشتر از کشورهای تحت کنترل حکومت های دیکتاتوری باشد، ولی در دراز مدت، و پس از قدرت گرفتن و استقرار دموکراسی، این فساد کاهش می یابد. در کتاب فوق، لمبدرزف به نکته مهمی اشاره می کند، و آن رابطه «نظام سلسله مراتبی» و وجود فساد است، و وی تاکید می کند که چنین ساختاری، به افزایش فساد می انجامد (لمبدرزف ۲۰۰۷).

برایتون باور دارد که وقتی قدرت به یک شخص واگذار می شود، آنگاه آن شخص کمتر به دیدگاه دیگران توجه می کند، و به نوعی خود این باعث فاصله گرفتن و «ایزوله» شدن شخص می شود و در نهایت باعث می شود که فرد از «هنجارهای جامعه» فاصله بگیرد و دیگر به اینکه هنجارهای جامعه چه می گوید و یا حتی قضاوت جامعه چیست، بی تفاوت گردد. از طرفی، چنین فاصله ای باعث می شود تا فرد احساس کند که متعلق به طبقه خاصی است و برتر از دیگران است، و خود این باعث می شود که استانداردهای زندگی فرد افزایش یابد، و در نتیجه نیازهای فرد بیشتر شود و در نهایت، زمینه شکل گیری فساد فراهم گردد. در ادامه این پژوهشگر به درستی یادآور می شود که فرد هنگام رسیدن به قدرت، تلاش می کند مانند دیگرانی که در قدرت حضور دارند رفتار کند. (بریتینگ ۲۰۱۵، ۶۴).

. بالوگون^{۱۸} باور دارد که سلامت جامعه Public integrity همچون «بذر» است، و اینکه آیا ما شاهد شکل گیری یک سلامت اجتماعی و دوری از فساد خواهیم بود یا خیر، به فرهنگ جامعه بستگی دارد. وی یادآور می شود که مهمترین شیوه برای مبارزه با فساد، آموزش همگانی و تغییر رفتار و شخصیت افراد است. (۲۰۰۳، ص ۱۴۳).

^{۱۷} Lambsdorff

^{۱۸} Balogun,



کورچیان تاکید می‌ورزد که برای مبارزه با فساد در هر جامعه ای، باید بر اساس ویژگی‌های آن جامعه، به شیوه‌های «مهندسی اجتماعی Social engineering» روی آورد (کورچیان ۲۰۰۷).

آنچنان که مشخص است، برای ایجاد تغییر در فرهنگ جامعه، می‌بایست به مهندسی اجتماعی روی آورده شود. صاحبان قدرت، افرادی هستند که اگر به فساد آلوده شوند، آنگاه این فساد به تمامی بخش‌های جامعه گسترش خواهد یافت (ر.ک. به کتاب ریشه فساد در ایران).

از این رو، نیاز است تا با تضمین رفاه برای افرادی که در معرض فساد هستند، جلوی شکل‌گیری فساد گرفته شود. چه آنکه:

الف) امنیت مالی فرد را برای همیشه تامین می‌کند، در نتیجه علاقه فرد به پول را آنچنان کاهش می‌دهد که او دیگر به انجام فساد، علاقه‌اش کاهش می‌یابد (کاهش motivation)

ب) با ایجاد لقب و جایگاه ویژه اجتماعی، فرد دیگر نمی‌تواند ارتکاب به فساد نزد خود را توجیه کند و در نتیجه، شانس rationalisation کاهش می‌یابد.

در حقیقت، دو عامل motivation and rationalisation، دو عامل از سه عامل شکل‌گیری فساد و کلاه برداری هستند، و با کاهش این دو عامل، فساد به شدت کاهش می‌یابد.

با کاهش خطر فساد در سطوح عالی مدیریتی (مثلاً نمایندگان مجلس و قضات)، زمینه کاهش فساد در کل جامعه، افزایش می‌یابد.

در حقیقت، برای قضات، فضایی مهیا می‌شود که نه نیاز به فعالیت اقتصادی دارد (و نه اجازه آنرا دارد)، و نه نیاز مالی دارد و از جایگاه ویژه اجتماعی نیز برخوردار خواهد بود. در حقیقت، قانون اساسی فضایی را فراهم می‌کند که این افراد خود را «والتر از پول» ببینند.

در واقع، تضمین رفاه قضات و همچنین افرادی که بر کار پلیس و ارتش نظارت می‌کنند، تلاشی است تا «فرهنگ سیاسی نخبگان»^{۱۹} بهبود یافته، و افرادی که خود در مسند قدرت می‌یابند، آنچنان خود را متمایز ببینند که از فساد اجتناب ورزند.

^{۱۹} برای تعریف «فرهنگ حقوقی نخبگان» رجوع بفرمایید به:

Verba, s (1987), Elites and the Idea of Equality. Cambridge, MA: Harvard University Press



نکته بیست و ششم:

یکی از معضلات کنونی کشور ایران، شکسته شدن حرمت قضات در ایران و خدشه وار شدن به «فرهنگ حقوقی» است.^{۲۰} در این پیشنویس تلاش مضاعفی صورت گرفته تا این حرمت بازسازی شود.

نکته بیست و هفتم:

همانگونه که ملاحظه فرموده اید، پیشنویس این قانون اساسی آنچنان نگاشته شده که حکومت، مجلس محور باشد. در حقیقت، این مجلس است که قوه مجریه را بر می گزیند. حال آنچه که برای رشد اقتصادی^{۲۱} و ایجاد پایداری در ایران اهمیت دارد، ایجاد «اعتماد سیاسی یا همان Political Trust» است.

هاردین (۲۰۰۶)،^{۲۲} اعتماد سیاسی را چنین تعریف نموده است: «یک اعتقاد عمومی که نظام حاکم و نهادهای گوناگون به شکلی صحیح عمل کرده، تصمیم گیری می نمایند، چه آنکه حاکمان بر کشور، نسبت به آینده شهروندان، حساسیت به خرج می دهند».

به این دلیل است که تلاش شده، زمینه برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات فراهم گردد. با توجه به اینکه مردم این امکان را دارند تا هر دو سال، یک سوم از نمایندگان مجلس را تغییر دهند، در نتیجه نمایندگان و احزاب تمامی تلاش خود را به کار خواهند بست تا به «خواست عمومی General will» جامعه را نمایندگی کنند.

^{۲۰} ر.ک. به کتاب ریشه فساد، واکاوی فساد قضایی، نوشته یاشار پارسا، انتشارات ایران آکادمیا، سال ۲۰۱۷

یافته های سافینا (۲۰۱۵) نشان می دهد که رابطه بین اعتماد سیاسی و رشد اقتصادی وجود دارد: ^{۲۱}

Safina, D. (2015). Trust and Economic Growth in Russian Society. Procedia Economics And Finance, 24(International Conference on Applied Economics (ICOAE) 2015, 2-4 July 2015, Kazan, Russia), 563-567. doi:10.1016/S2212-5671(15)00634-6

^{۲۲} Hardin, R. (2006). Trust. Cambridge : Polity



نکته بیست و هشتم:

بنا بر پژوهشی که اتحادیه اروپا در خصوص سلامت سامانه قضایی انجام داده، نتیجه گرفته شده که در کشورهایی که دموکراسی در آنها نوپا است، بهتر است پارلمان و قوه مجریه، امکان نظارت بیشتری بر قوه قضاییه داشته باشند تا سلامت این قوه حفظ شود (ر.ک. کتاب ریشه فساد - واکاوی فساد قضایی در ایران نوشته نگارنده).

در غیر اینصورت، از آنجایی که هنوز فرهنگ حقوقی جامعه هنوز بهبود نیافته و فساد قضایی در ایران ریشه دار است، ممکن است قوه قضاییه مجدداً به فساد آغشته گردد.

همچنین پژوهش یاد شده و دیگر پژوهش ها، نشان می دهند که نباید انتخاب اعضای شورای عالی قضایی را به نمایندگان مجلس یا رییس قوه مجریه واگذار نمود. بلکه اکثریت شورای عالی قضایی می بایست از میان خود قضات تعیین شوند و نهادهای انتخابی دیگر (همچون مجلس ملی) اقلیت را تعیین نمایند.

بیست و نهم:

پژوهش های انجام شده نشان می دهد که یکی از شیوه های کاهش فساد قضایی، ایجاد تعدد در دادستان های گوناگون می باشد.

نکته سی:

بدون شک ایجاد «دادگاه بازبینی قضایی Judicial review» یکی از مهمترین ابزارهای ایجاد پایداری در یک سامانه دموکراتیک، و ایجاد حاکمیت قانون است.

در حقیقت، مهمترین ابزار قوه قضاییه برای نظارت بر کار قوه مجریه Check and Balance همانا وجود دادگاه های بازبینی قضایی است. از این رو است که در این پیشنهاد پیش نویس قانون اساسی، امکانات عدیده ای به این دادگاه ها اختصاص یافته است.



نکته سی و یک:

به نظر می رسد که برای دست یابی به حکمرانی مطلوب، کشور ایران نیز ناگزیر از اتخاذ رویکردی نوین برای اداره کشور است، و این رویکرد نوین، همانا تمرکز زدایی است. پرفسور بگدونار^{۲۳} از دانشگاه آکسفورد، به درستی استدلال می کند که تمرکز زدایی، به ایجاد حس میهن دوست به شکل محلی آن منجر می گردد، و می تواند به رشد اقتصادی و رفاه بیشتر در سطح محلی منجر گردد.

یکی از اسنادی که هنگام نگارش این فصل مورد توجه واقع شده، مصوبه اتحادیه اروپا است:

the European Charter of Local Self-government - European Treaty Series - No. 122

در این میانه، ایجاد یک تعادل بین قدرت نظارت مجالس محلی و مجلس ملی، همچنین تعادل بین قدرت تصمیم گیری فرماندار با کابینه، یک موضوع اساسی است. نگارنده تلاش نموده تا با توجه به نظریه بازی ها Game theory، و همچنین توجه به شرایط ایران، شیوه ای را بیابد که تعادل و پایداری حداکثری ایجاد گردد.

نکته سی و دو:

توانمندی انسان ها، به منظور اعتلای حقوق بشر:

در هنگام تهیه این پیشنهاد، به نظرات آماریتا سن Amartya Sen توجه ویژه ای شده است. این اندیشمند برجسته، تلاش دارد تا «توسعه را به مثابه آزادی» تعریف کند و استدلال می کند که چگونه ممکن است فرد آزاد باشد، بدون اینکه بتواند به خواسته های خود دست یابد و یا اینکه آزاد باشد تا اعمالی را که می خواهد انجام دهد؟ (سن ۱۹۹۹)^{۲۴} وی، به درستی بر این نکته پا فشاری می کند که آزادی انتخاب یا opportunity aspect of freedom بخش مهمی از آزادی های یک انسان است، و باید فرد گزینه های گوناگونی برای «بودن» و «شدن» را در اختیار داشته باشد. (سن ۲۰۰۲).^{۲۵}

^{۲۳} Bogdanor

^{۲۴} Sen, A (1999) Development as freedom. Anchor Books, New York

^{۲۵} Sen, A. (2002) Rationality and Freedom, Cambridge: Harvard University Press



از این رو است که سن بر توسعه قابلیت های هر انسانی تاکید می ورزد، و در توصیف قابلیت، چنین می نویسد: «ایده قابلیت، به معنای فرصت دست یابی به کارکردهایی است که یک انسان می تواند «بشود» و یا «باشد». (سن ۲۰۰۵، ص ۱۵۳)،^{۲۶}

از این رو، تلاش شده تا زمینه توسعه «قابلیت های» هر شهروندی، از طریق تضمین حق آموزش آنها و همچنین ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، تضمین گردد.

نکته سی و سه:

یکی از مهمترین مشکلات قوه قضاییه ایران در آینده، این است که همزمان باید نظارت عمیقی بر آن داشت تا از فساد آن جلوگیری شود، و در عین حال، برای حفظ سلامت قضایی، می بایست استقلال آن حفظ گردد. دست یابی به چنین هدف مهمی، براحتی مقدور نمی باشد.

برای رسیدن به این هدف، از وجود دیوان قانون اساسی بهره گرفته می شود.

دادگاه قانون اساسی در برخی از زمینه ها، شباهت های بسیاری به دادگاه قانون اساسی آلمان The Federal Constitutional Court دارد.

در حقیقت، این قانون اساسی، به شکل «پاسدار مدافع دموکراسی» عمل می کند، و اجازه نمی دهد که مجلس ملی، قانون اساسی را نقض نماید و در حقیقت نظارت می کند تا قوانین مجلس، قانون اساسی را نقض نکنند: constitutionality review و در نهایت، همزمان، یک ابزار نظارتی بسیار قدرتمند برای نظارت بر کار قوه قضاییه در ایران است.

سی و چهار

این اصل، تحت شرایطی سختگیرانه، اجازه می دهد تا قوانین عطف به ماسبق شده و اجازه می دهد مجلس ملی قوانینی را تصویب کند که An ex post facto law است.

به صورت کلی، تصویب قوانینی که عطف به ماسبق می شوند، به حاکمیت قانون خدشه وارد نموده و در تناقض با اصل قطعیت قانون است.

^{۲۶} Sen, A. (2005). Human Rights and Capabilities. Journal Of Human Development, 6(2), 151-166.



اما شرایط کنونی ایران، شرایط غیرعادی است، بیش از سی و پنج سال است که مقامات حکومت ج.ا. به جنایاتی دست زده که بعضاً ابعادی نوین به تعریف عادی جرایم بخشیده اند. اگر مجلس ملی نتواند به شکل معقولی با وقایع گذشته برخورد کند، انگاه زمینه ایجاد خشونت در جامعه فراهم می گردد.

در عرف بین المللی نیز تصویب قوانینی که عطف به ما سبق می شوند، دور از ذهن نمی باشد. به عنوان نمونه، پس از جنگ جهانی دوم دادگاه نورنبرگ^{۲۷} تشکیل شد و اصل تشکیل و محاکمه جنایتکاران جنگی، بر اساس قوانینی بود که عطف به ماسبق شده بودند.

از این رو است که در این پیشنهاد، تنها با شرایطی سختگیرانه، چنین اجازه ای به مجلس ملی داده شده است.

²⁷ Thompson, H., Strutz, H. (1983). 'Dönitz at Nuremberg: A Reappraisal', (Torrance, Calif)



کاستی های قانون اساسی جمهوری اسلامی

فهرست:

۱۲۷.....	نبود تفکیک قوا در قانون اساسی کنونی ج.ا.ا.:
۱۳۱.....	نبود آزادی فعالیت حزبی و مشارکت سیاسی در قانون اساسی ج.ا.ا.:
۱۳۵.....	نبود آزادی بیان در قانون اساسی ج.ا.ا.:
۱۳۷.....	موانعی که قانون اساسی ج.ا.ا. بر سر راه اقتصاد سالم و پویا ایجاد می کند:
۱۴۲.....	سرکوب سازمان یافته زنان بر اساس قانون اساسی:
۱۴۵.....	وجود شکنجه و نقض کرامت انسانی شهروندان در قانون اساسی ج.ا.ا.:
۱۴۷.....	نقض حقوق کودکان در ایران در سایه قانون اساسی:



نبود تفکیک قوا در قانون اساسی کنونی ج.ا.:

برای ایجاد یک سامانه سیاسی پایدار و دموکراتیک، تفکیک قوا اهمیت ویژه ای دارد، چه آنکه:

- از انباشت قدرت در دست یک فرد یا عده ای خاص جلوگیری می کند،
 - زمینه گردش مسالمت آمیز قدرت را فراهم می کند، در نتیجه هیچ یک از قوا این فرصت را نمی یابد تا قدرت را قبضه کرده و یا باعث ایجاد استبداد شود، و به پایداری سامانه سیاسی منجر می گردد،
 - هر یک از قوا، بر کار قوای دیگر به شکلی نظارت می کند، و در نتیجه بهترین تصمیمات برای اداره جامعه گرفته می شود.
- برای رسیدن به پایداری و جلوگیری از سو استفاده از قدرت، نیاز است تا قوای سه گانه کشور، بر کار یکدیگر نظارت داشته باشند.

بررسی قانون اساسی ج.ا. در خصوص تفکیک قوا:

۱- طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی رژیم، سه قوه مجریه و قضاییه و مقننه به صورت مستقل معرفی شده اند، اما در همان اصل، این سه قوه را زیر نظر ولی فقیه معرفی می کند، و در بخش های دیگر، کنترل این قوای سه گانه را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به ولی فقیه واگذار می نماید. شایان ذکر است که:

- الف) قوه قضاییه بر اساس اصل ۵۷ و ۱۱۰ و ۱۵۷ قانون اساسی، توسط ولی فقیه انتخاب می شود.
- ب) نامزدهای نمایندگی مجلس و یا نامزدهای ریاست جمهوری، توسط شورای نگهبان (نهاد زیر مجموعه ولی فقیه بر اساس اصل ۹۱) و با استناد شورای نگهبان به اصل ۹۸ و ۹۹، فیلتر می شوند، از این رو، تنها افراد مورد تایید ولی فقیه، اجازه نامزدی می یابند، و در نهایت به سمت ریاست جمهوری و یا نمایندگی مجلس می رسند.
- ج) اصل ۱۱۰ قانون اساسی، وظیفه تنظیم رابطه سه قوه را به ولی فقیه واگذار نموده است.
- د) از آنجایی که ولی فقیه رژیم، رئیس قوه قضاییه را به صورت مستقیم انتخاب می کند، و در انتصاب نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری نیز به صورت غیر مستقیم دخالت دارد، در نتیجه تمامی این نهادها وابسته به ولی فقیه می باشند، و تفکیک قوا وجود ندارد.

۲- در فصل هشتم قانون اساسی، بخش عمده ای از قدرت به ولی فقیه واگذار شده؛ از این رو، فصل هشتم قانون اساسی و تمامی اصل های موجود در آن، در تناقض با اصل تفکیک قوا هستند.

الف) اختیارات ولی فقیه بالاتر از مجلس و رئیس جمهور و تمامی دادگاه های موجود در کشور است.

ب) ولی فقیه تمامی قوای نظامی و انتظامی را در اختیار دارد،

ج) ولی فقیه رئیس قوه قضاییه را انتخاب می کند.



(د) ولی فقیه انحصار رسانه رادیویی و تلویزیونی کشور را در اختیار دارد. (اصل ۱۷۵)

از این رو می توان گفت که ، تمامی قوا در اختیار ولی فقیه است، و در نتیجه ولی فقیه خود بخشی از سامانه اجرایی کشور است، و از طرفی، چون ولی فقیه رییس قوه قضاییه را انتخاب می کند، و یا حتی در انتخاب نمایندگان مجلس نقش دارد، لذا اصولاً تفکیک قوا طبق قانون اساسی رژیم معنا ندارد.

۳- وظیفه قوه مجریه^۱ به صورت مشخص اجرای قانون و اداره کشور است. در ایران و بنا به فصل هشتم قانون اساسی، بخش عمده ای از اختیارات مربوط به اجرای قانون در اختیار ولی فقیه قرار گرفته است، از جمله:

الف) تعیین فرمانده نیروی انتظامی،

ب) تعیین فرمانده نیروهای مسلح،

ج) بخش عمده ای از نهادهای اقتصادی کشور در اختیار نهادهای وابسته به ولی فقیه هستند، که قدرت اجرایی دارند، به مانند کمیته امداد، بنیاد مسکن، و....

در نتیجه بخش عمده از قدرت اجرایی کشور در اختیار ولی فقیه است و این با نظریه تفکیک قوا در تناقض است.

۴- تفکیک قوا تنها در یک سامانه دموکراتیک می تواند به وجود آید، و در ایران، به دلیل نبود انتخابات آزاد (ناشی از اصل ۹۹ و ۹۸ قانون اساسی)، تفکیک قوا ممکن نیست.

۵- شورای نگهبان بر طبق اصل ۹۱، و سپس مجمع تشخیص مصلحت نظام بر طبق اصل ۱۱۲، مافوق مجلس در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، توسط ولی فقیه تعیین می شوند و مردم عملاً در انتخاب آنها نقشی ندارند. همانطوری که در بالا توضیح داده شد، نهاد ولی فقیه در ایران، به دلیل داشتن اختیارات کامل اجرایی، بخشی از قوه مجریه محسوب می شوند، و اینکه بخشی از قوه مجریه به ایجاد نهادهای مشابه و موازی قوه مقننه (چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام) اقدام کند، در تناقض با اصل تفکیک قوا است.

پیامدهای نبود تفکیک قوا:

پیامدهای نبود تفکیک قوا را می توان در شرایط وخیم کنونی کشور ملاحظه نمود.

¹ The executive branch



تفکیک قوا، باعث می شود تا سه بخش مختلف کشور کار خود را به شکلی حرفه ای انجام دهند، و دیگر قوا در کار آنها اعمال نفوذ نکنند، و از طرف دیگر، پس از پایان هر دوره، به صورت مسالمت آمیز، قدرت را به نماینده بعدی مردم واگذار می نمایند. به دلیل وجود قوانین فوق، این تفکیک قوا وجود ندارد، و در نتیجه شاهد رخ دادن پیامدهای زیر هستیم:

۱- قوه مقننه هیچ استقلالی ندارد، و افرادی که در این قوه حضور پیدا می کنند، همه از فیلتر ولی فقیه رژیم که بخش عمده ای از قدرت اجرایی کشور را در اختیار دارد، عبور کرده اند، در نتیجه نمی توانند به وظیفه اصلی خود، یعنی نظارت بر قوه مجریه بپردازند.

الف) وظیفه ذاتی دیگر قوه مقننه، نظارت بر کار قوه مجریه است. بخش عمده ای از قدرت اجرایی کشور در دست ولی فقیه است، که به دلیل فوق، قوه مقننه بر کار او هیچ نظارتی ندارد. فساد مالی عجیب در نهادهای وابسته به ولی فقیه، و یا اعمالی که سپاه پاسداران مرتکب می شود (مثلا اعمال تروریستی در دیگر کشورها، فعالیت های اقتصادی غیر قانونی و قاچاق، یا سرکوب مردم) به دلیل نبود نظارت بخش قوه مقننه بر کار ولی فقیه است. ب) وظیفه ذاتی قوه مقننه، تصویب قانون به نمایندگی از ملت ایران و با توجه به حفظ منافع ملت ایران است. در نتیجه این عدم تفکیک قوا، شاهد این هستیم که قوه مقننه ایران به تصویب قوانینی اقدام می کند که در جهت منافع مردم ایران نیست.

۲- عدم استقلال قوه مقننه، باعث شده تا این قوه نتواند به فساد گسترده و بی عدالتی قوه قضاییه اعتراضی کند. فساد گسترده و بی عدالتی که اکنون در قوه قضاییه شاهد آن هستیم، حاصل عدم استقلال قوا است.

۳- اصل ۱۶۷ قانون اساسی رژیم اعلام می کند که قضات موظف هستند تا بر اساس «منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر» به صدور حکم اقدام کنند. از آنجایی که:

الف) ولی فقیه رژیم، عملاً خود بخشی از قوه مجریه محسوب می شود،
ب) قضات معمولاً به فتاوا و دستورات خمینی یا خامنه ای مراجعه می کنند،
ج) در نتیجه قوه قضاییه موظف است تا قوانین مورد نظر ولی فقیه (که خود بخش عهده از قدرت اجرایی کشور را دارد) اجرا کنند. (این بخش باید در بخش تناقضات نیز ذکر شود)

۴- از آنجایی که قوه مجریه بخش کمی از اختیارات اجرایی کشور را در اختیار دارد و مثلاً نیروی انتظامی و یا نظامی یا صدا و سیما در اختیار او نیست، قدرت لازم برای مقابله با فساد یا ناتوانی دو قوه دیگر را ندارد. از همه مهمتر، ولی فقیه با فیلتر کردن نامزدهای واقعی مردم (بر طبق اصل نود و نود یک قانون اساسی) اجازه نمی دهد که مردم نمایندگان واقعی خود را به عنوان رئیس جمهور برگزینند، در نتیجه، رئیس جمهور و یا نمایندگان نیز تنها منتصبین به ولی فقیه محسوب می گردد.



۵- نبود استقلال قوا در ایران، و واگذاری بخش عمده از قدرت اجرایی کشور به ولی فقیه، فجایع زیر را باعث شده است:

- این رژیم به حکومتی خودکامه تبدیل شود که رای مردم در آن نقشی ندارد،
- قدرت در دست عده محدودی (ولی فقیه و وابستگان به او) جمع گردد، این افراد جلوی برگزاری انتخابات آزاد را گرفته اند، و و این قدرت به صورت مسالمت آمیز، به نمایندگان مردم واگذار نمی شود، و در نتیجه «چرخش مسالمت آمیز قدرت» در ایران وجود ندارد.
- فساد در قوه مجریه و قوه قضاییه و نهادهای تحت نظر ولی فقیه بی داد کند، و عدالت در جامعه نیست،
- حاکمیت قانون در ایران وجود ندارد،
- حقوق شهروندان ایرانی در همه ابعادش نقض می شود،
- سیاست های غلط خارجی، اقتصادی، اجتماعی و یا تصویب قوانین مردم ستیز، در نتیجه نبود این تفکیک قوا است.



نبود آزادی فعالیت حزبی و مشارکت سیاسی در قانون اساسی ج.ا.:

تناقض قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی با حق تشکیل احزاب، شکل های سیاسی و صنفی:

(۱) در اصل بیست و ششم قانون اساسی، اجازه تشکیل حزب به شهروندان ایران داده شده است، ولی فعالیت این احزاب را مشروط به اجرای موازین اسلامی می کند:

«احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت»

(۲) تعریف موازین اسلامی بر عهده مجلس یا وزارت کشور است، و این در حالی است که به دلیل نبود انتخابات آزاد و فیلتر شدن نامزدهای غیر معتقد به ولایت فقیه (نظارت استصوابی)، تنها افرادی که وابستگی کاملی به رهبر و این نظام دارند، اجازه حضور در مجلس را می یابند یا به وزارت کشور منصوب می شوند.

(۳) این قانون اساسی، بر خلاف ساده ترین اصول و موازین شناخته شده، به وابستگان رهبر^۲ در مجلس یا وزارت کشور، اجازه این را می دهد تا به شکلی کاملاً سلیقه ای، موازین اسلامی را تعریف کنند، و با استفاده از آن تعریف غلط، شهروندان ایران را از حق فعالیت حزبی، محروم نمایند.

(۴) همانطوری که در بخش های دیگر توضیح داده شده است، قانون اساسی حکومت ج.ا. با آزادی بیان و آزادی اندیشه در تناقض است. و از طرفی، آزادی بیان یکی از مهمترین اصول برای فعالیت حزبی است.

(۵) بر اساس این اصل از قانون اساسی، بخش قابل توجهی از شهروندان ایران که مسلمان نیستند، تنها به شرط رعایت قوانین اسلامی (مطابق تعریف ولی فقیه) مجاز به فعالیت سیاسی هستند،

(۶) در سالهای اخیر شاهد بوده ایم که تنها آن دسته از افرادی که در ساختار قدرت حکومت ج.ا. حضور دارند، و وابستگی آنها به این حکومت و ولایت فقیه، اثبات شده است، اجازه می یابند شکل های ساختگی و بدون پشتوانه مردمی، به نام حزب ایجاد کنند.

(۷) انجمن های صنفی آزادی خواه، همچون کانون نویسندگان ایران، به دلیل سرکوب شدید حاکمیت در محاق قرار گرفته و فعالیت آنها سرکوب می شود.

(۸) سندیکاهای مختلف، همچون سندیکاهای کارگری یا معلمان، تحت همین قانون اجازه فعالیت نمی یابند.

^۲ همانطوری که در بخش های دیگر این سند ذکر شده است، افراد وابسته و معتقد به رهبر، به عنوان نمایندگان مجلس یا رییس جمهور، در یک «شبه انتخابات» و با حذف نمایندگان واقعی مردم، انتخاب می شوند.



پیامدهای اجرای قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی:

- (۱) ممنوعیت فعالیت حزبی به معنای ممنوعیت فعالیت سیاسی است، چه آنکه حزب مهمترین ابزار برای فعالیت سیاسی شهروندان است.
- (۲) مهمترین ضرر این بند از قانون اساسی، شکل گیری یک استبداد تمام عیار در ایران است. و باعث شده تا قدرت در ایران، به دیکتاتوری به نام ولی فقیه واگذار گردد.
- (۳) شایان یادآوری است که «چرخش قدرت» در ایران وجود ندارد، و او بی نیاز از رای مردم، به شکلی مادام العمر به این سمت منصوب شده است. هر چند قانون اساسی یک نهاد نظارتی به عنوان مجلس خبرگان پیش بینی کرده است، ولی این نهاد به دلیل نقایص قانون اساسی، به یک نهاد نمادین تبدیل شده است.
- (۴) به دلیل نبود احزاب آزاد، هیچ کسی نمی تواند با رهبر در زمینه قدرت سیاسی رقابت کند، و مثلاً نمایندگان خود را برای حضور در مجلس خبرگان معرفی نمایند. همانطوری که در بخش دیگر این سند توضیح داده شده است:
- (الف) رهبر اعضای شورای نگهبان را مشخص می کند، (ب) شورای نگهبان، افراد منتقد رهبر را از لیست نامزدهای مجلس خبرگان حذف می کند، و تنها اجازه می دهد افراد وابسته به رهبر، به عنوان نامزد در انتخابات مجلس خبرگان حضور یابند، (ج) در نتیجه، یک چرخه غلط ایجاد شده که به رهبر اجازه می دهد افراد ناظر بر خود را برگزیند.
- (۵) این چرخه غلط، باعث شده تا رهبر به شکلی مستبدانه در راس هرم قرار بگیرد، و چون هیچ رقابتی بر سر این مسند و مقام نیست، در نتیجه او خود را به هیچ کس پاسخگو نمی داند، و با سو مدیریت و فساد مالی خود، آسیب های کلانی را به تک تک شهروندان ایران وارد نموده است.
- (۶) زمینه فساد بسیاری فراهم شده است. به عنوان نمونه، خبرگزاری رویترز گزارش می دهد که ثروت رهبر ایران به بیش از نود میلیارد دلار می رسد.^۳
- (۷) حاصل ممنوعیت فعالیت سیاسی در ایران، نبود نظارت بر رهبر شده، و این نبود نظارت نیز، به فسادهای کلان و گسترده انجامیده است. از آنجایی که چرخش قدرت وجود ندارد، وابستگان به رهبر، به سو استفاده از قدرت روی می آورند. به عنوان نمونه، فرماندهان سپاه که تنها به رهبر جمهوری اسلامی پاسخگو هستند، بیش از چهل درصد از اقتصاد ایران را «بلعیده اند» و شاهد فساد گسترده ای در این نهاد هستیم.

^۳ رویترز: آیت الله خامنه ای یک امپراتوری ۹۵ میلیارد دلاری را کنترل می کند

http://www.radiofarda.com/content/f12_reuters_report_on_khamenei_assets/25164738.html



(۸) گستره فساد اقتصادی در سپاه پاسداران (ارگان زیر نظر رهبر) که این نهاد، به شکل یک ارگان رسمی قاچاق کالا درآمد است. نشریه معتبر اکونومیست گزارش می کند که بیش از هفتاد درصد از اقتصاد دولتی ایران در اختیار سپاه است، و این ارگان سالیانه بیش از دوازده میلیارد دلار کالا به ایران قاچاق می کند.^۴

(۹) دامنه این فسادها، تنها به اقتصاد ایران محدود نمی شود. به عنوان نمونه، سپاه پاسداران برای اینکه بتواند در عرصه پروژه های سد سازی فعال باشد، بخش های دولتی را مجبور به تعریف پروژه های سد سازی می کند، و حاصل این پروژه های، خشک شدن دریاچه ارومیه یا ساخت سد گتوند است، که تبدیل به فاجعه های محیط زیستی برای ایران شده، و شاید تا ده ها سال، مردم بخشی از کشورمان از عوارض این فاجعه در عذاب باشند.

(۱۰) این فساد مختص به سپاه پاسداران نیست، در ارگان های دیگری چون آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد شهید، بنیاد پانزده خرداد و... نیز شاهد فسادهای کلان مشابه هستیم.

(۱۱) حاصل ممنوعیت فعالیت سیاسی در ایران، نبود نظارت بر رهبر است، و این نبود نظارت نیز، به سو مدیریت های کلان انجامیده است. نمونه ای از این سو مدیریت ها در اینجا ذکر می شود:

(الف) برنامه اتمی صدها میلیارد دلار به اقتصاد ایران ضرر وارد کرده است (برخی از منابع، آنرا چند صد میلیارد دلار برآورد نموده اند)

(ب) حضور نظامی ایران در سوریه و دخالت در دیگر کشورهای منطقه، به حیث ملی ایران خدشه وارد نموده است، و امنیت ملی کشورمان را در مخاطره قرار داده است.

(ج) فساد کلانی بر قوه قضاییه رژیم حاکم است، و عملاً حاکمیت قانون در ایران معنا ندارد، در نتیجه رشد جامعه مدنی با مخاطره روبرو گشته است.

(د) حقوق بشر در ایران به شکل گسترده ای توسط نهادهای زیر نظر رهبر، و دیگر ارگان ها نقض می شود.

(۱۲) ما شاهد تکرار این مساله برای نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری نیز هستیم. از آنجایی که احزاب اجازه فعالیت ندارند، و نمی توانند برای انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری نماینده معرفی کنند، در نتیجه هیچ رقابت سیاسی واقعی در حوزه قدرت در ایران وجود ندارد. از این رو ما شاهد سومدیریت و فساد گسترده در قوه مجریه هستیم. در حوزه قوه مقننه نیز، شاهد آن هستیم که فساد کلانی وجود دارد، و نمایندگان به وظیفه ذاتی خود، یعنی دفاع از حقوق ملت و نظارت بر کار قوه مجریه و دیگر ارگان ها، عمل نمی کنند.

(۱۳) جلوگیری از فعالیت صنفی باعث شده تا اهل فرهنگ، با مشکلات صنفی و آینده ای نامشخص دست و پنجه نرم کنند.

⁴ showing who's boss, The Economist, Retrieved from: http://www.economist.com/node/14327633?story_id=14327633



۱۴) جلوگیری از فعالیت سندیکاها، باعث شده تا حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان ایرانی، به شکل سازمان یافته ای مخدوش شود، و این قشر از جامعه، فرصت دفاع از حقوق حقه خود را نیابد.

۱۵) از آنجایی که شهروندان ایران فرصت فعالیت سیاسی را نداشته، و از حق تشکیل احزاب یا اصناف محروم هستند، در نتیجه قدرت به صورت کامل و بدون نظارت، در اختیار عده محدودی قرار گرفته، که با مفاهیم زیر در تضاد هستند:

الف) حقوق بشر،

ب) حق حاکمیت شهروندان ایران بر کشور ایران،

ج) منافع ملی مردم ایران،

د) کرامت انسانی شهروندان ایران،

۱۶) در جمع بندی می توان ادعا نمود که عدم مشارکت شهروندان (که پیامدهای این قانون اساسی است)، و عدم نظارت شهروندان بر کار حاکمیت باعث وقوع رخدادهای زیر شده است:

الف) مردم کشور ثروتمند ایران در فقر به سر می برند،

ب) فساد عمیق حاکم بر این رژیم، باعث شده اموال مردم ایران به تاراج برود،

ت) مدیریت غیر شایسته ای بر کشور حکمرانی کند، و با مدیریت غلط خود، نابودی زیست بوم ایران را رقم بزند،

ث) به دلیل این مدیریت غیر شایسته، زیست بوم کشور تخریب شده، میراث فرهنگی و تاریخی کشور در شرف نابودی بوده، و رفاه از جامعه ایران رخت بر بسته است.

ج) سیاست خارجی تنش زا،



نبود آزادی بیان در قانون اساسی ج.ا.ی.

تناقضات قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی با آزادی اندیشه، باور و بیان:

هیچ یک از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی تضمین کننده آزادی بیان و آزادی اندیشه نیست. حتی در پیش نویس این قانون، جمله «عقیده/اشخاص محترم است و از تعرض مصون است» وجود داشته، که آنرا حذف کرده و تنها اصل بیست و سوم را جایگزین نموده اند که ذکر می کنند: «تفتیش عقاید ممنوع بوده، و هیچ کس را به صرف داشتن عقیده ای نمی توان مورد تعرض قرار داد». شایان یادآوری است که اصل ۲۳ قانون اساسی با شکل کنونی هیچ ضمانت اجرایی ندارد، و از آن گذشته، دیگر اصول قانون اساسی ج.ا.ی. نیز به شکلی آشکار، آزادی اندیشه، باور و بیان را نقض می کنند، که در ادامه به این مساله پرداخته خواهد شد.

از آنجایی که در همین قانون اساسی، تنها چهار دین اسلام، یهودی، زرتشتی و مسیحیت به رسمیت شناخته می شوند، در نتیجه از منظر این سند، معتقدان به دیگر باورها، و یا دگراندیشان، اصولاً حق حیات در ایران را ندارند، از این رو می توان به صراحت تاکید کرد که این قانون اساسی، با آزادی باور و اندیشه در تضاد می باشد. یادآور می شود که بند هیجده اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صراحت بر آزادی اندیشه تاکید می کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با آزادی بیان نیز تناقض دارد، و در هیچ جای این سند، آزادی بیان برای شهروندان ایرانی تضمین نشده است. تنها در بند بیست و چهارم، با «اما و اگر بسیار»، به آزادی مطبوعات اشاره می کند، و می گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند»

این در حالی است که نحوه تعیین صلاحیت ها و فیلتر نمایندگان مردم به شکلی است که تنها افراد وابسته به رهبر و معتقد به یک ایدئولوژی خاص، امکان انتخاب شدن را می یابند، و طبیعی است که به تصویب قوانین ضد آزادی بیان همت می گمارند.

به عنوان نمونه، ماده ۵۱۴ از قانون مجازات اسلامی، که بر اساس همین قانون اساسی تدوین و تصویب شده، به صراحت می گوید هر گونه توهین به روح الله خمینی یا رهبر کنونی ج.ا.ی. مجازاتی برابر با شش ماه تا دو سال زندان در پی دارد. و بر اساس این قانون بدوی، شاهد آن هستیم که کوچکترین انتقاد از رهبر، به عنوان توهین ارزیابی شده و فرد منتقد، به زندان محکوم می شود.

یادآور می شود که بند نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صراحت بر آزادی اندیشه تاکید می کند.

لازم به ذکر است که قانون اساسی تمامی کشورهای قانونمند و باورمند به آزادی ادیان و باور و بیان، به صراحت بر حق شهروندان مبنی بر آزادی بیان و آزادی باور و آزادی اندیشه تاکید می ورزند، و ضمانت اجرایی برای پاسداری از آزادی اندیشه، باور و بیان را مشخص می کنند.



پیامدهای تناقض آزادی بیان، باور و اندیشه با قانون اساسی جمهوری اسلامی:

در نتیجه نبود آزادی اندیشه، بیان و باور در ایران:

- (۱) یکی از عوامل گسترش فساد به شکل باور نکردنی در ایران، نبود آزادی بیان است، چه آنکه خبرنگاران و منتقدان اجتماعی، فرصت افشای فساد های کلان سران رژیم را پیدا نمی کنند و در نتیجه فساد گسترش یافته است.^۵
- (۲) به دلیل اینکه امکان انتشار و افشای نقض حقوق بشر در ایران وجود ندارد، زمینه نقض حقوق بشر بیشتر شده، و در حقیقت، نبود آزادی بیان به گسترش نقض حقوق بشر گردیده است.
- (۳) منتقدان مستقل (اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) امکان نقد سیاست ها و عملکرد حکومت در زمینه های مختلف را ندارند، و در نتیجه سو مدیریت های کلان و خرد، پنهان می ماند،
- (۴) به دلیل نبود آزادی بیان در ساختار آموزش و پرورش و آموزش عالی، از مدرسین تا اساتید، دانش آموز و دانشجو و یا پژوهشگران، حق بیان باور و نظر خود را ندارند. بر همین اساس ساختار آموزشی جمهوری اسلامی، نظامی بسته در چارچوب ایدئولوژی حکومتی همانند ساختار مائوئیست و کمونیست چین می باشد.
- (۵) راهکار و فاکتورهای رشد اقتصادی به سبب چارچوب خاص ایدئولوژیک حاکم بر قانون اساسی و نبود آزادی اندیشه و بیان به شدت محدود و یا غیر عملی گردیده است.
- (۶) نبود آزادی بیان، باعث کاهش سلامت عمومی جامعه شده است، چه آنکه مدیریت غلطی بر سامانه بهداشتی کشور حاکم است. به عنوان نمونه، آموزش مسایل جنسی انجام نمی شود، در مورد گستردگی بیماری ایدز و بیماری های مقاربتی اطلاع رسانی نمی شود، و سلامت شهروندان به مخاطره افتاده است.
- (۷) عدم تضمین آزادی اندیشه، باعث شده تا هزاران شهروند ایرانی به دلیل دگر اندیشی، با مجازات های مرگ روبرو شده اند، جان خود را از دسته داده اند یا ناچار به فرار از ایران شده اند (شهروندان بهایی، خدانا باور و...).
- (۸) به دلیل نبود آزادی اندیشه و بیان، ما شاهد شکل گیری اختناق در جامعه ایران هستیم، و اجازه تبلور اندیشه های نوین به شهروندان در داخل کشور داده نمی شود و روند تولید اندیشه در ایران کاهش چشمگیری داشته است.

۵. ر.ک. به این گزارش از روزنامه ایندپندنت، به نقل از سازمان شفافیت بین المللی:

<http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iran-drops-in-corruption-list-amid-calls-for-new-urgency-in-the-west-1822418.html>



مواعی که قانون اساسی ج.ا. بر سر راه اقتصاد سالم و پویا ایجاد می کند:

ایرادات قانون اساسی ج.ا.:

- (۱) اصل سوم قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی، چارچوبی اسلامی برای اقتصاد کشور در نظر می گیرد، و اصل چهارم، اشعار می دارد که تمامی قوانین کشور، از جمله قوانین اقتصادی می بایست در چارچوب اسلام باشد. این در حالی است که اقتصاد یک علم برای رفاه و عدالت اجتماعی، و نمی توان آنرا در قالب یک ایدیولوژی خاص تعریف نمود.
- (۲) اصل چهارم قانون اساسی، امنیت مالکیت خصوصی را به زیر سوال می برد، و اجازه می دهد که تحت نام منافع عمومی، مالکیت خصوصی خدشه دار گردد.
- (۳) اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران را به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم می کند، و مالکیت بخش عمده ای از اقتصاد کشور را در اختیار بخش دولتی قرار می دهد و می گوید:

«بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

اما در عمل اکثر این صنایع و معادن و غیره به بهانه خصوصی سازی و گذار گشته و عموماً در اختیار نهادهای نظامی و بنیادهای تحت نظر ولی فقیه قرار گرفته است. کلیه این واگذاری ها غیر قانونی بوده، و بسیاری از این مجموعه ها هیچ مالیاتی پرداخت نمی کنند و حتی ارگان هایی که تحت پوشش اماکن مذهبی فعالیت اقتصادی می کنند (همچون آستان قدس) رسماً و به صورت مادام العمر از پرداخت مالیات معاف هستند.
- (۴) در اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی، جمهوری اسلامی موظف است که از مبارزه «مستضعفین» در مقابل «مستکبرین» دفاع نماید. این هدف سیاست خارجی غلط، که از آن در نسخه اولیه قانون اساسی به «سیاست صدور انقلاب» یاد شده بود، همچنان سرلوحه سیاست های خارجی جمهوری اسلامی است، و رژیم با استناد به این بند، از جنبش های تروریستی در سرتاسر دنیا حمایت می کند
- (۵) اصل هشتاد و یکم، به صراحت اجازه و امنیت سرمایه گذاری خارجی در ایران را به زیر سوال می برد و اعلام می دارد:

«دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

این قانون که عملاً اقتصاد ایران را به اقتصاد دولتی تبدیل می کند، جلوی مشارکت و سرمایه گذاری بخش خارجی را می گیرد، و متناقض با قوانین سازمان تجارت جهانی است.



و تناقض در اینجاست که منابع و معادن ملی کشورمان که می بایست توسط دولت طبق قانون مورد محافظت قرار گیرد، در شرایطی مشابه با زمان قاجار به شرکت های خارجی واگذار می گردد. لازم به ذکر است پس از توافق هسته ایی اخیر باشگاهی به نام نیرو و نفت تشکیل شده است که اعضای آن اکثرا از نظامیان و سران رژیم بوده و در حال واگذاری منابع نفتی به خارجیان هستند.

(۶) اصل هشتاد و دوم، استخدام کارشناسان خارجی را ممنوع می کند.

(۷) فصل هشتم قانون اساسی، اختیارات گسترده ای را به رهبر رژیم واگذار نموده، و اداره بخش عمده ای از اقتصاد کشور تحت عنوان بنیادهای مختلف، به رهبری واگذار شده، و این نهادها از پرداخت مالیات معاف هستند. قانون اساسی، هیچ ابزار نظارتی کارآمدی را بر کار رهبر در نظر نگرفته، ولی اختیارات بسیار گسترده ای به او واگذار نموده است، همچون:

الف) تعیین ریاست قوه قضاییه، و فرمانده نیروی انتظامی و فرمانده سپاه،

ب) در اختیار داشتن شورای نگهبان و اجازه فیلتر کردن نمایندگان مردم،

ج) توان رهبر در اعمال نفوذ و تغییر نتیجه انتخابات برای رئیس جمهور و نمایندگان مجلس،

د) تعیین سیاست های کلی رژیم در عرصه بین المللی و داخلی و اقتصاد،

(۸) اصل هفتاد و شش قانون اساسی حق تحقیق و تفحص در تمامی امور را به مجلس شورای اسلامی واگذار نموده است اما همین مجلس فرمایشی، حق تحقیق و تفحص را از تمامی زیر مجموعه های زیر مجموعه رهبری را از خود سلب نموده است.

پیامدهای اجرای قانون اساسی ج.ا.

شرایط وخیمی که اقتصاد ایران را در شرف نابودی قرار داده، و فقر را بر اکثر شهروندان کشور حاکم کرده، نتیجه قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی و اعمال ولی فقیه می باشد. هم اکنون چهل میلیون ایرانی، یعنی اکثریت جامعه، زیر خط فقر و یا با فقر نسبی زندگی می کنند.^۶ در ادامه دلایل این فقر توضیح داده شده است:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست های کلی حکومت اسلامی، بنا به پیشگفتار همین سند، رفاه شهروندان را هدف قرار نمی دهند.

۲. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمامی قوانین کشور در خدمت اهداف ایدئولوژیک حکومت بوده و در نتیجه آن کشور ایران در رده کشورهای فقیر جهان است. در حالیکه با در نظر گرفتن منابع زیرزمینی، نیروی انسانی، کشاورزی، صنعت و توریسم، کشورمان امروزه می بایست در بین بیست کشور برتر جهان باشد.

^۶ <http://www.icana.ir/Fa/News/69690>



۳. تعریف ایدئولوژیک از مالکیت خصوصی سبب سلب امنیت سرمایه گذاری گشته، و با ایجاد بی اعتمادی، مانع رشد اقتصادی شده است.

۴. ترکیب ایدئولوژیک قانون اساسی، عدم شفافیت قوانین، نبود سازمان های نظارتی مستقل، نبود مطبوعات آزاد و عدم تکفیک قوا، زمینه ساز گسترش فساد اقتصادی بوده که باعث فقر شهروندان ایران شده، و فاجعه کنونی را رقم زده است.

۵. حاکمیت مطلق ولی فقیه بر سه قوه و عدم تفکیک قوا، باعث شده است تا:

الف) کشور ایران در ردیف یکی از فاسدترین کشورهای جهان به لحاظ اقتصادی و اداری قرار بگیرد.

ب) ولی فقیه با توسل به شورای نگهبان، انتخاباتی فرمایشی برگزار می کند، در نتیجه نمایندگان واقعی مردم ایران به قوه مقننه یا قوه مجریه راه نمی یابند، در نتیجه کشور ایران در چنگال فقر و فساد گرفتار آمده است، چون:

- تنها افراد مورد تایید ولی فقیه می توانند نامزد انتخابات ریاست جمهوری شوند، به همین سبب این اشخاص نماینده واقعی مردم ایران نبوده، و در جهت منافع رهبر و نظام حرکت می کنند، و از این رو است که شاهدیم کشور ایران در چنگال فقر و فساد گرفتار آمده است.
- قوه مقننه در جایگاه خانه قانون گذاری و ناظر بر قوه مجریه، در ساختار نظام جمهوری اسلامی تحت فرمان ولی فقیه از طریق شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام است و صرفاً در راستای منافع اسلام سیاسی به وضع قوانین پرداخته است که همین قوانین نیز باید به تایید شورای نگهبان منتخب رهبری برسد.

ج) قوانین تجاری، مالکیت و مالیاتی ایران که توسط این قوه تصویب شده، از هنجارها و استانداردهای بین المللی فاصله بسیاری دارد، و این باعث شده که امکان سرمایه گذاری خارجی در ایران از میان برود.

۶. بر اساس اصل نصیح صریح قانون اساسی:

«مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات

موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و

متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی

و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس

ان تحکمو بالعدل)

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رییس قوه قضاییه توسط ولی فقیه برگزیده می گردد، و همین امر سبب شده تا:

الف) در چنین ساختاری عدالت و دادگری معنا ندارد، و عدم استقلال قوه قضاییه و وابستگی آن به رهبری، سبب تولد

و رشد و فساد در اقتصاد ایران شده است،



ب) به دلیل وابستگی قوه قضاییه به نهاد رهبری، فساد در کلیه ارکان حکومتی و اجرایی بیداد می کند.

ج) در چنین ساختاری، و با توجه به عدم کارایی قوه قضاییه، نیروی انتظامی نیز قادر به انجام وظایف ذاتی خود نبوده

و صرفاً در جهت منافع نظام حرکت می کند، و شاهد تبدیل نیروی انتظامی به ماشین سرکوب حکومت هستیم.

د) امنیت فردی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان در پایین سطح قرار گرفته است.

۷. اتخاذ سیاست خارجی بحران زا و خصمانه در قبال دیگر کشورها، حمایت از تروریسم و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه،

باعث شده تا رابطه ایران با جامعه بین المللی و کشورهای پیشرفته، در پایین ترین حد ممکن قرار گیرد. شایان یادآوری است

که برای حل مشکل فقر و بیکاری، می بایست زمینه سرمایه گذاری در ایران فراهم شود، اما به دلیل سیاست خارجی غلط، امکان

سرمایه گذاری داخلی و خارجی از میان رفته است، و از طرفی، اقتصاد ایران نیز با مشکلات زیر روبرو است:

الف) محرومیت ایران از دست یابی به بازارهای جهانی، یا عضویت در سازمان تجارت جهانی،

ب) محرومیت ایران از دست یابی به تکنولوژی های نوین،

ج) عدم مشارکت شرکت های بزرگ بین المللی در صنایع ایران، که باعث شده رقابت کاهش یابد، و ایران به قراردادهایی

غیرمنصفانه با شرکت های خاصی تن در دهد.

د) امکان صادرات برای تولید کنندگان ایرانی کاهش یافته است.

۸. حاکمیت مطلق ولی فقیه بر قوای نظامی، علی الخصوص سپاه پاسداران، باعث شده تا این نیروی نظامی بر خلاف ساده ترین

اصول دموکراتیک، بر خلاف شرح وظایف سازمانی خود، به فعالیت اقتصادی دست زده و به صنایع مخابرات، نفت و گاز، راه سازی

و ... وارد گردد. این نیروی نظامی، با استفاده از امکانات عمومی، و معمولاً بدون مناقصه، قراردادهای بزرگی را عقد می کند.

استفاده سپاه از امکانات عمومی و دسترسی به اطلاعات، عدم پرداخت مالیات و استفاده از زور برای ترک تشریفات مناقصه، باعث

شده تا شرکت های خصوصی از گردونه رقابت حذف شوند، دانش فنی این شرکت های بزرگ بی استفاده بماند، رقابت از بین

برود، و در نهایت پروژه های عمرانی ناتمام باقی بماند، و این زمینه ساز فرار مغزها شود.

۹. در انحصار داشتن بخش عمده ای از منابع ملی کشور توسط نهادهای وابسته به ولی فقیه، باعث ایجاد آشفتگی در اقتصاد ایران

شده است:

الف) این نهادها، بیش از چهل درصد از اقتصاد کشور را در بر می گیرند، و از پرداخت مالیات معاف هستند،^۷

ب) این نهادها با استفاده از «رانت» به رقابت در عرصه اقتصادی پرداخته و بخش خصوصی را از میدان به در کرده اند،

^۷http://www.radiofarda.com/content/f4_economy_establishments_leader_tax_free/24412086.html



ج) عدم نظارت بر عملکرد این نهادها، به شکل گیری فساد گسترده ای منجر شده است.

۱۰. سیاست های غلط اقتصادی، نبود رقابت، عدم شایسته سالاری، نبود امنیت، و رفاه و تامین اجتماعی، سبب شده تا نیروهای کارآمد و متخصص از ایران مهاجرت می کنند. بنا به آمار بانک جهانی، ضرر فرار مغزها از ایران، سالیانه بیش از بر پنجاه میلیارد دلار است.

۱۱. مدیریت ناکارآمد اقتصادی و اتخاذ سیاست های خارجی تنش زا، سبب شده تا ایران در تقابل با جامعه بین المللی قرار گرفته و اقتصاد ایران در شرف فروپاشی قرار گیرد. آمار زیر، وضع وخیم کنونی را به خوبی توصیف می کنند:

الف) آزادی اقتصادی^۸ در ایران وجود ندارد، و ایران از این لحاظ، رتبه یکصد و هفتاد و سوم را در دنیا دارد.^۹

ب) بیکاری در ایران بیداد کند، بنا به گزارش ها، ایران جزو کشورهایی است که بیشترین آمار بیکاری را دارد.

ج) پول ایران جزو سه پول بی ارزش دنیا شده است.^{۱۰}

د) تورم لجام گسیخته، باعث شده تا شهروندان ایرانی در فلاکت باشند. ایران از لحاظ تورم، رتبه چهارم دنیا را دارد.^{۱۱}

ر) خروج سرمایه از ایران که سالیانه بیش از هفتاد میلیارد دلار^{۱۲} برآورد می شود، باعث شده تا اقتصاد ایران در سراسیمگی سقوط قرار گیرد.

ز) بی عدالتی اجتماعی در ایران بیداد می کند، و بخش عمده ای از ثروت جامعه در اختیار عده معدودی قرار گرفته است.

ی) بسیاری از صنایع ایران با ورشکستگی کامل روبرو شده اند.^{۱۳}

^۸ economic liberty

^۹ http://www.heritage.org/index/pdf/2015/book/index_2015.pdf

^{۱۰} <http://khabaronline.ir/detail/44107/Economy/180>

^{۱۱} <http://www.indexmundi.com/facts/indicators/NY.GDP.PCAP.CD/rankings>

^{۱۲} <http://www.icana.ir/Fa/News/236828>

^{۱۳} <http://goo.gl/u2l9ye>



سرکوب سازمان یافته زنان بر اساس قانون اساسی:

نقض سازمان یافته نقض حقوق زنان ایران، و قوانینی که بر سرکوب زنان ایران تاکید می ورزد، باعث شده تا زنان ایران به شکل شهروندان درجه دو درآیند، و با مشکلات عدیده ای، همچون افسردگی روبرو گردند، و این فرصت را نیابند که آنگونه که باید، از زندگی خود بهره ببرند.

نقض حقوق زنان در قانون اساسی ج.ا. و دیگر قوانین جاری کشور:

- (۱) اصل ۴ قانون اساسی تاکید می کند که تمامی قوانین کشور می بایست مطابق به قوانین اسلامی باشند.
- (۲) اصل ۲۱ قانون اساسی تاکید می ورزد که:
«دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید..»
عبارت موازین اسلامی در این اصل و مشروط کردن حقوق زنان ایران به موازین اسلامی، باعث شده تا حقوق زنان ایران در تمامی عرصه ها نقض گردد.
- (۳) اصل ۱۱۵ قانون اساسی، حق زنان ایران برای نامزدی مقام ریاست جمهوری را منکر می شود،
- (۴) اصل ۱۶۲ حق زنان ایران برای انصاب به مقام دادستان کل و یا رییس دیوان عالی کشور یا قوه قضاییه، منکر می شود.
- (۵) ماده ۱۹۹ و ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی، ارزش شهادت زنان را نیمی از شهادت مردان می داند.
- (۶) ماده ۳۸۵ قانون مجازات اسلامی، اگر یک مرد یک زن را بکشد، آنگاه خانواده زن می بایست برای مجازات مرد، نیمی از دیه مرد را به پردازند. ماده ۵۵۰ اعلام می کند که دیه زن نصف دیه مرد است.
- (۷) ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی، حق زن را برای سقط جنین به رسمیت نمی شناسد، و اگر زنی به سقط جنین دست زند، با مجازات روبرو می گردد.
- (۸) ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی، حق زنان را برای داشتن رابطه جنسی بدون ازدواج، منکر شده و برای آن مجازات های شدیدی چون شلاق و اعدام در نظر می گیرد.
- (۹) ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، برای نداشتن حجاب، مجازات شلاق در نظر گرفته، و حق زنان ایران برای انتخاب پوشش خود را منکر می شود
- (۱۰) ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، مرد را رییس خانواده معرفی می کند.
- (۱۱) ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به مرد اجازه می دهد که زن را از اشتغال منع کند.



۱۲) ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، سن ازدواج دختران را سیزده سال تعیین می کند، ولی به پدر دختر اجازه می دهد تا برای اخذ مجوز ازدواج کودکان زیر این سن نیز، به دادگاه مراجعه کنند. همچنین این ماده، ازدواج دختران را مشروط به موافقت پدر می کند، و در حقیقت، حق انسانی زنان برای ازدواج آزادانه را نقض می نماید.

۱۳) ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، به صراحت عنوان می کند که زنان موظف هستند تمامی خواسته های شوهر خود (از جمله درخواست های جنسی آنان) را به اجرا بگذارند، در غیر اینصورت، این قانون شوهر را از پرداخت هزینه همسر، معاف می کند. این قانون، حقوق انسانی زنان و اختیار آنها برای رابطه جنسی را به زیر سوال می برد، و شان زن ایرانی را به حد برده جنسی، پایین می آورد.

۱۴) این در حالی است که قانون مدنی و یا قانون مجازات اسلامی، در مقابل خشونت خانگی علیه زنان و آزار جسمی یا جنسی آنها در خانه، سکوت اختیار کرده اند.

۱۵) در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، به صراحت می گوید که مرد حق دارد هر گاه که می خواهد، همسرش را بدون ارایه دلیل، طلاق دهد. این در حالی است که ماده ۱۱۳۰، عنوان می کند که زن برای طلاق گرفتن، باید به دادگاه مراجعه کند، و دلایل محکمه پسندی، همچون اعتیاد شوهر را به دادگاه ارایه نماید.

۱۶) بر طبق قانون مدنی، دختران نصف پسران خانواده از ارث بهره مند می شوند.

۱۷)

۱۸) قانون حمایت از خانواده به مردان اجازه می دهد که چند همسر انتخاب کنند.

۱۹) ماده هیجده قانون صدور پاسپورت تاکید می کند که زنان برای اخذ پاسپورت و یا خروج از کشور، نیازمند مجوز مردان هستند.

پیامدهای این تناقضات و اجرای این قوانین:

بر اساس اجرای این قوانین است که ما شاهد فروکاهیده شدن زنان به شهروندان درجه دو جامعه هستیم. تبعیض جنسیتی تنها زنان جامعه را آزار نمی دهد، بلکه تمامی شهروندان یک جامعه آسیب خواهند دید.^{۱۴} قوانین غیر منصفانه ای که در بالا ذکر شد، عواقب بسیار سنگینی برای جامعه ایران داشته است، که در زیر، برخی از آنها ذکر می گردد:

۱) نقض حقوق انسانی زنان ایرانی در همه ابعاد،

۲) زنان ایران نمی توانند از زندگی خود بهره کافی ببرند، و احساس رضایت نمایند،

۳) این قوانین به ایجاد شکاف اجتماعی بین زنان و مردان منجر شده است،

¹⁴ Amartya Sen, 2001



- (۴) فرهنگ جامعه اندک اندک به سمت زن ستیزی رفته است.
- (۵) پژوهشگران باور دارند که ارتباط مستقیمی بین تبعیض جنسیتی و کاهش رشد اقتصادی وجود دارد، از این رو، به دلیل قوانین زن ستیز یاد شده، به اقتصاد کشور نیز آسیب وارد شده است.^{۱۵}
- (۶) عدم حضور زنان در بخش های تصمیم گیری کشور، به عدم پایداری جامعه منجر شده است،
- (۷) فرصت حضور پر رنگ زنان در فعالیت های فرهنگی گرفته شده است،
- (۸) سرکوب مداوم زنان باعث شیوع گسترده اختلالاتی همچون افسردگی و اضطراب در بین آنها شده است.
- (۹) عملکرد مادرانی که سرکوب شده اند، در اجرای وظایف خود به عنوان مادران نسل آتی، آثار منفی ایجاد خواهد گشت،
- (۱۰) توسعه اجتماعی جامعه با وجود قوانینی که زن ستیز هستند، و بر تبعیض جنسیتی پافشاری می کنند، ممکن نمی شود،

¹⁵ Does Gender Inequality Hinder Development and Economic Growth?, World Bank, can be retrieved at: www10.iadb.org/intal/intalcdi/PE/2013/11180.pdf



وجود شکنجه و نقض کرامت انسانی شهروندان در قانون اساسی ج.ا.:

کشور ایران از نظر سرانه اعدام ها، بیشترین اعدام در دنیا را دارد،^{۱۶} از سوی دیگر، عدم استقلال در قوه قضائیه باعث شده تا در روند دادرسی، ضابطین قضایی از شکنجه به عنوان یک ابزار کشف جرم بهره گیرند. اضافه بر آن، شکنجه به شکل یک ابزار کاملاً عادی برای سرکوب کنشگران سیاسی یا مدنی در اختیار نیروهای امنیتی واقع شده است، و از سوی دیگر، اجرای روزانه مجازات های چون شلاق، سنگسار، و یا بریدن دست و پا که مصداق بارز مجازات های بی رحمانه و غیر انسانی محسوب می شود، باعث شده تا حقوق انسانی شهروندان ایرانی به شکل سازمان یافته و روزمره، به زیر سوال رود.

تناقضات قانون اساسی جمهوری اسلامی با ممنوعیت شکنجه و مجازات اسلام:

(۱) هر چند اصل سی و ششم قانون اساسی تأکید می کند که اجرای قوانین مجازات می بایست تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، لیکن همین قانون اساسی، در اصل یکصد و پنجاه و ششم، اجرای «حدود و مقررات» اسلامی را وظیفه قوه قضائیه می داند. در این اصل گفته شده است:

«اصل یکصد و پنجاه و ششم: قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. رأی تفسیری شورای نگهبان»

(۲) قانون مجازات در ایران، قانون مجازات اسلامی خوانده می شود، و بر اساس تفسیر سران حکومت از دستورات اسلامی تدوین شده است.

(۳) شایان یادآوری است که مردم ایران حق فعالیت سیاسی و یا مشارکت در اداره امور کشور را ندارند، و نمایندگان واقعی مردم در مجلس حضور ندارند، لذا این قانون مجازات بدون نظر مردم ایران تصویب شده است.

(۴) قانون مجازات اسلامی، برخی از اعمال را جرم تلقی کرده و مجازات اعدام و یا شکنجه را برای آنها در نظر می گیرد. اعمال زیر، مجازات اعدام یا شکنجه را به همراه دارند:

¹⁶ <http://www.economist.com/news/international/21656666-few-countries-are-applying-death-penalty-more-freely-global-trend-towards>



- طبق ۱۸۳ تا ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی، اگر کسی «محرابه» کند، و یا «مفسد فی الارض» باشد، به اعدام یا بریدن دست و پا، محکوم می شود.
 - طبق ماده ۲۳۴ و ۸۲، مجازات رابطه جنسی خارج از ازدواج می تواند شلاق یا اعدام باشد،
 - طبق ماده ۲۶۲، توهین به پیامبر اسلام مجازات اعدام به همراه دارد،
 - طبق ماده ۲۷۸، اگر کسی به سرقت دست زند، می تواند با مجازات بریدن دست روبرو شده، و در بار چهارم، اعدام خواهد شد.
 - طبق ماده ۲۸۶، اشاعه فحشا و فساد، مجازات اعدام را به همراه خواهد آورد،
 - طبق ماده ۲۲۵، رابطه جنسی خارج از ازدواج، با مجازات شلاق روبرو خواهد شد،
 - طبق ماده ۲۵۰، توهین به یک نفر، و به زیر سوال بردن حلال زادگی او، می تواند با مجازات شدیدی چون هشتاد ضربه شلاق منجر گردد،
 - طبق ماده ۲۶۵، مصرف مشروبات الکلی به مجازات شلاق منجر خواهد شد.
 - طبق ماده ۳۸۹، قانون گذار اجازه می دهد که فرد قربانی، به عمل مشابه فرد خاطی دست زند، و اصطلاحاً به قصاص متوسل شود، و همان عمل اشتباه را تکرار کند.
 - طبق ماده هشتم قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حمل و نگه داری موارد مخدر می تواند به مجازات اعدام منجر گردد.
- (۵) هر چند اصل سی و هفتم قانون اساسی بر ممنوعیت شکنجه تاکید می ورزد، لیکن عدم استقلال قوه قضایه باعث شده تا کسی نتواند از شکنجه گران شکایت کند.

پیامدهای این تناقضات و اجرای این قوانین:

اعدام صدها شهروند ایرانی در سال، وجود شکنجه به شکلی کاملاً سازمان یافته و عادی در ارگان های انتظامی و امنیتی، پایین آمدن امنیت جامعه و خدشه دار شدن کرامت انسانی شهروندان ایرانی، حاصل اجرای قوانین موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

این قانون اساسی قابل اصلاح نمی باشد، و بر

(۱) مقایسه امنیت اجتماعی و آمار جرایم در ایران و کشورهای پیشرفته دنیا (که مجازات اعدام یا بی رحمانه ندارند)، نشان می دهد که علم رغم وجود مجازات های خشن و اعدام صدها انسان در سال، همچنان آمار جرایم در ایران بیشتر از چنین کشورهایی است، و امنیت جامعه در ایران نیز بسیار کمتر است.



۲) نگرش کلی قانون اساسی بر این است که با اجرای مجازات های خشن و شدید، جلوی گسترش جرایم گرفته می شود. این در حالی است که مجازات، تنها یک از عوامل کاهش جرایم می باشد، و الزاما مجازات های خشن، به کاهش نرخ جرم منجر نمی گردد، و عوامل مهمتری همچون نابرابری اجتماعی، عدم تامین حداقل های زندگی و...، در کاهش یا افزایش نرخ جرایم نقش ایفا می کنند.

۳) این مجازات های غیر انسانی و اعدام ها، باعث شده تا خشونت در جامعه نهادینه شود و قباحث کشته شدن یا آزار انسان از بین برود، و کرامت انسانی در جامعه بی حرمت گردد.

۴) جمهوری اسلامی از مجازات های اعدام و اجرای علنی آن، برای ایجاد وحشت در جامعه و پلیسی نمودن جامعه بهره می برد.

۵) شکنجه کنشگران سیاسی باعث شده تا جامعه از مشارکت سیاسی وحشت داشته باشد.

۶) ترس از شکنجه شدن در آینده، باعث شده تا مردم به خودسانسوری روی آورند، و به حق شهروندان مبنی بر آزادی بیان خدشه وارد شده، و توسعه سیاسی جامعه با اختلال روبرو گردد.

۷) نبود قوه قضاییه مستقل نبود نظارت بر کار پلیس از سوی مردم و پاسخگو نبودن پلیس، باعث شده تا شکنجه به شکل یک ابزار، در اختیار پلیس ایران قرار گیرد.

۸) اختیارات گسترده نیروهای امنیتی برای سرکوب شهروندان ایرانی معترض، باعث شده تا این نیروها به شکلی کاملا سازمان یافته از شکنجه برای سرکوب مخالفان بهره گیرند، و در نهایت نیز با استناد به قوانین غیر انسانی موجود، آنها را به اعدام محکوم کنند. لازم به ذکر است که عدم ممنوعیت شکنجه و یا اعدام، به شکل یک ابزار برای ادامه حیات این حکومت در آمده است.

۹) نبود قوه قضاییه مستقل باعث شده تا بسیاری از شهروندان ایرانی متهم، مورد شکنجه واقع شوند، و پس از اعترافات که تحت شکنجه از آنها اخذ می شود، به اعدام محکوم گردند.

۱۰) به دلیل فساد گسترده در قوه قضاییه و پلیس، افرادی که واقعا خطاکار بوده اند، از مجازات رها می شوند، و این در حالی است که افراد بی گناه مورد شکنجه واقع می شوند.

نقض حقوق کودکان در ایران در سایه قانون اساسی:

تناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی با حقوق کودکان:

اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی، تاکید کرده که تمامی قوانین و مقررات کشور می بایست بر اساس شرع باشند. از این رو، در بر اساس قانون اساسی، سن کودکان در ایران بر اساس سن شرعی تعیین شده، که برای دختران نه سال و برای پسران پانزده سال می باشد.



این در حالی است که طبق تعریف میثاق بین المللی حقوق کودکان، سن قانونی هیجده سال تعیین شده است.

پیامدهای تناقض قانون اساسی با پیمان جهانی حقوق کودکان:

- در حالی که یافته های علمی بر آثار مخرب رابطه جنسی کودکان با افراد بزرگسال تاکید می ورزد، متأسفانه قانون جمهوری اسلامی، اجازه ازدواج کودکان دختر را با افراد بزرگسال می دهد.
- بسیاری از کودکان زیر هیجده سال (دختران نه سال به بالا و پسران پانزده سال به بالا) بر طبق قانون اساسی، بالغ قلمداد می شوند، و با مجازات های غیر انسانی چون شلاق، زندان و یا اعدام روبرو می شوند.
- در حالی که ماده ۱۹ پیمان نامه حقوق کودک دولتها را موظف کرده که جلوی تنبیه بدنی کودکان بگیرند، اما قوانین جاری حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن، به پدر و جد پدری این اجازه را می دهد که به آزار جسمی کودکان و تنبیه آنها دست زنند، و این اقدام غیر انسانی، هیچ عواقبی برای خاطی نیز در بر ندارد.
- بر اساس ماده ۲۲ قانون جزای اسلامی، اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد، تنها به جریمه نقدی (پرداخت دیه) محکوم می شود، و این به معنای نقض آشکار حقوق انسانی کودکان است.
- ماده دوم پیمان جهانی حقوق کودک، خواستار برابری بین تمامی کودکان فارغ از جنس و نژاد و ... شده است. این در حالی است که کودکان دختر از تبعیض شدیدی رنج می برند و حقوق کودکان دختر نقض می شود.
- یکی از اساسی ترین حقوق کودکان، حق زندگی و تماس با والدین خود است. ماده نهم پیمان جهانی حقوق کودکان بر حق کودکان مبنی بر زندگی با والدین، و حق ادامه رابطه با والدین در صورت جدایی تاکید می کند. این در حالی است که طبق قوانین جاری کشور، پدر «مالک» کودک محسوب شده، و می تواند مانع دیدار مادر با فرزندان خود شود.
- رژیم جمهوری اسلامی به شکل برنامه ریزی شده، از زمان کودکی، برای شستشوی مغزی کودکان اقدام می کند، و در نتیجه حق اساسی کودکان برای انتخاب آزادانه عقاید خود را زیر ما می گذارد.
- رژیم جمهوری اسلامی حقوق کودکان برای بیان آزادانه عقاید خود را نقض می کند، و کودکان ایرانی از این حق محروم هستند.
- کودکانی که از ناتوانی جسمی در رنج هستند، از حمایت دولتی برخوردار نیستند، و با شرایط وخیمی دست و پنجه نرم می کنند.
- به دلیل اصل چهارم قانون اساسی، هیچ قانون مشخصی برای جلوگیری از کار اجباری کودکان وجود ندارد.
- کودکانی که از اقلیت های مذهبی یا دگر اندیش هستند، از حق تحصیل و یا اجرای مناسک مذهبی خود محروم شده اند.